



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

حلقه‌های

کیفیت و دعا

درس‌های بیست
سلسله‌های اول

پرتوهای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حلقه چهاردهم : سلسله درس های مهدویت : کیفیت دعا

نویسنده:

سید محمد بنی هاشمی

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
حلقه چهاردهم : سلسله درس های مهدویت : کیفیت دعا	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۹
این حلقه به نیابت از:	۱۳
فهرست مطالب	۱۵
مقدمه	۲۳
فصل اول: چگونگی دعا برای امام زمان علیه السلام	۲۴
درس اول: یأس از خلق و اقبال قلبی	۲۴
اشاره	۲۴
یأس کامل از خلق	۲۴
اقبال قلبی در دعا	۲۸
درس دوم: رقت قلب و تحصیل تقوا	۳۴
اشاره	۳۴
رقت قلب	۳۴
تحصیل تقوا و تهذیب نفس	۳۹
درس سوم: توجه به حق الناس و تحصیل معرفت	۴۶
اشاره	۴۶
بر عهده نداشتن حق الناس	۴۶
معرفت به امام عصر علیه السلام و شکر نعمت وجودی ایشان	۵۰
درس چهارم: اصرار در دعا	۵۳
اشاره	۵۳
الحاح و اصرار و دوری از سستی	۵۳
درس پنجم: گریه و زاری	۶۵
اشاره	۶۵
بکاء، ضجه، تضرع و ابتهاج	۶۵
درس ششم: توجه به مظان اجابت دعا و نیابت	۷۴
اشاره	۷۴
دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده	۷۴

۸۱	نیابت از زندگان و مردگان
۸۶	فصل دوم: دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان علیه السلام
۸۶	درس هفتم: مقایسه دعای مأثور و دعای غیر مأثور
۸۶	اشاره
۸۷	دعاهای غیر مأثور
۹۲	دعاهای مأثور
۹۵	درس هشتم: اهتمام ائمه طاهرين عليهم السلام به دعا در حق امام عصر عليه السلام
۹۵	اشاره
۹۷	مضامين دعاهای ائمه عليهم السلام در حق امام عصر عليه السلام
۱۰۵	درس نهم: دعا در قنوت و سجده
۱۱۲	درس دهم: دعا در تعقيب نمازها (۱)
۱۱۲	اشاره
۱۱۵	تعقيب اول نماز واجب
۱۱۶	تعقيب دوم برای نماز واجب
۱۱۹	تعقيب سوم در نمازهای واجب
۱۲۲	درس یازدهم: دعا در تعقيب نمازها (۲)
۱۲۲	اشاره
۱۲۲	تعقيب نماز ظهر
۱۳۰	تعقيب نماز صبح و عصر
۱۳۱	تعقيب دو رکعت اول نماز شب
۱۳۳	درس دوازدهم: زمانهای مناسب دعا (۱)
۱۳۳	اشاره
۱۳۳	دعا در زمانهای مناسب
۱۳۳	دعا در صبح و شام
۱۳۶	پیدا کردن فرصت برای دعا
۱۳۷	دعای عهد روزانه
۱۳۹	دعا در شب و روز جمعه
۱۴۷	درس سیزدهم: زمانهای مناسب دعا (۲)
۱۴۷	دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه
۱۵۴	دعا در روز عید غدیر

۱۵۹	دعای ندبه در عید غدیر
۱۶۳	درس چهاردهم: زمانهای مناسب دعا (۳)
۱۶۳	دعا در عید فطر و قربان
۱۷۵	درس پانزدهم: زمانهای مناسب دعا (۴)
۱۷۵	اشاره
۱۸۴	دعا در شب و روز نیمه شعبان
۱۸۷	دعای روز دحو الارض
۱۸۹	درس شانزدهم: زمانهای مناسب دعا (۵)
۱۸۹	اشاره
۱۸۹	دعا در روز عاشورا
۱۹۶	بهترین عمل در روز عاشورا
۲۰۳	درس هفدهم: مکان مناسب دعا (۱)
۲۰۳	اشاره
۲۰۳	دعا در مکانهای مناسب
۲۰۳	دعا در مسجد الحرام
۲۱۲	درس هجدهم: مکانهای مناسب دعا (۲)
۲۱۲	اشاره
۲۱۲	دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب
۲۲۰	درس نوزدهم: مکانهای مناسب دعا (۳)
۲۲۰	اشاره
۲۲۰	دعا در حرم مطهر رضوی
۲۲۲	دعا در زیر قبه سید الشهداء علیه السلام
۲۲۵	دعا در مشاهد مشرفه
۲۲۹	درس بیستم: دیگر دعاهای مأثور
۲۲۹	اشاره
۲۲۹	دعاهای غیرمقید به زمان یا مکان خاص
۲۳۱	صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی
۲۴۰	گفتگوی پایانی
۲۴۷	درباره مرکز

حلقه چهاردهم : سلسله درس های مهدویت : کیفیت دعا

مشخصات کتاب

سرشناسه : بنی هاشمی، سید محمد، 1339 -

عنوان و نام پدیدآور : سلسله درس های مهدویت / محمد بنی هاشمی.

مشخصات نشر : تهران: منیر، 1388-1389.

مشخصات ظاهری : 14 ج.

شابک : دوره : 2-158-539-964-978 ؛ 28000 ریال: ج.1 : 3-148-539-964-978 ؛ 29000 ریال : ج.2 : 2-964-978-964-978 ؛ 0-149-539-964-978 ؛ ج.3 : 3-150-539-964-978 ؛ 31000 ریال : ج.4 : 3-151-539-964-978 ؛ 28000 ریال : ج.5 : 5-978-964-978-964-978 ؛ 0-152-539-964-978 ؛ ج.6 : 6-153-539-964-978 ؛ 35000 ریال: ج.7 : 7-208-539-964-978 ؛ 26000 ریال: ج.8 : 8-964-978-964-978 ؛ 1-209-539-964-978 ؛ 28000 ریال: ج.9 : 9-210-539-964-978 ؛ 35000 ریال: ج.10 : 10-211-539-964-978 ؛ 30000 ریال: ج.11 : 11-9789645392121 ؛ 30000 ریال: ج.12 : 12-222-539-964-978 ؛ 35000 ریال: ج.13 : 13-978-964-978-964-978 ؛ 7-223-539-964-978 ؛ 38000 ریال: ج.14 : 14-224-539-964-978

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری (فایا)

یادداشت : ج.1 - 6 (چاپ اول: 1388).

یادداشت : ج.11 (چاپ اول: 1389).

یادداشت : ج.7 - 14 (چاپ اول: 1389).

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.1. معرفت و بندگی. - ج.2. منزلت امام. - ج.3. شناخت امام علیه السلام. - ج.4. لوازم معرفت. - ج.5. نعمت امام علیه السلام. - ج.6. غربت امام عصر علیه السلام. - ج.7. غیبت امام عصر علیه السلام. - ج.8. راز غیبت. - ج.9. رمز ظهور. - ج.10. انتظار فرج. - ج.11. برکات انتظار. - ج.12. دعا و اجابت. - ج.13. دعا برای امام عصر علیه السلام. - ج.14. کیفیت دعا.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - احادیث

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - غیبت

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - دعاها

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : BP224/ب83س8 1388

رده بندی دیویی : 297/462

شماره کتابشناسی ملی : 1729415

ص: 1

اشاره

این حلقه به نیابت از:

محدث با اخلاص

شیخ عباس قمی رحمه الله

به پیشگاه:

نخستین فدائی سید الشهداء علیه السلام

جناب حرن یزید ریاحی رحمه الله

تقدیم می گردد.

ص: 5

فهرست مطالب

فصل اول: چگونگی دعا برای امام مهدی علیه السلام - 13

درس اول: یأس از خلق و اقبال قلبی - 13

1 - یأس کامل از خلق - 13

2 - اقبال قلبی در دعا - 17

اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای دعا کننده - 18

دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی، اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل فرج امام زمان علیه السلام - 20

درس دوم: رقت قلب و تحصیل تقوا - 23

3 - رقت قلب - 23

مواقع پیدایش رقت قلب در انسان - 24

استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج - 26

4 - تحصیل تقوا و تهذیب نفس - 28

پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حق امام زمان علیه السلام - 30

درس سوم: توجه به حق الناس و تحصیل معرفت - 35

- 5- بر عهده داشتن حق الناس - 35
- 6- معرفت به امام عصر علیه السلام و شکر نعمت وجودی ایشان - 39
- درس چهارم: اصرار در دعا - 42
- 7- الحاح و اصرار و دوری از سستی - 42
- عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا - 43
- نمودهای مختلف اصرار در دعا - 44
- توسل به اهل بیت علیهم السلام در دعای عبرات - 47
- درس پنجم: گریه و زاری - 54
- 8- بکاء، ضججه، تضرع و ابتهال - 54
- زمینه سازی برای ایجاد حال بکاء در دعا - 55
- چگونگی پیدایش حال ضججه و تضرع - 57
- بکاء و ابتهال امام عصر علیه السلام در دعای عبرات - 59
- درس ششم: توجه به مظان اجابت دعا و نیابت - 63
- 9- دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده - 63
- 10- نیابت از زندگان و مردگان - 70
- پرسشهای مفهومی از درسهای 1 تا 6 - 74
- فصل دوم: دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان علیه السلام - 75
- درس هفتم: مقایسه دعای مأثور و دعای غیر مأثور - 75
- الف - دعاهاى غير مأثور - 76
- مقایسه دعای غیر مأثور همراه با حضور قلب با دعای مأثور بدون آن - 78

ب- دعاهاى مأثور - 81

برترى دعاهاى مأثور بر غير مأثور - 81

مضامين دعاهاى ائمه: در حق امام عصر عليه السلام - 86

دعای امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خویش - 87

دعای ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در حق امام عصر علیه السلام - 90

درس نهم: دعا در قنوت و سجده - 94

دعا در قنوت نماز وتر - 95

دعای قنوت نماز جمعه - 97

2- دعا در حال سجده - 98

درس دهم: دعا در تعقیب نمازها (1) - 101

3- دعا در تعقیب نماز - 101

تعقیب اول برای نماز واجب - 104

تعقیب دوم برای نماز واجب - 105

تعقیب سوم برای نمازهای واجب - 108

تجدید عهد با امام عصر علیه السلام بعد از نماز واجب - 109

درس یازدهم: دعا در تعقیب نمازها (2) - 111

تعقیب نماز ظهر - 111

تعقب نماز عصر - 115

تعقیب نماز صبح و ظهر - 119

تعقیب دو رکعت اول نماز شب - 120

درس دوازدهم: زمانهای مناسب دعا (1) - 122

4- دعا در زمانهای مناسب - 122

دعا در صبح و شام - 122

پیدا کردن فرصت برای دعا - 125

دعای عهد روزانه - 126

دعا در شب و روز جمعه - 128

درس سیزدهم: زمانهای مناسب دعا (2) - 136

دعا در عصر روز دوشنبه و پنج شنبه - 136

دعا در روز عید غدیر - 143

دعای ندبه در عید غدیر - 148

درس چهاردهم: زمان مناسب دعا (3) - 152

دعا در عید فطر و قربان - 152

عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان - 154

دو نمونه از دعاهای مأثور در روز عید - 156

درس پانزدهم: زمانهای مناسب دعا (4) - 164

دعا در ماه مبارك رمضان - 164

دعا در شب و روز نیمه شعبان - 173

دعای روز دحو الارض - 176

درس شانزدهم: زمانهای مناسب دعا (5) - 178

دعا در روز عاشورا - 178

خداوند: طالب خون حسین علیه السلام - 179

امام عصر علیه السلام: خونخواه ابی عبدالله الحسین علیه السلام - 181

مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام - 182

بهترین عمل در روز عاشورا - 185

درس هفدهم: مکانهای مناسب دعا (1) - 192

5- دعا در مکانهای مناسب - 192

دعا در مسجد الحرام - 192

دعا در سرزمین عرفات - 195

درس هجدهم: مکانهای مناسب دعا (2) - 201

دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب - 201

درس نوزدهم: مکانهای مناسب دعا (3) - 209

دعا در حرم مطهر رضوی - 209

دعا در زیر قبه سید الشهداء علیه السلام - 211

دعا در مشاهد مشرفه - 214

دعا در مساجد کوفه سهله و ... - 215

درس بیستم: دیگر دعاهاى مأثور - 218

6- دعاهاى غیر مقید به زمان یا مکان خاص - 218

ذکر صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام - 218

دعای امام رضا علیه السلام در حق حضرت صاحب الزمان علیه السلام - 219

صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی - 220

7- دعای عهد با امام زمان علیه السلام - 227

گفتگوی پایانی - 229

پرسشهای مفهومی از درسهای 7 تا 20 - 224

فهرست منابع - 235

مقدمه

پس از آگاهی از انگیزه های دعا برای امام عصر علیه السلام و توجه به ضرورت و آثار این عمل شریف، در این حلقه به بحث درباره کیفیت دعا برای آن وجود مقدس می پردازیم. برای این منظور ابتدا آدابی را که باید در دعا کردن برای ایشان رعایت شود، مطرح می کنیم و سپس به بیان اهمیت دعاهای غیر مأثور و معرفی مهم دعاهای مأثور درباره آن حضرت خواهیم پرداخت.

فصل اول: چگونگی دعا برای امام زمان علیه السلام

درس اول: یأس از خلق و اقبال قلبی

اشاره

در این فصل به بیان آدابی درباره دعا در حق امام زمان علیه السلام می پردازیم که رعایت آنها شرایط بهتری برای اجابت آن فراهم می سازد. بیشتر این آداب در دو حلقه گذشته به مناسبت موضوع به صورت کلی مطرح شده است. در این جا تأکید بیشتر بر رعایت آنها در خصوص دعا برای امام عصر علیه السلام می باشد و توضیحات خاص این موضوع مطرح می شود. ما اهم این آداب را ذیل 10 عنوان ذکر می کنیم.

یأس کامل از خلق

اولین شرطی که به عنوان يك ادب قلبی در دعا به پیشگاه الهی مطرح شد، ناامیدی از خلق خداست. (1)

مطابق حدیث قدسی، خدای

1-1. رجوع شود به درس اول از حلقه پیشین.

متعال از حضرت عیسی علیه السلام خواسته بود که وقتی دعا می کند، حال غریقی را که هیچ فریادری ندارد، داشته باشد. (1)

و به هیچ کس جز خدای متعال امید نبندد. در این صورت است که هر چه از خدا بخواهد به او عطا می فرماید. (2)

رعایت این ادب در همه دعاهاى انسان هم ممکن است و هم مطلوب، چه دعا برای انجام کار بشری باشد و چه يك کار خدایی. (3)

در کارهای بشری مقدمات اختیاری ای که بشر فراهم می کند، انتظار طبیعی برای تحقق نتیجه را به وجود می آورد، اما در کارهای خدایی با وجود مقدمه چینی های بشری نتیجه ای که به دست می آید، بسیار برتر از انتظاری است که آن مقدمات ایجاد می کند. به عنوان مثال کسی که برای قبولی در کنکور دانشگاه زحمت زیادی می کشد و پایه علمی مناسبی هم دارد، طبیعتاً هم خودش و هم دیگران انتظار دارند که رتبه اش در کنکور، رتبه بالایی باشد. برعکس، کسی که سطح علمی خوبی در طول تحصیل دبیرستان و پیش دانشگاهی نداشته و تلاش زیادی هم در جهت آماده کردن خود برای شرکت در کنکور نکرده است، به روال عادی و طبیعی، انتظار کسب رتبه بالایی در کنکور ندارد.

این دو فرد ممکن است برای قبولی و به دست آوردن رتبه خوب در کنکور دعا کنند، اما معمولاً حال متفاوتی در دعای خود دارند. اولی به دلیل شرایط خوبی که دارد، معمولاً حالت ناامیدی و یأس کامل از غیر

1-1. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 314، حدیث 11.

2-2. همان، حدیث 19.

3-3. تعریف کار بشری و کار خدایی در درس نوزدهم از حلقه نهم آمده است.

خدا را ندارد، ولی دومی چون اتکای چندانی به خودش ندارد، علی القاعده امید بیشتری به دستگیری خداوند دارد. حالت انقطاع (بریدن) از خلق به سوی خداوند در وقتی که انسان دست خود را خالی می بیند، بیشتر و بهتر برایش حاصل می شود. از همین جهت است که دومی چون حسابی برای خود و تلاشهایش باز نمی کند، کسب رتبه خوب در کنکور را يك کار خدایی می بیند و با حال انقطاع بیشتری دعا می کند، در حالی که فرد اول چون خود را چنان نیازمند دعا احساس نمی کند، حال انقطاعش معمولاً کمتر است. البته سفارش ائمه علیهم السلام این است که انسان نباید فریب فراهم بودن شرایط - به حساب ظاهری - را بخورد و این باعث می شود که بر وجود اسباب و وسائط تکیه و اتکا نماید.

هر چه معرفت انسان به قدرت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، حساب کمتری روی وجود شرایط و اسباب ظاهری باز می کند و در این صورت است که آن فرد اول هم می تواند - با داشتن معرفت صحیح - با حال انقطاع کامل به پیشگاه خداوند دعا کند.

با توجه به این مثال روشن می شود که هر چه کار خدایی تر باشد، حال یأس از خلق و انقطاع کامل به سوی خداوند بهتر و راحت تر حاصل می شود و شرایط اجابت دعا زودتر فراهم می گردد. با این ترتیب می توانیم بگوییم که چون طبق آیات و روایات، ظهور امام عصر علیه السلام و تحقق وعده های الهی در آن زمان يك کار خدایی و غیر بشری خواهد بود، دعا برای تعجیل فرج همراه با یأس از خلق و انقطاع به سوی خداوند می باشد.

اگر انسان به الهی بودن امر ظهور حضرت توجه و باور عمیق پیدا

کند، خود به خود برای آن چه به عنوان ادای تکلیف در زمان غیبت انجام می دهد - با وجود اهمیت و لزوم آن - حسابی باز نمی کند و بر آن، اتکایی نخواهد داشت. در این صورت وقتی تحقق فرج مولایش را از خداوند می طلبد، حال غریقی را دارد که هیچ فریادرسی برای خود نمی شناسد و امیدی به هیچ چیز و هیچ کس جز خداوند متعال نمی بندد.

این گونه دعا کردن برای تعجیل فرج حال خاصی در فرد ایجاد می کند که همین حال شرایط بهتری برای اجابت دعا فراهم می آورد. اکنون سؤال این است که آیا دعاهای ما برای تعجیل فرج حال خاصی در فرد ایجاد می کند که همین حال شرایط بهتری برای اجابت دعا فراهم می آورد. اکنون سؤال این است که آیا دعاهای ما برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام این گونه است؟ چند در صد شیعیان، اهل دعا برای جلو افتادن ظهور امام علیه السلام هستند و از میان آنها چند درصدشان در دعاهای خود، چنین حالی دارند؟ آیا تاکنون اتفاق افتاده است که يك دعای ما - بله فقط يك دعا - برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام هم چون دعای بیچاره و درمانده ای باشد که برای شفای بیماری سرطانی اش - وقتی از همه اسباب و راههای عادی شفا گرفتن قطع امید کرده است - خدا را می خواند؟

متأسفانه دوستداران امام زمان علیه السلام یا چنان که باید، اهل دعا برای تعجیل فرج نیستند و یا اگر هستند، نوعاً با حال انقطاع کامل به سوی خداوند دعا نمی کنند. شاید یکی از عوامل مستجاب نشدن دعاهایشان، همین عدم انقطاع باشد. به هر حال خوب است در کیفیت دعاهایمان برای حضرت تجدید نظر جدی کنیم و با عمق بخشیدن به باور خود، به استقبال حال یأس از خلق برویم و این ادب قلبی دعا کردن را بهتر در خود ایجاد نماییم تا امیدمان به اجابت دعاهایمان بیشتر گردد.

اقبال قلبی در دعا

دومین عملی که رعایت آن در بهتر شدن دعا برای امام عصر علیه السلام بسیار مؤثر می باشد، اقبال قلبی در دعاست. این امر به عنوان اولین شرط اجابت دعا مورد بحث قرار گرفت. (1)

مقصود از اقبال قلبی این است که وقتی انسان چیزی را به زبان از خداوند طلب می کند، با روح و قلب خود نیز همان را بخواهد. اگر در همه حال قلبش متوجه مطلبش نیست. لاقبل در هنگام دعا کردن خواسته دلش را به زبان بیاورد. مبادا فقط به زبان چیزی را بگوید، اما قلبش رو به سوی آن نداشته باشد.

در دعا برای امام عصر علیه السلام - به خصوص در تعجیل فرج آن حضرت - باید با رعایت این شرط توجه کافی نماییم. آیا وقتی خداوند را می خوانیم تا فرج مولا یمان را به جلو اندازد، روح و قلب ما هم این خواندن را همراهی می کند یا فقط لقلقه زبانمان است؟ معمولاً اگر تحقق چیزی برایمان اهمیت داشته باشد و دل بستگی روحی به آن داشته باشیم، اقبال قلبی مان در هنگام خواستن آن بیشتر و عمیق تر است.

هم چنین اگر نفس دعا کردن برای ما یک عمل با ارزش و اساسی تلقی شود و آن را ناچیز و کم ارزش ندانیم، در هنگام دعا اقبال قلبی بیشتری خواهیم داشت. کسی که قلباً حساب زیادی برای دعا باز نمی کند و آن را مهم و تعیین کننده اصلی نمی داند، به طور طبیعی در وقت دعا توجه و اقبال روحی کمتری خواهد داشت.

اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی:

مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای دعا کننده

حال بنگریم آیا تعجیل فرج امام زمان علیه السلام برای ما يك امر مهم و اساسی به حساب می آید یا خیر. اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ درستی بدهیم، باید آن را با امور دیگری که در زندگی برایمان اهمیت دارد، مقایسه کنیم. هر کس ببیند با توجه به شرایط خاص خود، چه چیزهایی برایش در درجه اول اهمیت قرار دارد. مثلاً- برای عموم انسانها شغلشان اهمیت خاص دارد، چون محل درآمد و وسیله امر معاششان می باشد. بنابراین اموری که به اصل شغلشان با حیثیت شغلیشان مربوط می شود، برای آنان مهم تلقی می شود. نشانه این اهمیت دادن آن است که اگر کاری باعث ضربه زدن به اصل شغل آنها شود یا ایشان را از لحاظ شغلی نزد همکاران خود بی اعتبار کند، به شدت نسبت به آن عکس العمل نشان می دهند. با این حساب طبیعی است که اگر مشکلی برای شغلشان پیدا شود، مثلاً به نحوی شغل آنها به مخاطره افتد یا حیثیت شغلی شان لکه دار شود، یا اقبال قلبی کامل دست به دعا بلند کرده، با همه روح و جانشان از خدا رفع مشکلشان را می طلبند. تقریباً محال است که کسی گرفتاری جدی شغلی - آن شغلی که اصل درآمدش به آن وابسته است - پیدا کند و وقتی برای رفع آن دعا می کند، حواسش به دعایش نباشد و قلبش زبانش را همراهی نکند.

چنین کسی در وقتی که دعا نمی کند هم قلبش مشغول گرفتاریش است، چه برسد به زمان دعا کردن که به طریق اولی دلش متوجه چیز دیگر نیست.

اکنون بیاییم مقایسه کنیم و ببینیم آیا ما دوستداران امام زمان علیه السلام گرفتاری غیبت ایشان را به اندازه گرفتاری شغلیمان مهم می دانیم؟ آیا از عدم حضور علنی آن حضرت، نص اندازه ای که کسب و کارمان به مخاطره افتد، پریشان شده ایم؟ آیا به سامان نبودن اوضاع و احوال ما در غیبت مولایمان به اندازه به هم خوردن وضعیت شغلیمان، ما را ناراحت و گرفتار کرده است؟ پاسخ ما به این پرسشها تعیین کننده طبیعی میزان اقبال قلبی ما در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام است.

اگر غیبت طولانی امام عصر علیه السلام نصف یا حتی ثلث اندازه ای که گرفتاری شغلی مان ناراحتان می کند، پریشانمان کرده باشد، طبیعتاً در دعا برای رفع غیبت آن حضرت تا حدی توجه و اقبال قلبی خواهیم داشت و اگر چنین نباشد، باید فکر دیگری به حال خود بکنیم.

فکر دیگر می تواند این باشد که از جنبه معرفتی ارتباط روحی خود را با امام زمان علیه السلام اصلاح کنیم تا آن چه برایمان مهم نیست، اهمیت باید یا آن چه کمتر مهم است، اهمیت بیشتری پیدا کند. اگر غیبت امام عصر علیه السلام برای ما نصف اندازه گرفتاری شغلیمان اهمیت ندارد، نشانگر عدم معرفت صحیح ما به آن حضرت و جایگاه رفیع امامت در اعتقاد شیعی ماست. باید به اصلاح تصحیح اعتقاد خود به امامت و امام علیه السلام پردازیم. اگر در برداشتن این قدم موفق شویم، به طور طبیعی هم اهل دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان خواهیم شد و هم اقبال قلبی ما در دعا محقق می گردد. کسی که از داشتن چنین معرفت و حال روحی محروم است، در هنگام دعا اقبال قلبی کامل نخواهد داشت و تنها کاری که از دستش بر می آید، این است که با تلقین فکری و روحی

در وقت دعا کردن تا حدی حال اقبال قلبی را در خود ایجاد نماید، یعنی با تمرکز دادن حواس خود و ایجاد شرایط مطلوب تر از جهت حال و هوای معنوی سعی کند لااقل در هنگام دعا کردن، دل و جان خود را با زبان خود همراه و هماهنگ کند. دعا با چنین حال و هوایی علاوه بر این که به اجابت نزدیکتر است، در روح و روان دعا کننده نیز اثر می گذارد و اتصال قلبی او را با مطلوب خود عمیق تر و محکمتر می سازد. تکرار این کار، این اتصال را قویتر می سازد و اگر این گونه دعا کرن به طور منظم در برنامه زندگی فرد قرار بگیرد، کم کم انس قلبی او با امام زمان علیه السلام بیشتر می شود و حال دعا برای تعجیل فرج آن حضرت در او دوام بیشتری پیدا می کند و آن چه برایش اهمیت چندانی نداشت، به تدریج مهمتر و اساسی تر خواهد شد.

دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی:

اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل فرج امام زمان علیه السلام

دومین عاملی که در تقویت اقبال قلبی دعا کننده برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام مؤثر است، اعتقاد و باور عمیق او به تأثیر خاص دعاست. هر عاملی که انسان را در رسیدن به مقصود و مطلوبش کمک کند، دل و جان او را به سوی خود متوجه می سازد. هر قدر تأثیر این عامل را در رساندن او به هدفش بیشتر بدانند، در ایجاد آن اهتمام و اقبال قلبی بیشتری هم خواهد داشت. به عنوان مثال کسی که بیماری دارد و به دنبال معالجه و درمان اوست، عوامل مختلفی را که مؤثر در درمان است، می جوید و در میان آنها هر يك را که مؤثرتر بدانند، با اهتمام و توجه بیشتری سراغ می گیرد. هر قدر اعتقادش به پزشك معالج و

تشخیص و درمان گری او عمیق تر باشد، فکر و حواسش بیشتر متوجه او می شود و با اقبال قلبی کاملتری به نسخه پزشک دل می دهد و به آن عمل می کند. حال اگر همین اعتقادی که به تأثیر درمان پزشک دارد، به دعا برای شفای بیمارش داشته باشد، همان قدر اقبال قلبی در دعاهایش برای بهبودی آن بیمار خواهد داشت. اگر اعتقاد به تأثیر دعا در شفای بیمار ضعیف شود، اقبال قلبی او در هنگام دعا کمتر و اگر این باور قوی گردد، آن اقبال قلبی هم بیشتر خواهد شد، یعنی میزان اقبال قلبی دعا کننده در دعایش بستگی به میزان باور او به تأثیر دعا در رسیدن به مقصودش دارد.

همین امر درباره دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نیز ساری و جاری است. کسی که باور چندانی به تأثیر دعا در جلو انداختن ظهور آن حضرت ندارد، به طور طبیعی، اقبال قلبی چندانی در دعاهایش برای تعجیل فرج ندارد. هر چه این باور عمیق تر شود، اقبال قلبی چندانی در دعاهایش برای تعجیل فرج ندارد. هر چه این باور عمیق تر شود، اقبال قلبی دعا کننده هم بیشتر می شود. بنابراین اگر کسی - مطابق فرمایش امام صادق علیه السلام درباره تأثیر ضجه و گریه در تعجیل فرج(1)

برای دعا نقش تعیین کننده و اصلی دژ جلو افتادن زمان ظهور امام عصر علیه السلام قائل باشد، خواه ناخواه در هنگام دعا برای تعجیل فرج، روح و روانش متوجه آن است که هرگز با قلب بی توجه و غافل (به تعبیر روایات ساه(2)

یا لاه(3)

زبان به دعا کردن نمی گشاید.

-
- 1-1. رجوع کنید به درس هفدهم از حلقه گذشته.
 - 2-2. اصول کافی، کتاب الدعاء باب الاقبال علی الدعاء، حدیث 1.
 - 3-3. همان، حدیث 2.

نتیجه کلی بحث این است که برای ایجاد و تقویت طبیعی اقبال قلبی در دعا برای تعجیل فرج باید دو عامل را تقویت کرد: اول این که وابستگی و دل‌بستگی روحی و معرفتی خود را به امام عصر علیه السلام و جلو افتادن فرج ایشان بیشتر کنیم و دوم این که اعتقاد و باور خویش را به تأثیر جدی و عمیق دعا در تعجیل فرج آن حضرت تحکیم نماییم.

البته عوامل دیگری هم می‌تواند در تقویت این اقبال قلبی مؤثر باشد، ولی به نظر می‌رسد که این دو عامل نقش اساسی تری در بین بقیه عوامل دارند.

درس دوم: رقت قلب و تحصیل تقوا

اشاره

در درس گذشته در مورد دو ادب از آداب دعا کردن برای امام عصر علیه السلام سخن گفتیم. در ادامه به آداب دیگر می پردازیم.

رقت قلب

عامل مهم دیگری که در اجابت دعا بسیار مؤثر است، رقت قلب دعا کننده در هنگام دعاست. در گذشته با میزان تأثیر این امر در اجابت دعا تا حدی آشنا شدیم. [\(1\)](#)

و دانستیم که طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای این که زودتر خواسته ما مستجاب شود، باید در هنگام رقت قلب به پیشگاه الهی دعا کنیم و به تعبیر ایشان دعا را در آن وقت مغتنم بشماریم. [\(2\)](#)

خود ائمه علیهم السلام به این حقیقت تذکر داده اند که قلب انسان همیشه در يك حال نیست، گاهی حال رقت دارد و گاهی قساوت، گاهی نرم است و گاهی سخت. البته افراد از این جهت یکسان

1-1. درس شانزدهم از حلقه دوازدهم.

2-2. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 313، حدیث 17.

نیستند، برخی رقت قلبشان بیشتر است و برخی قلب سخت تری دارند.

دسته اول هم به لحاظ زمانی، رقت قلبشان طولانی تر است و هم از جهت عمق و شدت این رقت، بالاتر از دسته دوم قرار می گیرند. اما حتی کسانی که عموماً و در بیشتر اوقات رقت قلب ندارند، بالاخره حالاتی برایشان پیش می آید که به اصطلاح دلشان می شکنند و از آن سختی و صعوبت قبلی خارج می شود. پس اینها هم رقت قلب را تجربه می کنند و بنابراین هر کس در زمانهایی دارای رقت قلب می باشد که اگر قدر آن را بدانند، می تواند در همان حال برای تعجیل فرج مولای غریبش دعا کند.

مواقع پیدایش رقت قلب در انسان

ما می توانیم انسانها را از جهت رقت قلب برای امام زمان علیه السلام و دعا برای تعجیل فرج ایشان به درجات مختلفی رده بندی کنیم. برخی چنان اتصال روحی و قلبی قوی با امامشان دارند که صرف یاد کردن از گرفتاری غیبت آن حضرت، دلشان را به درد می آورد آن را نرم و رقیق می سازد. اینها مشکل چندانی برای این که با حال رقت قلب برای تعجیل فرج مولایشان دعا کنند، ندارند. اما تعداد این گونه افراد نسبت به سایرین کم و ناچیز است. بیشتر مردم به صرف توجه کردن به ناراحتی های مولایشان در زمان غیبت، حال رقت قلب پیدا نمی کنند.

اما همین گروه در زندگی عادی خود، تعلقات خاطری دارند که به خاطر آنها قلبشان رقت خاصی پیدا می کند. به عنوان مثال نوع مردم در مصیبتهای شخصی خود دلشکسته و منقلب می شوند. وقتی کسی عزیز خود را - پدر، مادر، فرزند یا ... از دست می دهد، یاد و خاطره او حالت رقت قلب را برایش ایجاد می نماید. هم چنین گاهی دردها و

رنجهایی که در زندگی برای انسان پیش می آید، دلش را به درد می آورد و حتی ممکن است اشکش را در آورد. مسائل مادی و معیشتی هم می تواند در برخی افراد چنین اثری بگذارد. اینها چیزهایی است که برای انسانهای عادی - هر چند که به لحاظ ایمان و معرفت چندان مرتبه بالایی نداشته باشند، پیش می آید.

علاوه بر اینها، اهل ایمان به خاطر تعلق خاطری که به اهل بیت علیهم السلام به خصوص حضرت سید الشهداء علیه السلام دارند، در مناسبتهای خاصی که در طول سال وجود دارد - به ویژه ایام محرم و دهه عاشورا یا شبها احیا در ماه مبارک رمضان - در مصائب خاندان عصمت و طهارت رقت قلب خاصی پیدا می کنند.

از بزرگترین نعمتهای خداوند بر ما شیعیان این است که هر چند در طول سال از یاد اهل بیت علیهم السلام غافل باشیم، اما در ایام مصیبت یا اعیادی مانند عید غدیر و نیمه شعبان معمولاً در مجالس عزاداری یا جشن شرکت می کنیم و به این وسیله ارتباط روحی خاصی - هر چند گذرا و سطحی - با موالی خود پیدا می کنیم. نوعاً در مراسم عزاداری - به خصوص در مصیبت امام حسین علیه السلام و سایر شهدای کربلا - بر احوال خاندان وحی رقت قلب پیدا می کنیم و بسیاری مواقع با گریه کرن دلهای گناهکار خود را جلا و صفا می دهیم. به لطف خدای منان عنایت امام عصر علیه السلام کسانی هم که اهل برخی گناهان هستند، ارتباط روحی خود را با اهل بیت علیهم السلام به طور کامل قطع نمی کنند و حداقل در روزهای تاسوعا و عاشورا و شبهای احیا و امثال آن در مجالس عزا یا جشن شرکت می کنند. این خود باعث می شود که پیوند با ائمه علیهم السلام که با انجام گناهان سست شده است - برای فرد فاسق بار دیگر برقرار شود.

استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج

با این ترتیب ملا-حظه می کنیم که حال رقت قلب در عموم مردم در مسائل روزمره زندگیشان وجود دارد و در اهل ایمان هم این حال نسبت به خود ائمه علیهم السلام به صورت پراکنده و در مناسبت‌های خاص به چشم می خورد. حال می توانیم بفهمیم که از وجود این حال چگونه در امر دعا برای تعجیل فرج، حسن استفاده را ببریم. اگر کسی دعا در حق امام زمان علیه السلام و به خصوص برای تعجیل فرج ایشان را يك کار مهم و اساسی بداند، می تواند از رقت قلبی که در امور دیگر خود دارد، در دعاهایش بهره مند شود.

مثلاً کسی که پدرش فوت شده یا مصیبتی قلبش را به درد آورده، اگر غافل نباشد، می تواند در همان حالی که به خاطر مسائل شخصی اش رقت قلب پیدا کرده، از آن حال و هوا در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام استفاده کافی را ببرد. در واقع دل شکستگی اش را خرج امامش کند و ایشان را در دعا بر خود مقدم بدارد. هم چنین کسانی که در عزای اهل بیت علیهم السلام - به ویژه مصائب سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و یاران و خانواده آن بزرگوار - رقت قلبی پیدا می کنند، اگر قدر حال خود را بدانند، از آن برای دعا بر تعجیل فرج امام غریب و مظلومشان بهره می برند، یعنی در همان وقتی که دل‌هایشان در غم اهل بیت علیهم السلام شکسته و احیاناً اشک‌هایشان هم جاری شده، برای فرج مولایشان دعا می کنند و این بیشتر فایده ای است که از رقت قلبشان نصیب ایشان می گردد.

چه خوب است که شیعیان از این نکته غافل نباشند و از حال و هوای

معنوی خود در مسیر جلو انداختن ظهور امام عصر علیه السلام استفاده کنند.

برای تأمین این هدف باید در مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام به این حقیقت توجه داده شود که حیف است گریه ها و دل شکستگی های افراد مقدمه دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام قرار نگیرد. بنابراین اگر عموم افراد از این امر غافل هستند، باید کسانی که توجه دارند، تذکر لازم را در این خصوص بدهند تا عزاداران در همان لحظاتی که رقت قلب دارند، برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا کنند. اگر مجالسی که برای عزاداری در مصیبت اهل بیت علیهم السلام به خصوص سید الشهداء علیه السلام برگزار می شود، به دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام منتهی گردد، قطعاً بیشترین بهره معنوی از آن مجالس نصیب عزاداران و سایرین خواهد شد.

یکی از مهمترین برکات این عمل شریف، جلب دعا‌های امام زمان علیه السلام در حق دعا کنندگان می باشد. در کتاب شریف «مکیال المکارم» یکی از آثار دعا در حق امام زمان علیه السلام دعای آن حضرت در حق دعا کننده شمرده شده و ادله ای برای اثبات این مطلب مطرح گردیده است. سپس مؤلف بزرگوار رؤیای صادقانه یکی از برادران صالح خود را به عنوان مؤید نقل فرموده که از وجود مقدس امام عصر علیه السلام در خواب شنیده است که فرموده اند:

انی ادعو لكل مؤمن يدعولي بعد ذكر مصائب سيد الشهداء في مجالس العزاء. (1)

البته من دعا می کنم برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سیدالشهداء علیه السلام در مجالس عزاداری برای من دعا نماید.

از این رو دعای مؤمنان در مجالس روضه سید الشهداء علیه السلام می تواند منشأ خیر و برکت فراوانی برای خود دعا کنندگان باشد.

نکته دیگری که به خاطر اهمیت رقت قلب در هنگام دعا می توان گفت، این است که: گاهی انسان از متن دعایی که می خواند، دلش می شکنند و با سوز دل دعا می کند، که اگر چنین حالی پیدا شود، بسیار خوب است. اما در بسیاری مواقع برای بسیاری از افراد چنین حالی حاصل نمی گردد. در این صورت یکی از بهترین اسباب برای ایجاد رقت قلب یاد کردن از مصائب اهل بیت علیهم السلام است که هم خودش یک عبادت بزرگ می باشد و هم زمینه ساز اجابت دعای انسان می گردد. ما این مطلب را در گذشته به مناسبت بحث درباره «بکاء» و «تباکی» که از آداب دعا به شمار می آیند، با ذکر ادله اش مطرح ساختیم. (1)

نتیجه این که از راههای مجاز می توانیم رقت قلب لازم برای اجابت بهتر دعا را در خود و دیگر دعا کنندگان ایجاد نماییم و نباید خود را از این امکان بی نصیب کنیم.

تحصیل تقوا و تهذیب نفس

مطابق تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام یکی از شرایط لازم برای اجابت دعا، تقوای دعا کننده و پاک بودن نفس او از آلودگی گناهان است.

مطابق حدیثی که در گذشته از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کردیم، علت

اجابت نشدن بسیاری از دعاها، خیانت قلبی دعا کننده از هشت جهت می باشد. (1)

یکی از این جهات، نداشتن خوف واقعی از آتش غضب الهی است. خوف واقعی به فرموده امام سجاد علیه السلام به صرف گریستن از ترس عقوبت خدا، حاصل نمی شود، بلکه تنها شرطش داشتن ورع لازم برای باز داشتن انسان از گناهان است. (2)

نبودن چنین خوفی در انسان خیانت قلب شمرده شده، مانع اجابت دعای انسان می گردد. هم چنین است بد زبان بودن (بذاء) که مصداق دیگری از ناپاکی قلب انسان می باشد. این هم یکی از موانع اجابت دعا شمرده شده است. (3)

علاوه بر اینها اگر انسان عیوب دیگران را ببیند، ولی از عیبهای خودش غافل باشد یا دیگران را به خاطر چیزهایی ملامت کند که خودش به ملامت به خاطر آنها سزاوارتر است، این خصوصیات هم می تواند مانع اجابت دعا گردد. (4)

این تأکیدات نشان می دهد که ما باید در کنار اهمیت دادن به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام رعایت تقوا و ورع را نیز مهم تلقی کنیم و اگر می خواهیم دعاهایمان در حق مولایمان مستجاب گردد، به صرف این که با رقت قلب و حال و هوای معنوی برای ایشان دعا کنیم، راضی نشویم. متأسفانه گاهی مشاهده می کنیم کسانی را که با وجود اصرار و تأکیدی که بر دعای برای حضرت - هم خودشان و هم برای دیگران -

1-1. درس چهاردهم از حلقه دوازدهم.

2-2. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 335، حدیث 25، به نقل از عدة الداعی.

3-3. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 377، حدیث 18، به نقل از فلاح السائل.

4-4. همان، صفحه 376، حدیث 17، به نقل از دعائم الدین.

دارند، نشانه ای از تقوا و ورع در آنان نیست. برخی از روی نادانی چنین می پندارند که ارتباطی بین اجابت دعایشان با سلامت و پاکی قلبشان وجود ندارد و اصلاً ممکن نمی دانند که به خاطر ارتکاب برخی گناهان، دعاهایشان در حق مولایشان بی فایده باشد. گاهی نه تنها دعا کننده اهل ورع و پرهیز از گناهان نیست، بلکه حتی در هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام و در ضمن آن هم مرتکب معصیت می شود! واقعاً شگفت آور است. آیا دعا برای تعجیل فرج همراه با موسیقی غنایی یا اختلاط نامحرمان با یکدیگر، مقبول و مستجاب است؟! چنین کسانی بدون آن که بفهمند و بخواهند، با این کارها در واقع خود را و دعا برای امام عصر علیه السلام را به مسخره و استهزاء گرفته اند، العیاذ بالله!

دعا به پیشگاه خداوند يك عبادت بسیار ارزشمند و گرانقدر است و باید مراقب بود که این عمل شریف با معصیتی آلوده نشود و خدای ناکرده، به ابتدال کشیده نشود. اگر چنین مراقبتی صورت نگیرد، روح دعا از بین می رود و آن چه می ماند، چیزی جز يك تابلوی ساختگی و مصنوعی از آن نیست.

پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حق امام زمان علیه السلام

دعا کننده برای امام زمان علیه السلام باید بداند که پرهیز نکردن از گناهان حتی يك گناهی که آن را كوچك می شمارد - می تواند او را از فیض دعاهایش محروم نماید. بنابراین اگر واقعاً امام خود را دوست دارد، بکوشد به خاطر ایشان هم که شده، از گناهانش توبه کند و همان طور که خود ائمه علیهم السلام سفارش فرموده اند، پیش از عرض حاجت خود به تك تك گناهانش اعتراف نماید و تصمیم قطعی بگیرد که دیگر به سوی

آنها باز نگردد. (1)

ممکن است کسی را دوست داشته باشیم که گرفتار بلاها و مصیبت‌هایی باشد، هم چنین بدانیم که دعایمان در رفع گرفتاریهای او مؤثر و مفید است، خودش هم از ما خواسته باشد که برایش دعا کنیم، با این همه دعا کنیم ولی اثر نبینیم. سپس متوجه شویم که مانع استجاب دعا چیزی است که خودمان ایجادش کرده ایم و با تصمیم و اختیار خودمان قابل رفع است. اگر واقعاً آن شخص را دوست داشته باشیم و بخواهیم رفع ناراحتی و گرفتاری از او بشود، آن مانع را رفع نمی کنیم؟

آیا اگر نسبت به این امر بی خیال باشیم و در صدد مانع بر نیاییم، باز هم می توانیم ادعای دوست داشتن او را بکنیم؟ در این صورت اگر در این ادعا دروغ نگوئیم، حداقل این است که درجه محبت ما به او بسیار ضعیف و ناچیز است. محال است کسی را زیاد دوست داشته باشیم و او را گرفتار ببینیم و بتوانیم با اقدام خود در جهت رفع گرفتاری اش کاری بکنیم، اما ساکت بنشینیم.

اگر فرد راستگویی به ما بگوید که می خواهم پولی یا شغلی به شما بدهم به شرط آن که فلان عیب را در خود اصلاح کنی یا فلان کار زشت را دیگر انجام ندهی، آیا برای رسیدن به آن پول یا شغل پر درآمد، خواسته او را برآورده نمی کنیم؟ آیا قربه الی المال به تهذیب نفس خود نمی پردازیم؟ واقعاً عجیب است. چگونه حاضریم برای بهتر شدن دنیای خود، اهل ورع و تقوا شوم، اما وقتی نوبت به خدا و امام زمان علیه السلام می رسد، همت چندانی نمی کنم و اهمیت زیادی به رفع موانع برای

رسیدن به خواسته های معنوی خودم نمی دهم!

اکنون از خود پرسیم: تاکنون به خاطر این که دعایم در حق امام زمانم مستجاب شود، از چند گناه دوری کرده ام؟ آیا تاکنون اتفاق افتاده است که از ترس اجابت نشدن دعایم برای تعجیل فرج، از نگاه به نامحرم چشم بپوشم؟ یا از شنیدن موسیقی حرام بگذرم؟ یا از خوردن مال حرام اجتناب کنم؟ و یا ...

شیطان قطعاً از دعا برای تعجیل فرج ناخرسند است و همه تلاش خود را به کار می بندد که کسی سراغ این عبادت ارزشمند نرود و تا جایی که می تواند، کاری می کند که اهل دعا برای تعجیل فرج کمتر شوند. اما اگر کسی از این دام شیطان بگریزد و دعا برای حضرت جزء برنامه زندگی اش قرار بگیرد، آن گاه شیطان از در دیگری وارد می شود تا دعاهایش را بی ثمر کند و آن این است که گناهایش را نزد او کوچک و ناچیز جلوه می دهد. وقتی انسان گناهایش را بزرگ نشمارد و از ارتکاب آن به حال خوف نیفتد، طبیعتاً از آنها احساس پشیمانی و سرافکنندگی شدید هم نمی کند و تصمیم به ترك آنها هم نمی گیرد. آن وقت چه بسا فکر کند که به سبب دعا برای امام عصر علیه السلام نزد خدا و ایشان محترم و عزیز است و حتی در دل به خاطر دعاهایش منتی هم سر آنها بگذارد، اما نمی داند که همین بی تفاوت بودن نسبت به گناهان ممکن است مانع استجابت دعایش گردد و مقبول درگاه الهی قرار نگیرد.

پس بیاییم به خاطر آن که دعاهایمان در حق مولایمان به اجابت نزدیک شود، به همان اندازه که به دعا کردن اهمیت می دهیم و به آن عمل می کنیم، به تهذیب نفس خویش از آلودگی گناهان نیز اهمیت

دهیم و در کنار اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج، بر توبه از گناهان خود نیز اصرار بورزیم و به انجام هیچ معصیتی راضی نشویم.

عیبهای خود را بزرگ و درشت ببینیم و دیگران را به خاطر اموری که خودمان به آنها مبتلا هستیم، سرزنش نکنیم و اعتراف به تك تك گناهان و اقرار به آنها را مقدمه دعا برای تعجیل فرج مولایمان قرار دهیم تا امیدمان به تأثیر دعاهایمان بیشتر گردد.

ذکر خاطره ای که مرحوم صاحب مکیال المکارم در کتاب شریف خود آورده، در همین خصوص شنیدنی است. ایشان از برادر ایمانی خود جناب آقا میرزا محمد باقر فقیه اصفهانی رحمه الله نقل کرده اند که ایشان در خواب (یا بین خواب و بیداری) به محضر امام حسن مجتبی علیه السلام مشرف شده است، سپس فرمایش آن حضرت را چنین نقل به معنا می کند:

بالای منبر به مردم بگویید و ایشان را امر کنید تا (ابتدا) توبه کنند و (سپس) برای فرج حضرت حجت علیه السلام و تعجیل در ظهور ایشان دعا کنند. این دعا مانند نماز میت واجب کفایی نیست که با انجام دادن بعضی مردم از دیگران ساقط شود، بلکه هم چون نمازهای یومیه است که انجام آن بر فرد فرد مکلفین واجب است. (1)

ملاحظه می شود که در فرمایش منقول از حضرت مجتبی علیه السلام ابتدا امر به توبه و سپس دستور به دعا برای تعجیل فرج ذکر شده است.

بنابراین یکی از شرایط مؤثر در اجابت این دعای شریف، توبه از

گناهان است. نکته دیگر در فرمایش امام علیه السلام واجب عینی دانستن دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام است که نشانگر اهمیت خاص این عبادت بزرگ می باشد.

درس سوم: توجه به حق الناس و تحصیل معرفت

اشاره

در این درس نیز موارد دیگری از آداب و شرایط دعا برای امام زمان علیه السلام را بررسی می کنیم.

بر عهده نداشتن حق الناس

طبق آموزه های ائمه اطهار علیهم السلام یکی از شرایط لازم برای اجابت دعا، این است که حقی از مردم بر عهده دعا کننده نباشد. بودن حق الناس بر گردن انسان به دو گونه متصور است: یا امرار معاش انسان از راه حلال نباشد که در این صورت لقمه ای که می خورد، حلال نیست و یا این که دین و بدهی نسبت به دیگری داشته باشد که در احادیث از آن به «مظلمه» تعبیر شده است. (1)

در هر دو صورت حقی از دیگران بر عهده فرد می باشد و همین، مانع استجاب دعا می گردد.

کسی که برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام دعا می کند و این کار را نه

1-1. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 321، به نقل از فلاح السائل.

صرفاً از سر عادت و بی انگیزه، بلکه با عنایت خاص و به نیت عرض ارادت به ساحت مقدس مولایش انجام می دهد، قطعاً نسبت به مسئله حق الناس بی تفاوت نمی باشد. او به امید اجابت برای امامش دعا می کند و وقتی بداند که بر عهده داشتن حق الناس مانع به نتیجه رسیدن دعاست، سعی می کند به هر شکلی که شده، آن مانع را برطرف نماید. به این ترتیب می توان گفت اهل دعا برای امام زمان علیه السلام بودن با سهل انگاری در حساب و کتاب مالی قابل جمع نیست. آگاهی از احکام شرعی خمس و اجرای دقیق آن، لازمه دقت داشتن در کسب روزی حلال است. هم چنین احتراز از راههای درآمدی که پاك و بی غل و غش نیستند، برای دوستدار امام عصر علیه السلام که به دعا برای ایشان اهمیت می دهد، جزء ضروریات می باشد.

متأسفانه در صد زیادی از شیعیان را می بینیم که دقت چندانی در چگونگی به دست آوردن مال ندارند. اگر بخواهیم مطلب روشن شود، باید مقایسه ای به عمل آوریم بین دقتی که نوع مردم نسبت به رعایت بهداشت در خورد و خوراکشان دارند و آن چه در مورد حلال و حرام آن انجام می دهند. ملاحظه می کنیم که افراد عاقل و فهمیده در مورد غذایی که خود و خانواده شان استفاده می کنند، کمال دقت را نسبت به رعایت امور بهداشتی آن دارند. به تاریخ مصرف آن توجه می کنند و از خرید موادی که به سلامت و بهداشتی بودن آن اطمینان ندارند، خودداری می نمایند. اگر احتمال دهند که برخی محصولات غذایی، آلوده به میکروبی مثل وبا هستند، از خیر تهیه آن می گذرند و اصلاً سراغش نمی روند. این دقتها برای مصون ماندن غذای انسان از

آلودگی ها، بسیار بجا و لازم است.

اما چند درصد از همین مردمی که با چنین دقتی مسائل بهداشتی را زیر ذره بین می گیرند، نص این دقت را در رعایت حلال و حرام غذاهایشان به خرج می دهند؟ آیا مراقب هستند که با پول حرام غذایی برای خود و خانواده نخرند؟ آیا از مواردی که احتمال راه پیدا کردن حرام در اموالشان هست، پرهیز می کنند؟ آیا اجتناب از مشتبهات را برای اطمینان از سالم ماندن از آلودگی مال حرام قبول دارند و به آن پایبند هستند؟

متأسفانه پاسخ این پرسشها نوعاً منفی است و ما آن دقت نظری که در رعایت مسائل بهداشتی نسبت به غذا و مانند آن می بینیم، در مورد کسب روزی حلال مشاهده نمی کنیم. بسیاری از معاملاتی که بین مردم صورت می گیرد، به خاطر ناآگاهی از مسائل شرعی، آلوده به ربا دادن و ربا گرفتن است، اما چون به این امر اهمیت چندانی داده نمی شود، کمتر کسی درصدد یاد گرفتن احکام دقیق ربا در معاملات بر می آید. این در حالی است که اگر احتمال ابتلا به ربا در موردی داده شود، همه کسانی که در معرض این ابتلا هستند، به سراغ آموزش دیدن در مورد ربا و عوارض آن می روند. هم چنین دغدغه ای که نسبت به رعایت حق الناس در بسیاری از دوستان ائمه علیهم السلام وجود دارد، بسیار کمتر از آن حدی است که باید باشد. کسی که تعجیل در فرج مولایش را از خدا طلب می کند، می داند که ظهور آن حضرت برای پیاده شدن احکام دقیق اسلام و دین خداست و لزوم رعایت حق مردم در دین اسلام جایگاه ویژه و مهمی دارد. پس طالب ظهور امام علیه السلام نمی تواند زیر بار مظالم بندگان

خدا بماند از هر طریق ممکن می کوشد تا آنها را از دوش خود بردارد.

این است که نه تنها از پرداخت حق و حقوقی که به گردش می باشد، فرار نمی کند، بلکه به سوی آن می رود تا خود را از گرفتاری خلاص نماید. بنابراین اگر به عنوان مثال اشتباهاً پولی به حسابش ریخته شده یا ساعت اضافه کاری برایش در نظر گرفته اند، با این که اگر اعلام نکند کسی متوجه نمی شود، اما نم تواند خود را به خوردن چنین اموالی راضی کند. لذاست که برخلاف انتظار دیگران از گرفتن آن خودداری کرده، اشتباه انجام شده را اصلاح می کند. با کمال تأسف مشاهده می شود که اگر کسی چنین رفتاری داشته باشد، بسیاری از همکارانش با اظهار تعجب از رفتار او ملامتش می کنند و عمل شایسته او را بر نمی تابند. آیا این برخورد صحیح است؟ آیا کسی که عمل به وظیفه شرعی اش می کند، کار صحیحی انجام نداده و دیگران نباید به او تاسی کنند؟ چرا در بسیاری از محیطهای کاری حتی فرهنگی، به دست آوردن نفع مادی بر حفظ ارزشهای معنوی عملاً ترجیح دارد؟ و چرا نیت و انگیزه الهی و عمل به وظیفه شرعی تعیین کننده اصلی در کارهای شغلی اهل ایمان نیست؟! اگر همه مؤمنان چنین نیستند، کسانی که دعا در حق امام عصر علیه السلام را وظیفه و عبادت خود می شمارند، قطعاً باید این گونه باشند. نتیجه مجموع بحث این است که نمی توان اهل دعا برای امام زمان علیه السلام بود و در عین حال نسبت به نحوه امرار معاش و رعایت حق الناس بی تفاوت و اهل مسامحه بود. اگر امامان و تعجیل در فرج ایشان محبوبمان است بیاییم با دقت هر چه بیشتری به رعایت حقوق دیگران در زندگی اهمیت دهیم.

معرفت به امام عصر علیه السلام و شکر نعمت وجودی ایشان

یکی از آدایی که در دعا کردن وارد شده، شکر نعمت الهی است.

ما اهمیت این مطلب را با استناد به احادیث ائمه علیهم السلام در حلقه گذشته بیان کردیم. (1)

هم چنین دانستیم که یکی از موانع اجابت دعا ناشکری کردن نسبت به نعمتهای الهی است. (2)

حال بنگریم آیا در این امر کوتاهی نمی کنیم. می دانیم که بزرگترین و مهمترین نعمت الهی وجود مقدس امام عصر علیه السلام است. آیا چنان که شایسته این نعمت عظمی است، معرفت به ایشان داریم؟ ما شیعیان چه اندازه از صفات و کمالات خدادادی ایشان آگاهیم و به آن معتقدیم؟ آیا در مراکز علمی و فرهنگی دینی، حق معرفت ایشان در تعلیم و تعلم ادا می شود؟

در بحث نحوه شکرگزاری در برابر نعمتهای الهی، سه رتبه از شکر مطرح می شود. قلبی، زبانی و عملی. همه این مراتب نسبت به وجود نازنین حضرت بقیه الله ارواحنا فداه باید تحقق یابد. اما حقیقتاً چند در صد از شیعیان آن حضرت چگونگی همین مراتب شکرگزاری را می دانند؟ متأسفانه بسیاری از ما در این زمینه محتاج تذکر و تنبه هستیم. وقتی هم متذکر می شویم، در عمل چنان اهتمام و جدیتی که شایسته حق امام علیه السلام باشد، از خود نشان نمی دهیم. این در حالی است که نسبت به شکر نعمت سلامت و امنیت شخصی خود بیش از این مقدار همت می کنیم. شاهدش این است که اگر سلامت با امنیت

1-1. درس اول از حلقه سیزدهم.

2-2. درس چهاردهم از حلقه دوازدهم.

شخصی ما در زندگی به خطر افتد، بسیار نگران می شویم و اگر بدانیم که شکر این دو نعمت بزرگ الهی به حفظ و بقای آنها می انجامد سعی می کنیم که راههای شکرگزاری نسبت به آنها را بیاموزیم و در عمل به آن اهتمام ورزیم. اما آیا آن اندازه که به شکر نعمت سلامت خود اهمیت می دهیم، به نحوه سپاسگزاری وجود امامان می اندیشیم؟

آیا تاکنون این حقیقت را وجدان کرده ایم که امام شناس بودن ما نعمتی بالاتر از سلامت بدن ماست؟ آیا - در مقام فرض - حاضریم ارادتمان را به امام زمانمان از دست ندهیم؟ واقعاً چند در صد از دعا کنندگان برای امام زمان علیه السلام چنین معرفتی به ایشان دارند؟ نشانه برتر دانستن يك نعمت از نعمت دیگر این است که در هنگام تضاد بین آنها، اولی را بر دومی ترجیح دهیم. با همین معیار می توانیم تشخیص دهیم که نعمت شناخت امام عصر علیه السلام نزد ما بر نعمتهای دیگر ترجیح دارد یا خیر. در مقام سنجش این امر، با کمال شرمندگی خواهیم دید که برخی از دوستداران حضرت - همانها که در جشنهای میلاد ایشان شادی می کنند و شیرینی پخش می کنند - در عمل نعمتهای مادی و شخصی خود را در زندگی بر نعمت معرفت به امامشان ترجیح می دهند. علت این خطا چیزی نیست جز عدم شناخت صحیح و کافی از بزرگترین نعمت خداوند که وجود مقدس امام عصر ارواحنا فداه می باشد. طبیعی است که این عدم معرفت - که نتیجه اش ادا نکردن حق شکر قلبی است - بر مراتب بعدی شکرگزاری یعنی شکر زبانی

و عملی هم لطمه جدی می زند، چون روح این دورتبه، همان شکر قلبی کردن است. (1)

با این توضیحات آیا لازم نیست در کنار اهتمام به دعا برای امام زمان علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان، انواع مراتب شکرگزاری نسبت به آن حضرت را بیشتر بشناسیم و به آنها پایبند گردیم؟ کوتاهی در این امر هم مانع اجابت دعاهایمان می گردد و هم انگیزه و همت ما را در امر دعا سست می نماید.

1-1. درباره مراتب مختلف شکرگزاری می توانید به حلقه پنجم مراجعه فرمایید.

درس چهارم: اصرار در دعا

اشاره

در دروس گذشته شش مورد از آداب دعا برای آخرین حجت خدا ارواحنا فداه را مطرح کردیم. در این درس مورد دیگری را بیان می کنیم.

الحاح و اصرار و دوری از سستی

چنان که گذشت، یکی از آداب مؤثر دعا در اجابت، الحاح و اصرار در انجام آن می باشد. (1)

به یاد بیاوریم که امام باقر علیه السلام قسم یاد کرده اند که هرگاه بندهت مؤمنی با اصرار چیزی را از خداوند طلب کند، حاجتش برآورده می گردد. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز تأکید فرموده اند که با جد و جهد دعا کنید و از دعا کردن خسته و ملول نشوید، چرا که تا شما خسته نشوید، خداوند خسته نمی شود. (3)

1-1. درس چهارم از حلقه گذشته.

2-2. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالحاح...، حدیث 3.

3-3. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 364، حدیث 8، به نقل از امالی طوسی.

این سفارشها نشان می دهد که خداوند می خواهد بندگان را بر در خانه او اصرار بورزند و از گدایی خسته نشوند. ممکن است چیزی را از خدا بخواهیم و خواسته ما برآورده نشود، اما چه بسا اگر در مورد آن اصرار کنیم، حاجتمان داده شود. البته همان طور که اصل دعا کرن حال و انگیزه می خواهد، اصرار و الحاح در آن هم معمولاً برخاسته از حال و انگیزه درونی دعا کننده است.

عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا

انسان در خواستن چیزی که برایش بسیار مهم باشد، اصرار می ورزد و برای امور بی ارزش انگیزه اصرار ندارد. مثلاً کسی که برای رسیدن به يك نعمت مادی هم چون خانه یا قبولی در کنکور دانشگاه دعا می کند و در دعایش اصرار می ورزد، آن امور را با ارزش و مهم تلقی می کند. اگر برای آنها اهمیت قائل نبود، یا دعا نمی کرد یا در صورت دعا، بر آن اصرار نمی ورزید. اگر رسیدن به چیزی برای انسان مهم شد، بدون نیاز به توصیه و سفارش، خود به خود بر آن اصرار خواهد ورزید.

نکته دیگری که در تحقق اصرار مؤثر است، اعتقاد دعا کننده به تأثیر اصرار در تحقق خواسته اش می باشد. در مورد دعا برای امام عصر علیه السلام و به خصوص تعجیل فرج ایشان باید به عملی شدن این دو عامل توجه کافی نماییم: یکی این که ظهور امام عصر علیه السلام برای ما مهم و با ارزش باشد و دیگر آن که اصرار در دعا را برای تعجیل در آن مؤثر بدانیم.

تحقق عامل اول بستگی به میزان معرفت ما به مقام رفیع آن حضرت نزد خداوند دارد و این که ظهور ایشان مطلوب و محبوب همه

انبیاء و اولیای الهی بوده است. باید به این باور برسیم که عملی شدن آمال و اهداف همه مکاتب آسمانی و پیامبران بزرگ از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله فقط و فقط با فرج امام عصر علیه السلام محقق می گردد و تا چنین روزی نرسد، آرزوی هیچ يك از آن برگزیدگان خداوند برآورده نمی گردد. هر چند در این زمینه به مطالعه آیات و روایات و کتابهای مفیدی که با استناد به ادله نقلی معتبر، این موضوع را مطرح کرده اند، پردازیم، جایگاه بلند ظهور امام زمان علیه السلام را در فرهنگ دین بیشتر باور خواهیم نمود.

برای تحقق عامل دوم نیز باید آیات و احادیث مربوط به تأثیر اصرار در دعا را در اجابت زودتر آن، مطالعه نماییم تا این اعتقاد عمق بیشتری در وجود ما پیدا کند. در این صورت اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام خواهیم شد.

نمودهای مختلف اصرار در دعا

این اصرار دو جنبه می تواند داشته باشد: یکی تعمیم دعا در مکانها و زمانها و شرایط مختلف است. وقتی کسی بر خواستن چیزی اصرار داشته باشد، وقت و بی وقت آن را طلب می کند و به هر مناسبتی خواسته اش را پیش می کشد و خلاصه دنبال بهانه می گردد تا از آن سخن بگوید و تکرارش نماید. این جنبه اصرار، به کمیت و تعداد دعاها مربوط می شود. ساده ترین مثالی که می توانیم برای این نوع اصرار در دعا برای تعجیل فرج ذکر کنیم، دعای صلوات به پیامبر صلی الله علیه و آل او علیهم السلام همراه با درخواست تعجیل فرج برای ایشان است.

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

هم چنین می توانیم کامل تر دعا کنیم و بگوییم:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم بقائهم.

و کامل تر این که در انتهای آن دعای:

و العن اعدائهم.

را بیفزاییم. این دعا با وجود سادگی، بسیار دعای مؤثر و با فضیلتی است که در طول شبانه روز بدون مزاحمت با بسیاری از مشغله ها انجام شدنی است.

جنبه دوم اصرار، به کیفیت دعا کردن انسان بر می گردد. کسی که بر داشتن چیزی اصرار دارد، نوع درخواستش با کسی که اصرار ندارد، فرق می کند. پافشاری و تأکید او به نحوی است که جز با تحقق مطلوبش از طلب آن دست بردار نیست و به هیچ قیمتی حاضر نیست در خانه خدا را رها کند، مگر آن که خواسته اش برآورده شود، این گونه لجبازی و يك دندگی هر چند که در برابر بندگان خدا، صفت خوبی به شمار نمی آید. اما به تصریح امامه صادق علیه السلام در پیشگاه الهی ویژگی مثبتی محسوب می شود. [\(1\)](#)

و طبق وعده امیر مؤمنان علیه السلام هر که در کوبیدن بابی لجاجت به خرج دهد، بالاخره آن باب به رویش گشوده خواهد شد. [\(2\)](#)

البته همان طور که در حلقه گذشته بیان شد، [\(3\)](#)

خواسته های مادی و دنیوی را صرف نظر از ابعاد معنوی و اخروی آن نمی توان و نباید با چنین

1-1. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالاحاح...، حدیث 4.

2-2. من استدام قرع الباب و لج و لج غرر الحکم و درر الکلم، حدیث 3758.

3-3. درس نهم از حلقه سیزدهم.

اصراری از خدا طلب کرد، چون ممکن است خیر دعا کننده در تحقق آن نباشد. اما در اموری که خیر بودنشان قطعی و مسلم است، هر گونه اصرار و الحاح ورزیدن مطلوب و پسندیده می باشد. تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام امری است که محبوب خدا و اولیای اوست و ما یقین داریم که خواستن آن قطعاً مورد رضای پروردگار می باشد. البته باید توجه داشته باشیم که اصرار کردن در مورد آن نباید همراه با تعیین ضرب الاجل قطعی برای ظهور حضرت باشد. ما می توانیم از خدا بخواهیم که ظهور امامان را در همین سال جاری قرار دهد، یا آنرا در ماه فعلی مقدر فرماید یا این که تا قبل از هفته آینده ایشان را ظاهر فرماید. حتی می توانیم دعا کنیم که ظهور ایشان همین امروز یا همین ساعت واقع شود. همه اینها مجاز است، اما نباید چنین بگوییم که: الا و لابد باید در فلان روز یا ساعت یا هفته یا ماه یا سال و یا ... ظهور حضرت واقع شود. این گونه دعا کردن، خلاف ادب بندگی و نوعی تعیین تکلیف برای خدای متعال می باشد و از حد اصرار و الحاح در درخواست فراتر می رود، بنابراین شایسته و مجاز نیست.

یکی از نمونه های کیفی اصرار در دعا، قسم دادن خداوند در هنگام دعاست. کسی که بر خواستن چیزی اصرار دارد، آن را با قسم طلب می کند و به هر زبانی که شرعاً مجاز باشد، خدا را قسم می دهد که خواسته اش را برآورده سازد.

یکی دیگر از جلوه های اصرار در دعا، متوسل شدن به اسباب و وسائلی است که در پیشگاه خدا آبرو دارند و خواندن پروردگار به وساطت آنان، اجابت دعا را سریعتر و سهل تر می سازد.

توسل به اهل بیت علیهم السلام در دعای عبرات

نمونه ای از دعای بر تعجیل فرج که در آن توسل به ذوات مقدسه چهارده معصوم علیهم السیلام به کار رفته، دعای «عبرات» است. این دعا بنا بر تحقیق از ناحیه خود امام زمان علیه السلام صادر شده و مطالعه آن، شدت گرفتاریها و ناراحتی های حضرت را در زمان غیبت تا حدی نشان می دهد. (1)

الهی ... فانی استشفع الیک بکرامتک و الصفوة من انامک الذین لهم انشات ما یقل و یظل و نزلت ما یدق و یجل.

پروردگارا ... پس من آقایی و کرامت را نزد تو شفیع قرار می دهم و نیز (شفاعت می جویم) به برگزیدگان از آفریدگانت، آنان که در برگزیده (زمین) و سایه افکن (آسمان) را به خاطر ایشان آفریده ای و ریز و درشت را برای آنان نازل فرموده ای.

سپس به معرفی یک یک این شفیعیان بی نظیر می پردازند و از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز می فرمایند:

اتقرب الیک باول من توجهت تاج الجلاله و احللته من الفطرة محل السلالة، حجتک فی خلقک و امینک علی عبادک محمد رسولک صلی الله علیه و آله، و بمن جعلته لنوره

1-1. درباره سندهای این دعای شریف و توضیح برخی از عبارات جانسوز آن در درس نهم از حلقه دهم بحث مستدل و مستندی مطرح شده است.

مغرباً و عن مکنون سره معرباً، سید الاوصیاء و امام الاتقیاء یعسوب الدین و قائد الغر المحجلین ابی الائمة الراشدین، علی امیر المؤمنین.

به تو تقرب می جویم به واسطه اولین کسی که تاج بزرگی بر سرش نهادی و اصل و اساس اولیه خلقت قرارش دادی، حجت تو در میان آفریدگانت و امانت دار تو بر بندگان حضرت محمد، رسول تو صلی الله علیه و آله و نیز (به تو تقرب می جویم) به واسطه کسی که او را محل غروب نور پیامبر صلی الله علیه و آله و آشکار کننده راز پوشیده او قرار دادی، سرور و آقای اوصیا و پیشوایان متقیان امیر دین و رهبر پیشانی سپیدان، پدر ائمه راشدین علی امیر المؤمنین علیه السلام.

اوصافی که امام عصر علیه السلام برای جد شریفشان امیر المؤمنین علیه السلام آورده اند، بسیار عمیق و زیباست.

من جعلته لنوره مغرباً و عن مکنون سره معرباً.

آن کس که محل غروب نور پیامبر صلی الله علیه و آله بود، یعنی اگر رسول گرامی صلی الله علیه و آله غروب فرمود، اما در وجود مقدس و صیش محو شد که نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و کسی که آشکار کننده راز پنهان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام نوبت به توسل به بانوی یگانه عالم و دو نور چشم رسول اکرم صلی الله علیه و آله می رسد. امام عصر علیه السلام مادر شریفشان و حسنین علیهما السلام را چنین معرفی می فرماید:

و اتقرب اليك بخيرة الاخيار و ام الانوار و الانسية الحوراء البتول العذراء فاطمة الزهراء، و بقرتی عین الرسول و

ثمرتی فواد البتول السیدین الامامین ابی محمد الحسنو ابی عبدالله الحسین.

و به سوی تو تقرب می جویم به واسطه برگزیده برگزیدگان و مادر انوار و حضرت انسیه حوراء پاکیزه از هر آلودگی، فاطمه زهرا علیها السلام و به دو نور چشم رسول صلی الله علیه و آله و دو میوه دل حضرت بتول علیهما السلام، دو آقا، دو امام، ابی محمد الحسن علیه السلام و ابی عبدالله الحسین علیه السلام.

مادر ائمه اطهار علیهم السلام ام الانوار است و برگزیده شده از میان برگزیدگان. سپس سه امام بزرگوار بعدی علیهم السلام را وسیله قرار داده اند:

و بالسجاد زین العباد ذی الثنات راهب العرب علی بن الحسین و بالامام العالم و السید الحاکم النجم الزاهر و القمر الباهر مولای محمد بن علی الباقر، و بالامام الصادق مبین المشکلات مظهر الحقائق المفحم بحجته کل ناطق، منخرس السنة اهل الجدل مسکن الشقاشق مولای جعفر بن محمد الصادق.

و (به تو تقرب می جویم) به واسطه زیور بندگان که اعضای سجده اش از کثرت عبادت هم چون زانوی شتران که روی زمین گذاشته می شود، ضحیم و سفت شده بود، راهب عرب حضرت علی بن الحسین علیهما السلام و به واسطه امام عالم و آقای حاکم، ستاره درخشانده و ماه خیره کننده مولایم حضرت محمد بن علی الباقر علیهما السلام و به واسطه امام راستگو، تبیین کننده مشکلات، آشکار کننده حقایق، آنان که با برهانش هر گوینده ای را مجاب

می نمود و زبان اهل مجادله را خاموش می کرد و یاوه گوییها را فرو می نشاند، مولایم حضرت جعفر محمد الصادق علیهما السلام.

آن گاه در توسل به سه امام بعدی علیهم السلام چنین عرضه داشته اند:

و بالامام التقی و المخلص الصفی و النور الاحمدی و النور الانور و الضیاء الازهر مولای موسی بن جعفر، و بالامام المرتضی و السیف المنتضی مولای علی بن موسی الرضا، و بالامام الامجد و الباب الاقصد و الطریق الارشد و العالم المؤید ینوع الحکم و مصباح الظلم سید العرب و العجم الهادی الی الرشاد و الموفق بالتأیید و السداد مولانا محمد بن علی الجواد.

و (به تو تقرب می جویم) به واسطه امام متقی و مخلص برگزیده و نور احمدی صلی الله علیه و آله و نور روشنائی بخش تر و روشنائی درخشنده مولایم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و به واسطه امام مورد رضا و خشنودی و شمشیر ازغلاف خارج شده، مولایم حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام و به واسطه امام بزرگوارتر و باب معتدل تر و طریق هدایت کننده تر و عالم مورد تأیید (خداوند) سرچشمه حکمتها و نور تاریکیها، آقای عرب و عجم، راهنما به سوی طریق هدایت و کسی که (از جانب خدا) موفق به تأیید و پشتیبانی بوده است. مولای ما حضرت محمد بن علی الجواد علیهما السلام.

سپس نوبت می رسد به واسطه قرار دادن پدر و جدی گرامیشان که در معرفی آن دو بزرگوار علیهما السلام چنین اظهار کرده اند:

و بالامام منحة الجبار و والد الائمة الاطهار على بن محمد المولود بالعسكر الذى حذر بمواعظه و انذر، و بالامام المنزه على الماثم المطهر من المظالم الحبر العالم بدر الظلام و ربيع الانام التقى النقى الظاهر الزكى مولاي ابي محمد الحسن على العسكرى.

و (به تو تقرب مى جويم) به واسطه هديه (خدای) جبار و پدر ائمه اطهار حضرت على بن محمد عليهما السلام تولد يافته در ميان لشكر كه با موعظه هایش انذار و تحذير مى داد و به واسطه امام منزه از گناهان، پاكيزه شدن از ستمها، بزرگمرد عالم، ماه شب چهارده در تاريخى و بهار آفريدگان، پرهيزكار پاك و پاكيزه مولاييم حضرت ابو محمد حسن بن على عسكرى عليهما السلام.

در پايان آخرين وسيله اى كه امام عصر عليه السلام به سوى خداوند به واسطه آن تقرب مى جويد، وجود مقدس خودشان است كه نزد خداوند شفيع بزرگ مرتبه اى محسوب مى شوند. ايشان خود را چنين معرفى فرموده اند:

و اتقرب اليك بالحفيظ العليم الذى جعلته على خزائن الارض و الاب الرحيم الذى ملكته ازمة البسط و القرض، صاحب النقيبة الميمونة و قاصف الشجرة الملعونة، مكلم الناس فى المهدي و الدال على منهاج الرشدي، الغائب عن الابصار، الحاضر فى الامصار، الغائب عن العيون الحاضر فى الافكار، بقية الاخيار الوارث لذي الفقار، الذى يطهر فى

بیت الله ذی الاستار العالم المطهر محمد بن الحسن، علیهم افضل التحیات و اعظم البرکات و اتم الصلوات.

و به تو تقرب می جویم به واسطه نگه دارنده دانا که او را بر گنجینه های زمین گماشته ای و پدر مهربان که اختیار دادن و گرفتن را به او سپرده ای، صاحب طبع و رأی مبارک و شکننده شجره ملعونه، سخن گوینده با مردم در گهواره و نشان دهنده طریق رشد، پنهان از دیدگان، حاضر در شهرها، غایب از چشمها، حاضر در فکرها، تنها باقی مانده از برگزیدگان، و وارث ذوالفقار (شمشیر امیر المؤمنین علیه السلام) آ که در خانه پرده پوش خدا آشکار می شود، عالم معصوم محمد بن الحسن علیهما السلام، برترین درودها و بزرگترین برکتها و کاملترین صلوات بر همه ایشان (چهارده معصوم) باد.

ایشان پس از واسطه قرار دادن تك تك این انوار پاك، آنان را پناه و وسیله خود به سوی خدا می خوانند:

اللهم فهولاء معاقلی (1)

الیک فی طلبانی و وسائلی ... و لا شفیع لی الیک اوجه من هولاء.

خدایا اینها محل پناه آوردن من در خواسته هایم و وسیله های من هستند... و هیچ شفיעی که نزد تو آبرومندتر از اینان باشند، ندارم.

آن گاه پس از همه این واسطه قرار دادنها با این عبارات فرج خود را

1-1. معاقل جمع معقل و به معنای ملجا و حصن می باشد. المعجم الوسیط، جلد 2، صفحه 617.

از خدای متعال طلب کرده اند:

یا من یجیب المضطر اذا دعاه، یا راحم عبیره یعقوب یا کاشف ضر ایوب اغفر لی و ارحمنی و انصرنی علی القوم الکافرین و افتح لی و انت خیر الفاتحین یا ذا القوة المتین یا ارحم الراحمین. (1)

ای کسی که وقتی مضطر او را بخواند، اجابتش می کند، ای رحم کننده به اشکهای یعقوب، ای برطرف کننده گرفتاری ایوب، از من در گذر و به من رحم کن و مرا برای غلبه بر قوم کافر یاری فرما و پیروزی نصیبم گردان در حالی که تو بهترین پیروز کنندگانی، ای صاحب قدرت استوار، ای مهربان ترین رحم کنندگان.

ملاحظه می شود که در این دعا، توسل به آبرومندترین شفیعان نزد خداوند - یعنی اهل بیت عصمت و طهارت - چه حجم معتنا بهی را در برگرفته است. این نمونه ای از دعاهای مأثور می باشد که در آن اصرار و الحاح به پیشگاه الهی از طریق واسطه و شفیع قرار دادن نزد خداوند، صورت پذیرفته است. معمولاً اگر انسان بر خواستن چیزی اصرار داشته باشد، در درخواست خود واسطه و شفیع قرار می دهد و دعای عبرات یکی از روشن ترین مصادیق این گونه اصرار در دعا برای تعجیل فرج می باشد.

درس پنجم: گریه و زاری

اشاره

تاکنون هفت ادب از آداب دعا را بررسی کردیم. در این درس به بررسی ادب دیگر می پردازیم.

بکاء، ضجه، تضرع و ابتهال

یکی از آداب مؤثر در اجابت دعا، داشتن حال گریه و ضجه در هنگام آن است که در گذشته توضیح داده شد. (1)

گریه معمولاً به طور مصنوعی حاصل نمی شود و تا قلب انسان منقلب نشود، اشک از چشم سرازیر نمی گردد. بنابراین برای پیدایش حال گریه و ضجه پیش از هر چیز باید دل را جلا و صفا داد و رابطه قلبی با امام زمان علیه السلام را استحکام بخشید تا خود به خود با یاد ایشان، چشم اشکبار شود. هر چه محبت آن حضرت در دل انسان عمیق تر گردد، یاد و نام محبوب، او را بیشتر منقلب می سازد و به آنجا می رساند که اگر کسی از امام علیه السلام یاد کند،

دوستدار ایشان ناخودآگاه گریه اش می گیرد. پس هر عملی که موجب ازدیاد محبت به ایشان شود، حال گریه را نیز در انسان تقویت می نماید.

زمینه سازی برای ایجاد حال بکاء در دعا

اما نمی توان گفت که اگر چنین حالی در کسی نیست، از خیر این ادب مؤثر در اجابت دعا بگذرد. اگر رابطه قلبی با امام زمان علیه السلام در آن حد بالا باشد، بسیار خوب است، ولی اگر نبود، می توان با برقرار کردن اتصال قلبی در هنگام دعا و قبل از آن، زمینه مساعدی برای گریستن موقت ایجاد نمود. این هم بسیار کار خوبی است و خود این عمل، محبت شخص را به مولایش تقویت می کند. قطعاً یاد کردن از حضرت و متذکر شدن به محبتی که ایشان نسبت به رعیت خود دارد، از طرفی، و یاد کردن از آلام و رنجهای ایشان در زمان غیبت از طرف دیگر، در پیدایش حال گریه در دعا کننده می تواند مؤثر باشد. بنابراین خوب است که انسان وقتی می خواهد برای امام زمانش دعا کند، قدری به یادآوری این احوال و اوصاف ایشان بپردازد تا قلبش اتصال بیشتری با حضرت پیدا کند و سوز دل، مقدمه اشک ریختن شود، آن گاه با حال گریه برای مولایش دعا کند.

کار دیگری که در همین زمینه می توان انجام داد، ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام خصوصاً حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می باشد. بسیاری از دوستان اهل بیت علیهم السلام که رابطه قلبی عمیقی با امام عصر علیه السلام ندارند، نسبت به حضرت زهرا اطهر علیها السلام یا سید الشهداء علیه السلام حالت خاص قلبی دارند که یادآوری مصائب ایشان دل آنها را زودتر منقلب می سازد. خوب است هر کس

بیند کدام يك از مصیبت‌های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برایش دردآورتر است، آن گاه در هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام و به عنوان مقدمه آن، یادآوری آن مصیبت دردناك پردازد. و به این وسیله دل و چشم خویش را آماده دعای همراه با گریه برای مولایش سازد. به هر حال ائمه علیهم السلام نور واحد هستند و یاد کردن از یکی از ایشان، به يك معنا یاد کردن از همه آنان است. ممکن است کسی در پیشینه زندگی اش توسلی به یکی از امامان علیهم السلام داشته که خاطره ای به یاد ماندنی از آن امام علیه السلام برای او باقی گذاشته است، به طوری که یادآوری آن خاطره، دلش را به یاد آن امام علیه السلام منقلب ساخته، اشکش را سرازیر می کند.

چنین کسی می تواند همین حال را مقدمه گریه و دعا برای تعجیل فرج قرار می دهد.

حتی - چنان که در مباحث گذشته آوردیم - مطابق آن چه اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (1)

می توانیم به عنوان مقدمه سازی برای گریه و دعا در حق امام زمان علیه السلام از در گذشتگان از بستگان خود یاد کنیم که با آنها رابطه عاطفی داشته ایم و یادآوری فوت ایشان ما را به گریه می اندازد، آن گاه این گریه را مقدمه دعا برای حضرت قرار دهیم. این حداقل کاری است که برای پیدایش حال گریه در هنگام دعا می توانیم انجام دهیم. اگر کسی در صدد ایجاد این حال باشد، از همه این راهها می تواند به مقصود خود برسد. مراد از «تباکی» که در برخی حالات - از جمله حاجت خواستن (2)

به آن امر شده ایم، انجام همین

1-1. اصول کافی، کتاب الدعاء باب البكاء، حدیث 7.

2-2. همان، حدیث 10، امام صادق علیه السلام، سل حاجتك و تباك ولو مثل رأس الدباب.

نوع کارهاست که بالاخره اشك انسان را در می آورد، هر چند به اندازه بال مگس باشد.

چگونگی پیدایش حال ضجه و تضرع

حال ضجه و تضرع هم برای انسان بی دلیل پیدا نمی شود. باید اتصال روحی و قویتر با ائمه اطهار علیهم السلام به خصوص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه برقرار نمود تا در هنگام دعا برای ایشان ناله و فریاد انسان بلند شود و به خاطر تعجیل فرج آن حضرت زار بزند. برخی از زمینه سازیهایی که در مورد گریه برای آن حضرت بیان شد، اگر شدید بود، می تواند به ضجه و تضرع هم منتهی گردد. فراموش نکنیم که به فرموده امام صادق علیه السلام ضجه و بکاء در زمان غیبت امام عصر علیه السلام و درخواست تعجیل فرج ایشان - که بنی اسرائیل چهل صباح انجام دادند و نتیجه گرفتند - تأثیر به سزایی در جلو افتادن ظهور آن سرور خواهد داشت. (1)

بنابراین علاوه بر دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام خود حالت گریه و ضجه داشتن در فراق ایشان موضوعیت دارد و می تواند ظاهر شدن امام غریبمان را نزدیکتر سازد. پس باید برای تحقق چنین حالی تلاش کنیم و از راههای مشروع و صحیح - بدون افتادن در ورطه افراط یا تقریط - در جهت تحقق بخشیدن آن قدم برداریم. از مؤثرترین راهها برای ایجاد این حال، تلاش برای بالا بردن معرفت و محبت به آن حضرت از طریق انجام وظایف و تکالیفی است که يك منتظر فرج در زمان غیبت مولایش دارد. آشنایی با این تکالیف، خود يك وظیفه است و کسی که

در این امر کوتاهی کند، مانند کسی است که در آموختن مسائل شرعی مبتلا به خویش کوتاهی کرده است. بنابراین ندانستن و بلد نبودن این وظایف، عذر موجهی برای عمل نکردن به آنها - لاقلاً برای کسانی که چندان با امام زمان علیه السلام بیگانه نیستند - نیست. لذا مطالعه کتبی که در این زمینه تألیف شده، جزء وظایف منتظران قرار می گیرد.

اگر کسی از همین نقطه آغاز کند، هر قدمی که در این مسیر بر می دارد، باعث می شود قدم بعدی را با آگاهی بیشتری بردارد و آرام آرام به همه وظایف خود آشنا می شود. در طول این مسیر خواهد دید که روز به روز بر محبت و ارادتش به مولایش افزوده می گردد و به آنجا خواهد رسید که حال ضجه و بکاء در فراق محبوب بدون هیچ تکلفی برایش حاصل می شود. آرزو می کند که فراغتی داشته باشد تا در گوشه ای بنشیند و برای مولایش سیر بگرید و خلوتی پیدا کند که بتواند دور از چشم اغبار در سوز محبت و فراق محبوبش فریاد بزند و ضجه کند. بنابراین پیدایش این احوال احتیاج به تشکیل دادن مجالس خاصی که به خاطر این هدف تشکیل شود، ندارد و هر کس در خلوت خود می تواند بی سر و صدا به این حالات نائل شود. البته ایجاد چنین احوالی به اختیار خود انسان نیست، خدا و امام عصر علیه السلام هستند که با عنایت خاص خود، دوستانشان را این گونه شیفته و مجذوب می سازند.

البته تشکیل دادن محافل و مجالسی - هم چون مجالس روضه اهل بیت علیهم السلام برای دعا کردن در حق امام عصر علیه السلام نیز بسیار مطلوب و پسندیده است و دوستان آن حضرت نباید از این فرصتها غافل باشند، به خصوص که دعای جمعی - طبق احیای ائمه علیهم السلام - مورد

تأکید ایشان بوده است. اما همان طور که بیشتر بیان شد، (1)

در دعای جمعی و آشکار ممکن است افراد مبتلا به تظاهر و خودنمایی شوند که اگر چنین خوفی وجود داشته باشد، دعای فردی و پنهانی افضل خواهد بود. به هر حال در جمع، احتمال این که ضجه زدن همه افراد، معلول حال طبیعی آنها نباشد و تحت تأثیر شور و حالی که در مجلس هست، به تظاهر بیفتند، وجود دارد و از کید و مکر شیطان در این گونه موارد نباید غافل شد.

گاهی شور و حال حاکم بر یک مجلس، خود باعث فریب انسان می شود و موجب پیدایش حال عجب (خودستایی) می گردد که یکی از موانع قبولی عبادت به شمار می آید. (2)

هم چنین گاهی ضجه ها و فریادها از سویدای دل نیست و کسانی به این نیت که مجلس را گرم کنند و شور بگیرند، داد و فریاد می زنند یا به سر و سینه می کوبند. چنین اعمالی اگر از روی ریا و خودنمایی نباشد، اشکالی ندارد، اما در عین حال با آن چه از ما خواسته اند فاصله دارد. بهتر است در پی ایجاد شور و حالی باشیم که از معرفت و محبت عمیق به امام زمان علیه السلام نشأت گرفته باشد که خود به خود ضجه و بکاء را به دنبال خواهد آورد.

بکاء و ابتهاال امام عصر علیه السلام در دعای عبرات

در این جا مناسب است تأملی داشته باشیم در این که خود وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام با چه حالی برای تعجیل فرج خود و

1-1. درس سوم از حلقه گذشته.

2-2. توضیح مستدل این مطلب را می توانید در کتاب «در ضیافت ضریح» بخش چهارم، فصل 4 و 5 مطالعه فرمایید.

شیعیان نشان دعا می کنند. کافی است به عنوان نمونه به قسمتهایی از دعای عبرات که در درس گذشته، بخشهایی از آن را نقل کردیم، توجه نماییم تا حال آن حضرت را در دعا درك کنیم. از جمله اول دعا سخن از اشك و آه است. دعا با این عبارت آغاز می شود:

اللهم انی اسالك یا راحم العبرات و یا کاشف الزفرات. (1)

خدایا از تو درخواست می کنم، ای رحم کننده به اشکها و ای برطرف کننده آهها.

«عبرة» به معنای اشك و «زفرة» به معنای آه بلند است و خواندن خدا با این اوصاف نشانگر حال شدید گریه و ناله بلند امام عصر علیه السلام از ابتدای دعاست. ایشان پس از دعاهای مفصلی که نقل آن، چند صفحه طول کشیده و پیش از توسل به انوار مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام، در عبارتی حال خود را در پیشگاه الهی چنین معرفی می کنند:

هذا یا الهی تعفیر خدی و ابتهالی فی مسالتک و جدی. (2)

این است ای خدای من، بر خاک گذاشتن گونه ام و ابتغال و جدیتم در درخواستم.

در مورد معنای «ابتغال» در گذشته با استفاده از فرهنگ لغت و احادیث اهل بیت علیهم السلام توضیح دادیم. (3)

خلاصه مطلب این شد که ابتغال به معنای لابه و التماس کردن است که همراه با اشك ریختن و بالا بردن دستها به طرف آسمان می باشد و به تصریح ائمه علیهم السلام تا اشك دعا

1-1. مهج الدعوات، صفحه 611.

2-2. همان، صفحه 615.

3-3. درس چهارم از حلقه سیزدهم.

کننده جاری نشود، ابتهال صدق نمی کند. (1)

روشن است که امام زمان علیه السلام در هنگام دعا، هم حال گریه داشته اند و هم دستان مبارکشان را به نشانه اوج گدایی و مسألت از خدای منان به بالا بلند کرده اند و هم به تصریح خودشان اصرار و جدیت در درخواست خود به خرج داده اند. البته در برخی حالات هم، گونه خود را به نشانه کمال تذلل و خضوع در پیشگاه الهی به خاک گذاشته اند. این وضعیتی است که ایشان از حال خود در هنگام دعا ترسیم فرموده اند.

علاوه بر این در انتهای دعا و پس از معرفی يك يك چهارده معصوم به عنوان آبرومندترین شفیعان در درگاه خداوند عرضه داشته اند:

فهل بقى يا رب غير ان تجيب و ترحم من البكاء و النحيب. (2)

پس ای پروردگار من آیا (پس از وسیله قرار دادن این شفیعان آبرومند) چیزی جز این باقی مانده که (دعایم را) اجابت کنی و به گریه و فغان من رحم کنی؟!

«نجیب» به معنای گریه با صدای بلند است. (3)

و روشن است که امام عصر علیه السلام در پایان دعا که می خواهند از کل آن نتیجه بگیرند، چه حالی داشته اند که خود این گونه بیان کرده اند. تعبیر «هل بقى يا رب» با زیبایی و لطافت بر این نکته دلالت دارد که: خدایا، آیا پس از این که برگزیدگان

1-1. اصول کافی، کتاب الدعاء باب الرغبة و الرهبة...، حدیث 1.

2-2. مهج الدعوات، صفحه 617.

3-3. فرهنگ نوین، صفحه 691.

درگاهت را واسطه تقرب به سوی تو قرار دادم، راهی جز این باقی مانده که دعایم را اجابت کنی؟ هم چنین از خدای مهربان خواسته اند که به اشکها و ناله های بنده مقربش رحم آورده، از وجود ایشان با نصرت و فتح خویش، رفع اضطرار فرماید.

حال خوب است اندکی تأمل کنیم و بنگریم وقتی مولای پر درد و رنج ما در زمان غیبتش این گونه با سوز و گداز به درگاه خداوند می نالد و برای فرجش - که فرج همه مؤمنان بلکه همه مظلومان عالم است - دعا می کند، ما که خود را به عنوان دوستدار ایشان و احیاناً خدمتگزار آن حضرت می شناسیم و تنها سرمایه خود را محبت به آن حضرت می دانیم، آیا نباید ذره ای از این حال بکاء و ضجه و ابتهال را در قلب خود احساس کنیم؟! آیا نباید هفته ای، ماهی یا لااقل سالی یک بار با درصدی از این سوز به درگاه خدا بنالیم و فرج مولای مظلومان را از خداوند بخواهیم؟ اگر تا به حال چنین تجربه ای نداشته و هیچ از این گونه حالات در خود ندیده ایم، پس وای به حال ما! چگونه منتظری هستیم که در فراق محبوبمان یک قطره اشک هم نریخته ایم و برای رهایی او از رنجهای زمان غیبت یک بار هم آن گونه که باید، نسوخته ایم و به درگاه الهی دعای با ضجه و بکاء نداشته ایم؟! بیاییم در باقیمانده زمان غیبت آقایمان - که چه بسا زودتر از باقیمانده عمرمان به سر آید - چبران گذشته ها را بکنیم و خود را - هم چون پیرزن کلاف به دست - با دعا برای تعجیل فرج یوسف زهرا علیها السلام جزء خریداران ایشان قلمداد کنیم.

درس ششم: توجه به مظان اجابت دعا و نیابت

اشاره

بحث در مورد آداب دعا برای امام عصر علیه السلام را با ذکر دو مورد دیگر به پایان می بریم.

دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده

مطابق آن چه گذشت، در مورد بعضی افراد یا حالات خاصی از دعا کنندگان به طور خاص وعده اجابت دعا داده شده است. (1)

ما باید از فراهم بودن این امکان و شرایط ویژه برای دعا در حق امام عصر علیه السلام بهره کافی ببریم و در مواقعی که وعده اجابت داده شده، متذکر دعا برای تعجیل فرج باشیم. در این جا به ده مورد از این شرایط اشاره می کنیم تا روشن شود که اگر کسی در صدد دعا برای مولایش باشد، از چه فرصتهایی می تواند بهره برداری مناسب بکند.

1 - اولین نمونه دعای فرد مؤمن است در حق برادر مؤمنش وقتی که

1-1. رجوع کنید به درس نوزدهم از حلقه دوازدهم.

به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او مساعدت و کمکی کرده باشد. (1)

در این صورت دعای خیر انسان برا برادر دینی اش - که به او احسان نموده - مستجاب است. ملاحظه فرمایید که اگر کسی به خاطر اهل بیت علیهم السلام به دیگری نیکی کند، دعای آن که مورد احسان واقع شده، در حق نیکی کننده مستجاب می شود. در این صورت دعای مؤمن در حق خود اهل بیت علیهم السلام که همه نیکی ها و خیرات از ایشان به او رسیده، به طریق اولی مستجاب خواهد بود. ما اگر برای امام عصر علیه السلام دعای خیر نماییم، در حقیقت برای همه اهل بیت علیهم السلام دعا کرده ایم. مهم این است که دائماً به این حقیقت متذکر باشیم که هر خیری از هر طریقی که به ما می رسد، سرچشمه و منبع و مجرای رسیدن آن، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. پس ما نباید همه واسطه ها را ببینیم و از سرچشمه و کانال اصلی فیض غافل باشیم.

2- دعای دیگری که به فرمایش امیر المؤمنین علیه السلام مردود نمی شود، دعای فرزند نیکوکار در حق پدرش است (الولد البار لوالده) (2)

روشن است که به تصریح احادیث، امام زمان علیه السلام پدر دلسوز (الوالد الشفیق) (3)

و مهربان بر رعیت خود هستند و حق ایشان بر فرزندان خود از حق هر پدر دیگری بر فرزندش بیشتر و بالاتر است. حال اگر یکی از فرزندان ایشان در حق این پدر، احسان و نیکی کرده باشد، دعایش در حق او مستجاب می شود. بنابراین چه خوب است که انسان متوجه این معنا باشد و اگر موفق به انجام کار خیری در حق مولایش شد، از وعده

1-1. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 356، حدیث 6، به نقل از امالی طوسی.

2-2. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 423، حدیث 40، به نقل از الارشاد مفید.

3-3. اصول کافی، کتاب الحجة، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، حدیث 1.

اجابت دعا که خداوند به او داده است، برای امام زمانش استفاده کند و این فرصت را خرج ایشان کند. به یقین بهترین استفاده از این فرصت، دعا برای تعجیل فرج و رهایی حضرت از رنجها و گرفتاریهای زمان غیبت می باشد.

3- دعای دیگری که وعده اجابتش داده شده، دعای عمره گزار (معتمر) [\(1\)](#)

و حج گزار (حاج) [\(2\)](#)

است. این دو، مهمانهای ویژه خداوند هستند که توفیق زیارت و طواف خانه او را پیدا کرده اند. آیا دوستداران امام زمان علیه السلام که به حج یا عمره مشرف می شوند، می دانند که چه فرصتی برای دعا در حق مولایشان دارند؟ چند درصد از ایشان به این موقعیت توجه دارند و آن را صرف دعا برای امامشان می کنند؟ حیف است که انسان این فرصت طلایی و استثنایی را پیدا کند و از بهترین دعاها - که حتی برای خودش بیشترین فایده ها را دارد - غافل باشد.

4- دعای دیگری که به فرموده امام هفتم علیه السلام از پیشگاه الهی مردود نمی گردد، دعای روزه دار در هنگام افطار است. [\(3\)](#)

کسی که يك روز را به خاطر امثال امر خداوند روزه گرفته است، در وقت افطار پاداشی از جانب پروردگارش دارد و آن، اجابت دعایش می باشد. چه زیباست که انسان قدرشناس، ای پادشاه را تقدیم به مولای خود کند و برای تعجیل فرج ایشان دعا کند. اگر این مولای مهربان ببیند

1-1. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 354، حدیث 1، به نقل از امالی صدوق.

2-2. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، حدیث 1.

3-3. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 360، حدیث 21، به نقل از الدعوات راوندی.

که یکی از دوستانش، جایزه دریافتی خود را به ایشان تقدیم کرده، آیا بهترین پاداشها و جوایز را از خداوند برای این دوست خود طلب نمی کند؟ آیا خودش که صاحب و مالک خزائن الهی است، به بهترین وجهی احسان دوست خود را تلافی نخواهد کرد؟ حاشا و کلا!

5- مورد بعدی دعای فرد بیمار است (1)

به خصوصت در حق کسی که به عیادت او می رود. (2)

خداوند به تلافی درد ورنجی که بیمار تحمل می کند، وعده استجاب دعا را به او داده است. آیا وقتی بیمار می شویم، توجه داریم که فرصتی برای دعا در حق امام زمان علیه السلام به دست آورده ایم که حیف است آن را در مسیر دیگری مورد استفاده قرار دهیم؟ اگر همه بیماران شیعه با توجه به این فرصت خدادادی، دعای مستجاب خود را خرج مولایشان کنند، آیا تأثیری در تعجیل فرج ایشان نخواهد داشت؟

آیا می دانیم که طبق فرموده امیر مؤمنان علیه السلام (3)

هر مؤمنی که مریض می شود، امام زمانش هم به خاطر بیماری او بیمار می شوند؟! و اگر دعایی کند، امام زمانش به دعای او آمین می گویند؟! بیماری آن حضرت در بیماری شیعه اش هم چون بیمار شدن مادر است به خاطر بیماری فرزندش که به سبب شدت علاقه و محبت به او، چنین می شود و قطعاً امام زمان علیه السلام برای فرزندانش از مادر در حق فرزند، مهربان تر و دلسوزتر هستند. حال که این پدر مهربان در بیماری فرزندش چنان رنجور می شود که خود بیمار می گردد، آیا رسم انسانیت و مروت

1-1. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، حدیث 1.

2-2. بحار الانوار، جلد 81، صفحه 217، حدیث 10، به نقل از ثواب الاعمال.

3-3. بصائر الدرجات، جزء 5، باب 16، حدیث 1.

نیست که آن فرزند در هنگام بیماری به فکر پدر و مولایش باشد و برای او دعا کند، به این امید که این دعا به آمین خود او مستجاب گردد؟

نکته دیگری که توجه به آن در این بحث مفید و سازنده است، این است که طبق نقل جناب حسین بن روح نوبختی نایب سوم امام زمان علیه السلام در زیارت رجبیه، شفای بیماران صرفاً به برکت اهل بیت علیهم السلام صورت می پذیرد. در همان زیارت خطاب به آن ذوات مقدس می خوانیم:

فبکم بجبر المهیض و یشفی المریض. (1)

شکستگیها فقط به واسطه شما التیام پیدا می کند و بیماران صرفاً به سبب شما بهبود می یابند.

این عبارات نشان می دهد که خداوند تنها صدقه سر امام عصر علیه السلام بیمار را شفا عنایت می فرماید. پس چقدر شایسته است که هر بیماری به خاطر سپاسگزاری از این واسطه نعمت، از دعا برای مولایش غفلت نکند تا مبتلا به کفران نعمت های الهی نگردد.

6- یکی از دعاهایی که وعده اجابت آن داده شده، دعا در غیاب برادر مؤمن است. امام باقر علیه السلام فرمودند که چنین دعایی از پروردگار متعال محجوب نمی ماند و هر کس پشت سر مؤمنی برای او دعا کند، از جانب خداوند به او خطاب می شود:

و لك مثله. (2)

و مانند آن چه خواسته ای، برای خودت است.

1-1. بحار الانوار، جلد 102، صفحه 195.

2-2. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، حدیث 2.

کدام برادر مؤمن را سراغ داریم که ایمانش از مولایمان امام زمان علیه السلام کامل تر و حقوقش بر ما بیشتر باشد؟ طبق این وعده الهی اگر کسی در غیاب آن حضرت، برای ایشان دعا کند، مشمول همان دعا از جانب خداوند خواهد شد و به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ دعایی از دعای دیگری در حق برادر غائبش زودتر مستجاب نمی گردد. (1)

بنابراین حیف است که از این فرصت برای دعا در حق بهترین برادر غایب خود، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده نکنیم.

7- از موارد دیگری که وعده اجابت دعا داده شده، وقتی است که به يك مؤمن فقیر کمک می شود، خداوند دعای آن نیازمند را مستجاب می فرماید. (2)

با این ترتیب هم مؤمن نیازمند و هم کسی که به او مساعدتی می کند، می توانند از این فرصت برای برآورده شدن حاجت‌هایشان استفاده کنند. اما حقیقتاً چند در صد از دوستان امام عصر علیه السلام از این امکان برای دعا در حق ایشان بهره برداری می کنند؟ آیا وقتی به فقیری کمک می کنیم، متذکر هستیم که به این وسیله فرصتی برای عرضه يك دعای مستجاب به پیشگاه خداوند فراهم نموده ایم؟ آیا خود آن مؤمن فقیر به این حقیقت توجه دارد؟

8- یکی دیگر از دعاهای مستجاب، دعای کودکی است از امت پیامبر صلی الله علیه و آله که هنوز به تکلیف نرسیده و مرتکب گناه نشده است. (3)

بر خلاف آن چه گاهی مشاهده می شود که به کودکان در انجام عبادات

1-1. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، حدیث 7.

2-2. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 360، حدیث 20، به نقل از الجواهر کراچی.

3-3. همان، صفحه 357، حدیث 14، به نقل از صحیفه الرضا علیه السلام.

اهمیت چندانی داده نمی شود، در اسلام کودکانی که پدر یا مادر آنها مؤمن باشند، احترام خاصی دارند و عباداتشان می تواند صحیح و مقبول باشد. یکی از این عبادتها، دعای ایشان است که طبق وعده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پذیرفته و مستجاب می باشد.

بنابراین ما می توانیم و باید برای دعاها کودکان امت اسلام حساب باز کنیم و برای برآورده شدن هر حاجتی - و در صدر همه، تعجیل فرج مولایمان - از آنها بخواهیم دعا کند یا خود دعا کنیم و آنان آمین بگویند. به همین جهت لازم است با برنامه ریزی های خاص تربیتی، کودکان خود را پیش از سن بلوغ با امام زمان علیه السلام به طور شایسته آشنا کنیم تا زمینه برای این که اهل دعا در حق آن حضرت شوند، برایشان فراهم گردد، چه اشکالی دارد که فرزندان ما از ابتدای سن فهم و درک خود، دعا برای امام زمان علیه السلام را یاد بگیرند؟ چرا کودکان شیعه سالها پیش از سن تکلیف بسیاری از مسائل غیر ضروری را یاد می گیرند، اما برنامه ای حساب شده براساس مثنی تربیتی صحیح در جهت آشنایی با امام عصر علیه السلام و دعا برای آن حضرت، ندارند؟! گاهی همین کودکان از سنین طفولیت یا اسامی ورزشکاران و هنرپیشگان داخلی و خارجی آشنا هستند، ولی تکالیف ابتدایی خود را نسبت به امام زمانشان نمی دانند. آیا این امر معلول تقصیر والدین و مربیان آنان نیست؟

9- یکی از دعاهایی که به فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شکی در مستجاب شدنش نیست، دعای مسافر است. (1)

این فرصتی است که

معمولاً بدون هیچ زحمتی برای انسان فراهم می شود. آیا توجه داریم که از این فرصت می توانیم برای دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان استفاده کنیم؟ حقیقتاً چند در صد از شیعیان از این امکان بهره برداری کامل می کنند؟¹. بحار الانوار، جلد 93، صفحه 313، حدیث 17، به نقل از الدعوات رواندی.

آخرین موردی که در این بحث اشاره می کنیم، دعای قاری قرآن است. به فرموده امام مجتبی علیه السلام هر کس قرآن تلاوت کند، دعایش مستجاب است. یا فوری و سریع (عاجل) و یا در آینده (آجل). 1.

انصافاً از این همه قرائت قرآن که در میان مسلمانان انجام می پذیرد، چه تعدادی از آنها با دعای برای امام زمان علیه السلام همراه است؟ متأسفانه اکثریت قابل توجهی از قاریان قرآن - چون شیعه نیستند و اعتقاد صحیحی به امام عصر علیه السلام ندارند - از معرض این عبادت شریف بیرون هستند اما شیعیان و دوستان آن حضرت چگونه؟ آیا این قاریان، از تلاوت قرآن در جهت دعا برای تعجیل فرج مولایشان بهره کافی می برند؟ آیا به اندازه حاجات شخصی خود، به این امر اهمیت می دهند؟

نیابت از زندگان و مردگان

یکی از آدابی که رعایت آن در دعا برای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تأثیر بسزایی در اجابت دارد، دعا به نیابت از اهل ایمان است. نیابت در يك عمل به معنای انجام دادن آن از جانب «منوب عنه» است. نیابت در عبادت باری است در فقه که شامل بسیاری از اعمال مستحب عبادی - از جمله دعا - می شود. در این جا قصد مطرح

کردن ادله جواز نیابت را نداریم. این موضوع در جای خود مورد بحث قرار گرفته (1)

و اکنون تنها نیابت از يك مصداق عبادت یعنی دعا را مد نظر داریم.

ما می توانیم از جانب يك یا چند فرد دیگر دعا کنیم و با این کار «منوب عنه» را در دعای خود شريك کنیم. این نیابت انگیزه های مختلفی دارد. گاهی می خواهیم خیری به دیگری برسانیم، از جانب او دعا می کنیم تا این عمل عبادی در نامه عمل او ثبت گردد، گویی خود او این عمل را انجام داده است. گاهی هم می خواهیم دعایمان به اجابت نزدیکتر شود، لذا از جانب مؤمن آبرومندی دعا می کنیم تا خداوند به خاطر او دعایمان را اجابت کند. در نیابت از دیگری فرقی بین زنده و مرده نیست، چنان که بین يك یا چند نفر هم تفاوتی وجود ندارد.

می توانیم از يك یا چند فرد زنده یا مرده نیابت کنیم یا از عده ای که برخی از آنها مرده و برخی دیگر زنده هستند. اگر از جانب تعداد زیادی نیابت کنیم، بهره و حظ هر يك، کمتر از وقتی که فقط از يك نفر نیابت کنیم، نمی شود. با این ترتیب می توانیم بسیاری از عبادت های مستحبی خود - از جمله دعا - را به نیابت از تعداد زیادی زن و مرد مؤمن انجام دهیم تا هم آنها را در عبادت خود شريك نماییم و هم به خاطر آبرویی که حداقل برخی از آنها نزد خدا دارند، دعایمان زودتر به اجابت برسد.

دعا در حق امام عصر علیه السلام هم از این قاعده کلی مستثنی نیست. اگر می خواهیم دعای ما برای مولایمان هم برای خودمان بیشتر فایده داشته

1-1. به عنوان نمونه در کتاب «در ضیافت ضریح» بخش سوم، فصل سوم بحث مختصر و مستندی در مورد انجام عبادت به نیابت مطرح شده است.

باشد و هم خیر بیشتر به دیگران و خود امام زمان علیه السلام برساند، خوب است که در دعاها ایمان سائرین را شریک کنیم و به نیابت از آنان دعا کنیم. البته نیت نیابت در عبادت باعث نمی شود که - در صورت قبولی آن - چیزی از بهره ما در عبادت کاسته شود، بلکه به ادله ای که گفتیم، احتمال بهره بردن ما را بیشتر می کند. بنابراین نیابت از دیگران، ما را از زمره عاملان آن عبادت خارج نمی سازد.

نمونه هایی از این گونه، دعا کردن را در آن چه از ائمه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است، مشاهده می کنیم. در همین دعای عهد معروف که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده و فضائل زیادی برای خواندن آن در چهل صبح ذکر فرموده اند، [\(1\)](#)

چنین می خوانیم:

اللهم بلغ مولانا الامام الهادی المهدی القائم بامرک صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرين عن المؤمنین و المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها و سهلها و جبلها و برها و بحرها و عنی و عن و الذی من الصلوات زنة عرش الله و مداد کلماته و ما احصاه علمه و احاط به کتابه. [\(2\)](#)

این عبارات، دعایی است در حق امام زمان علیه السلام که دعا کننده از خدا می خواهد که بالاترین درودها و رحمتهای خود را - به اندازه عرش

1-1. امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر کس چهل صبح این دعا را بخواند، از یاوران قائم علیه السلام باشد. اگر پیش از ظهور ایشان بمیرد، خدای متعال او را از قبرش بیرون می آورد و به ازاء هر کلمه عا، هزار حسنه به او عطا می فرماید و هزار بدی را از او محو می سازد. بحار الانوار، جلد 53، صفحه 96، حدیث 111، به نقل از مصباح الزائر.

2-2. بحار الانوار، جلد 53، صفحه 96، حدیث 111، به نقل از مصباح الزائر.

خدا و جوهر کلمات او و آن چه مشمول علم خدا گردیده و در کتابش گنجانده شده - بر وجود مقدس مهدی قائم علیه السلام ارزانی کند، در این جا دعا کننده تصریح نموده که این درخواست را از جانب خودش و پدر و مادرش و همه مردها و زنان با ایمان در سراسر زمین - دشت و کوه و خشکی و دریا - مطرح می کند. این يك نمونه دعایی است که دعا کننده افراد بسیار زیادی را در عمل خود شريك می گرداند و با این کار هم خیری به آنان می رساند و هم اجابت دعایش را سهل تر و سریع تر می سازد. هر چند در این دعا صراحتاً نیابت از دیگران مطرح شده، ولی لزومی ندارد که همیشه چنین باشد و نیابت صرفاً با نیت شخص تحقق پیدا می کند. آثار آن بر عملش مترتب می شود و نیازی نیست که نیت خود را به زبان آورد.

با این ترتیب ما می توانیم در همه دعاهایی که در حق امام عصر علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان می خوانیم، قصد نیابت کنیم و افراد زیادی را در این عمل شریف، شريك خود قرار دهیم. در این کار به خصوص ذوی الحقوق خود را نباید فراموش کنیم که در رأس آنها خود امام زمان علیه السلام هستند. پس از ایشان کسانی هستند که ما را با دین خدا و ائمه هدی علیهم السلام آشنا کرده و ارادت و روزی به اهل بیت علیهم السلام را به ما آموخته اند، هم چنین پدر و مادر و پدران و مادرانی که اگر ایشان نبودند، خیری به ما نمی رسید. بعد از اینها نوبت می رسد به سایر ذوی الحقوق اعم از اساتید، فرزندان، ارحام و ... در میان ذوی الحقوق، علما و دانشمندان بزرگ شیعه که سهم وافری در ضبط

معارف الهی و رساندن آن به نسلهای بعدی داشته اند - هم چون علامه کلینی و مرحوم شیخ صدوق و علامه مجلسی و ... نباید فراموش شوند. به هر حال قصد نیابت، باب پر برکتی است که با ورود به آن، خیرات غیر قابل وصفی نصیب انسان می گردد. انشاء دوستان امام زمان علیه السلام از این امکان برای زودتر اجابت شدن دعاهایشان در حق آن حضرت استفاده کافی ببرند.

پرسشهای مفهومی از درسهای 1 تا 6

1. چه عواملی در ایجاد اقبال قلبی در دعای بر تعجیل فرج مؤثر است؟
2. شیطان از چه راههایی مانع دعا برای تعجیل فرج می شود؟
3. شکرگزاری نسبت به امام عصر علیه السلام چه ارتباطی به دعا برای آن وجود مقدس دارد؟
4. چه عواملی در پیدایش حالت اصرار در دعای بر تعجیل فرج مؤثر است؟
5. اصرار در دعای بر تعجیل فرج را از دو جنبه کمی و کیفی بررسی کنید.
6. در هنگام بیماری چه جهاتی می تواند انگیزه ما در دعا برای امام عصر علیه السلام باشد؟

فصل دوم: دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان علیه السلام

درس هفتم: مقایسه دعای مأثور و دعای غیر مأثور

اشاره

پس از این که با چگونگی دعا برای امام زمان علیه السلام آشنا شدیم، اکنون اشاره ای خواهیم داشت به برخی از دعاهایی که می توانیم در حق مولایمان داشته باشیم. به طور کلی دعاهای ما دو گونه هستند: یا متن و عبارت آنها عیناً از زبان یا قلم معصوم علیه السلام صادر شده و یا غیر معصومین آنها را انشاء کرده اند. قسم اول را دعاهای مأثور می نامیم، چون از ناحیه مقدس معصومین علیهم السلام به ما رسیده است و قسم دوم دعاهای غیر مأثور هستند که شامل دعاهایی که خودمان - به زبان فارسی یا هر زبان دیگری - انشاء می کنیم. می گردد. ابتدا به بحث درباره دعاهای غیر مأثور می پردازیم.

دعاهای غیر مأثور

اولین نکته این است که دعا به معنای خواندن خداست و ما مجازیم که به هر زبانی خداوند را بخوانیم، به شرط آن که عبارات ما دال بر تشبیه پروردگار نباشد. تشبیه به این است که مثلاً او را جسم یا جسمانی بدانیم و تعبیری را به کار ببریم که دلالت بر جسمانیت ذات مقدس خداوند داشته باشد. بنابراین اگر کسی خدای خود را انسان گونه بخواند - مثلاً برای او دست و پا و گوش و زبان شبیه آنچه در انسانهاست، قائل شود - مرتکب تشبیه شده است. اگر با هر زبانی که دعا می کنیم، چنین انحرافات در عباراتمان نباشد، انشاء دعا اشکالی ندارد.

البته نوع خوانن خداوند در حالات مختلف، مختلف است. گاهی می خواهیم به طور ساده بگوییم: «خدایا ظهور مولای ما را برسان».

این گونه دعا کردن پیچیدگی خاصی ندارد و برای همگان میسر و ممکن است. کافی است از لفظی که بر ذات خداوند دلالت می کند، معنایی که دال بر تشبیه باشد، اراده نکنند. گاهی الفاظی برای حکایت از پروردگار متعال به کار می رود که معنای تشبیهی دارند و دعا کننده از روی جهل همان معنای باطل را اراده می کند. اینجا باید او را متذکر خطایش نمود تا از ورطه تشبیه ناخواسته، به در آید. اما اگر با علم به این که لفظ، دال بر تشبیه است، آن را بر خداوند اطلاق نماید و همان معنای تشبیهی مثلاً جسمانیت را اراده کند، مرتکب خطزای نابخشودن شده و دعایش مردود است.

پس نوع افراد عادی در دعاهایی که به زبان ساده - فارسی، عربی

و... می کنند، نیاز به معلومات چندانی در معارف دینی ندارند. اما اگر از این سادگی درآید و کسی بخواهد از حد به کار بردن الفاظی که فقط بر وجود مقدس پروردگار دلالت می کند، بالاتر رود، باید با علوم و معارف دینی آشنایی داشته باشد. مثلاً اگر بخواهد در مقدمه دعا به حمد و ثنای الهی بپردازد یا در ضمن دعا به مسائلی هم چون قضا و قدر و بداء اشاره نماید. باید معنای صحیح تمحید و توصیف خدا و معانی اصطلاحات خاص قرآنی و روایی را بداند و این کار از سطح دانش نوع عوام بالاتر است. کسانی صلاحیت این گونه دعا کردن را دارند که با معارف توحیدی اهل بیت علیهم السلام آشنایی خوب و قابل قبولی داشته باشند.

این گونه افراد معمولاً در دعاهایی که انشا می کنند، از عین عبارات ائمه علیهم السلام یا حداقل مضامین آنها استفاده می کنند، چون با زبان ایشان مانوس هستند و به طور معمول چیزی خارج از حوزه معارف اهل بیت علیهم السلام به زبان نمی آورند.

یکی از بهترین نمونه های این گونه دعا، دعای معروف «عالية المضامين» است که در کتب ادعیه هم چون «مفاتیح الجنان» نقل شده است. این دعا با این که مأثور از معصوم علیهم السلام نیست، اما الفاظ آن یا عیناً الفاظ احیث است و یا همان مضامین را - با مختصر اختلافی در تعبیر - در بر دارد. همین ویژگی نشان می دهد که فرد یا افرادی که این دعا را انشاء کرده اند، از علمای آشنا به معارف اهل بیت علیهم السلام بوده اند.

نمونه ای از این دانشمندان مرحوم علامه سید بن طاووس متوفای سال 664 هجری قمری است که میزان احاطه ایشان به ادعیه مأثور از ائمه علیهم السلام از کتابهای ارزشمندی چون «اقبال الاعمال» و «مهج

الدعوات» و «جمال الاسبوع» پیداست. ایشان در برخی از کتابهایش دعاهایی را که خود انشا کرده، نقل نموده است. (1)

مقایسه دعای غیر مأثور همراه با حضور قلب با دعای مأثور بدون آن

نکته ای که در مورد دعاهای غیر مأثور جالب توجه می باشد، این است که گاهی انسان اگر از روی مکتوبی دعایی را که از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده بخواند، توجه و حضور قلب چندانی به محتوا و مضمون آن ندارد، اما اگر زبان خودش متناسب با احوال درونی اش دعا کند، با اقبال و رقت قلب بیشتری همراه است. در این صورت خوب است که از حال شخصی اش برای انشاء دعا کمال استفاده را ببرد. در برخی از روایات به این نکته با بیان زیبایی اشاره کرده اند. نمونه آن روایتی است که زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده است می گوید:

ان افضل الدعاء ما جرى على لسانك. (2)

بهترین دعا آن چیزی است که به زبانت جاری شود.

يك احتمال که در معنای این جمله امام علیه السلام می توان داد، این است که مراد دعایی باشد که انسان به اقتضای حال درونی اش به زبانش جاری می شود. آن چه به طور طبیعی به زبان می آید، از نیازی ناشی

1-1. مراجعه کنید به مهج الدعوات، صفحه 541 و 542 تحت عنوان «دعوات للمؤلف».

2-2. وسائل الشیعه، جلد 4، صفحه 1171، باب 62، حدیث 1.

می شود که قلباً احساس می کند. به همین جهت اقبال قلبی در آن وجود دارد و همین، شرایط اجابت آن را بهتر فراهم می سازد. شاید همان طور که مؤلف کتاب «مکیال المکارم» استنباط کرده - بتوان از فرمایش امام صادق علیه السلام استفاده کرد که: «دعای غیر مأثور همراه با حضور قلب از دعای مأثور بدون حضور قلب افضل می باشد. (1)

با این ترتیب هر چند که دعای مأثور به طور مطلق از دعای غیر مأثور بهتر است، اما شرایط روحی دعا کننده هم باید در نظر گرفته شود. اگر بتواند دعای نقل شده از ائمه علیهم السلام را با حضور قلب بخواند، بهتر از این است که خودش دعایی انشا کند.

کسانی که معنای دعای مأثور را می فهمند و هنگام خواندن دعا همان معنا را قصد می کنند، حضور قلب بیشتری در دعا دارند نسبت به کسانی که موقع دعا خواندن، چیزی از معنای آن سر در نمی آورند. اینها اگر حالی هم پیدا کنند، برخاسته از معانی دعا نیست، بلکه از غیر متن دعا ناشی می شود. البته صرف خواندن دعای مأثور، مصداق عبادت و امتثال فرمایش امام علیه السلام است و اگر از خیر آن بگذرند، فضیلت خواندن آن دعا را از دست می دهند. اما از جهت دیگر وقتی با دعایی که به مقتضای حالشان به زبانشان جاری می شود، حضور قلب بیشتری پیدا می کنند و می فهمند که چه می گویند، خوب است که در کنار خواندن دعای مأثور یا - اگر کسب فضیلت آن دعا برایشان مهم نیست - به جای خواندن آن، به زبان خودشان دعا کنند و آن چه را می خواهند، از پیشگاه الهی با حال خودشان درخواست نمایند.

بر این اساس، در دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان هم نباید از این امر غفلت شود. دعاهای زیادی در این خصوص از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده که خواندن آنها - هر چند که همه معانیش را نفهمیم - مصداق عبادت و دعا برای حضرت می باشد، اما گاهی انسان اگر به زبان و مقتضای حال خود برای امام زمان علیه السلام دعا کند، حضور قلب بیشتری پیدا می کند. گاهی انسان چیزهایی را از خدا برای امامش می خواهد که به زبان دلخواهش در دعاهای مأثور نیست یا او سراغ ندارد. اینجا بهتر است یا در کنار دعاهای مأثور و یا به جای آن - بسته به این که بخواهد از فضیلت دعای مأثور بهره مند شود یا خیر - به همان زبانی که دوست دارد و می فهمد که چه می گوید، برای امامش دعا کند و تعجیل فرج آن حضرت را از خداوند طلب نماید.

ولی اگر انسان معانی دعاهای مأثور برای امام زمان علیه السلام را می فهمد و می تواند با توجه و قصد کردن مضامین آنها، با حضور قلب، همان دعاها را بخواند، بسیار بهتر از این است که به زبان خودش دعا کند. در مجموع جمع کردن بین دو گونه دعا کردن، بهترین کار است. هم از خیر خواندن دعاهای مأثور نگذرد و هم اگر حال حضور قلبی در دعا به زبان خودش پیدا می کند، به آن هم در کنار دعای مأثور عمل نماید.

انسان به تعبیر مختلفی می تواند برای تعجیل فرج مولایش دعا کند که شاید برخی از آنها در دعاهای مأثور نیامده باشد، مثلاً این که «خدایا دعای کسانی که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می کنند را مستجاب فرما» یا این که: «خدایا تعداد دعا کنندگان برای تعجیل فرج را بیشتر کن». این گونه دعاها به صورتی که انسان به زبان خودش می تواند

بگوید، در دعاهای مأثور نیامده است و بنابراین خوب است که در کنار آنها از خیر این گونه دعا کردن نگذریم.

دعاهای مأثور

برترین دعاهای مأثور بر غیر مأثور

دعای مأثور دعایی است که از ناحیه معصوم علیه السلام به ما رسیده و الفاظش انشای فرد عادی نیست. اگر بخواهیم خدا را بخوانیم، به چه الفاظی بهتر است؟ آیا معصومین علیهم السلام بهتر از دیگران خدا را نخوانده اند؟ یکی از آداب بسیار مهم دعا، مقدم کردن توصیف خدای متعال است. در این مقام ما بهتر می توانیم خدا را توصیف کنیم یا اهل بیت علیهم السلام که آن چه از توحید و اسماء و صفات پروردگار یاد گرفته ایم، به تعلیم ایشان است؟ ما می بینیم که صحیح ترین و گویا ترین و دلنشین ترین مناجاتها با خدای متعال از زبان معصومین علیهم السلام نقل شده است. غیر ایشان نتوانسته و نمی تواند مانند آنها خداوند را بخواند.

در بسیاری موارد مشاهده می کنیم که افراد دیگر در مقام توصیف پروردگار مطالبی به زبان می آورند که بعضاً اشتباه است، مثلاً الفاظ، دال بر تشبیه خداوند می باشد. اگر هم صحیح باشد، به یقین از خود اهل بیت علیهم السلام اخذ شده است. لذا می توانیم ادعا کنیم که هیچ کس در شناخت صحیح خدای متعال بی نیاز از تعلیم خاندان عصمت و طهارت نیست و هر کس اگر مطلب صحیحی در باب توحید و معرفة الله می گوید - چه بداند و چه نداند - آن را از سرچشمه وحی دریافت کرده و واسطه اش وجود مقدس معصومین علیهم السلام بوده اند. این موضوع درباره فرشتگان الهی هم که:

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (1)

صادق است؟ چه رسد به افراد عادی. طبق آن چه در احادیث متعدد نقل شده است، ملائکه تسبیح و تهلیل و تحمید پروردگار را از اهل بیت علیهم السلام آموخته اند. به عنوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن فرمایشهای مفصلی به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

... فسبحت الملائكة لتسبيحنا ... فينا اهدوا الى معرفة (توحيد) الله تعالى و تسبيحه و تهليله و تحميده. (2)

... فرشتگان به خاطر تسبیح ما، (خدا را) تسبیح کردند... پس به سبب ما به معرفت (توحید) خدای متعال و تسبیح و تهلیل و تحمید او هدایت شدند.

با این ترتیب روشن است که هیچ کس در نحوه بندگی خداوند - که توصیف و تحمید او هم از مصادیق آن است - از تعالیم اهل بیت علیهم السلام بی نیاز نیست. پس قطعاً بهترین ثناها و عمیق ترین مناجاتها و دلنشین ترین دعاها را در کلمات خاندان عصمت و طهارت می توان یافت و این یکی از ادله ترجیح دعای مأثور بر غیر مأثور است.

جنبه دیگری که ملائک فضیلت دعای مأثور بر غیر مأثور است، ثوابهایی است که بر خواندن دعای مأثور مترتب می باشد. نوع دعاهایی که از معصومین علیهم السلام نقل شده، دارای فضایی است که برای

1-1. انبیاء، 27.

2-2. کمال الدین، باب 23، حدیث 4.

خواندن آنها بیان شده و شرط درك آنها دانستن معانی و توجه به محتوای آن نیست. بنابراین می توان يك دعای مأثور را فقط برای درك ثوابش قرائت کرد. البته اگر خواننده دعا معانی آن را بداند و در ضمن خواندن، قصد همان معانی را بکند، قطعاً اولی و افضل است، ولی چنین نیست که در فرض عدم درك معانی، ثوابی بر خواندن آن مترتب نباشد.

بهترین حالت این است که انسان با عنایت به مضامین دعاهای مأثور، مطابق آن چه اهل بیت علیهم السلام فرموده اند، دعا بخواند، یعنی تا آنجا که می تواند، از همان ادعیه مأثوره استفاده کند و در کنار آنها با زبان و انشاء خودش هم آن چه می خواهد - به شرط صحت - از خدایش طلب نماید. در این صورت هم فضیلت خواندن دعاهای مأثور را درك کرده و هم با حال و قلب خودش آن چه را که می خواسته، به زبان آورده است.

درس هشتم: اهتمام ائمه طاهرین علیهم السلام به دعا در حق امام عصر علیه السلام

اشاره

با توجه به برتری دعای مأثور بر غیر مأثور، باید به دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام در خصوص امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان وارد شده اهمیت خاصی بدهیم. ما می دانیم که همه ایشان اهتمام زیادی به دعا در حق امام زمان علیه السلام داشته اند. خوب است به اظهار نظر یکی از والاترین صاحب نظران در این خصوص توجه نماییم.

پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه طاهرین علیهم السلام داشته باشد، این که چه قدر اهتمام در امر دعا نمودن به حضرت صاحب الزمان علیه السلام و مسئلت فرج آن جناب از خداوند عالمیان جل شأنه داشته و دارند. و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدعی آگاه شوی، ملاحظه کن دعای حضرت امیر علیه السلام را در ضمن حدیث مروی در «غیبت نعمانی» و دعای حضرت سید الساجدین علیه السلام را در روز عرفه در «صحیفه سجادیه» و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه مروی در

«جمال الاسبوع» و دعای حضرت صادق علیه السلام را به آن حضرت بعد از نماز ظهر مروی در «فلاح السائل» و «بحار» و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان مروی در «اقبال» و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را بعد از نماز عصر، مروی در «فلاح السائل» و دعای حضرت امام رضا علیه السلام را مروی در «جمال الاسبوع» و دعای امام محمد تقی علیه السلام را مروی در «کافی» و دعای امام حسن عسکری علیه السلام مروی در «مهج الدعوات» و دعای مروی از خود آن جناب مروی در «کمال الدین» و قنوت نماز ظهر جمعه مروی در «جمال الاسبوع» و دعای بعد از دو رکعت اولی نماز نافله شب، مروی در «مصباح المجتهد» و «مفتاح الفلاح» و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة، و دعای صبحهای روز جمعه و دعای بعد از نمازهای فریضه، و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه، و دعای افتتاح و غیر اینها، که ذکرش موجب طول است. بلکه از عبارت دعای روز عرفه، و روایت مرویه در «جمال الاسبوع» در باب قنوت روز جمعه و بعض ادله دیگر، ظاهر می شود که مؤمن هر دعایی که می نماید، باید ابتدا کند به دعای از برای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و ظهوره. (1)

1-1. مرحوم میرزا محمد تقی اصفهانی، کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام صفحه 72 و 73.

مضامین دعاهای ائمه علیهم السلام در حق امام عصر علیه السلام

دعاهای ائمه علیهم السلام در حق امام زمان علیه السلام مضامین مختلفی دارد.

عموم آنها شامل درخواست سلام و صلوات از خداوند برای ایشان است و در بیشتر آنها تأکید خاص بر تعجیل فرج آن حضرت به چشم می خورد. در بسیاری از آنها نیز برای اعوان و انصار ایشان - چه در زمان غیبت و چه ظهور - دعا کرده اند. مهمترین دعا در حق امام عصر علیه السلام، دعا برای تعجیل فرج ایشان می باشد که به تصریح امام صادق علیه السلام در دعای صبح بیست و یکم ماه مبارک رمضان - فرج همه اولیا و برگزیدگان خدا به آن حاصل می شود عین عبارت ایشان این است:

اسالك ... ان تصلى على محمد و اهل بيته و ان تاذن لفرج من يفرجه فرج اوليائك و اصفيائك من خلقك ... عجل ذلك يا رب العالمين. (1)

(خدایا) از تو می خواهم ... که بر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او درود بفرستی و اجازه فرمایی فرج کسی را که فرج همه اولیا و برگزیدگان از آفریدگان به فرج اوست ... ای پروردگار عالمیان در این امر تعجیل فرما.

سؤالی که در این جا به ذهن می رسد این است که: دعا برای تعجیل فرج امام دوازدهم در زمان امامان گذشته چه وجهی دارد؟ ما که در زمان غیبت ایشان به سر می بریم، وقتی برای جلو افتادن ظهور آن حضرت

1-1. بحار الانوار، جلد 51، صفحه 13، حدیث 14، به نقل از کمال الدین.

دعا می کنیم، معنایش این است که می خواهیم خداوند هر چه زودتر به ایشان اجازه آشکار شدن بدهد. اما در زمان ائمه پیشین علیهم السلام که امام دوازدهم یا هنوز متولد نشده بودند و یا کودکی چند ساله بودند که هنوز به امامت هم نرسیده بودند - جلو افتادن ظهور چه معنایی دارد؟

پاسخ این سؤال با اندک تأملی روشن می شود. امامان گذشته از زمان حیات خودشان نگران وضعیت زمان غیبت آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بوده اند و برای رهایی زودتر ایشان و امتشان از رنجها و سختیهای این زمان دعا می کرده اند.

ائمه علیهم السلام از پیشگویی های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از غیبت طولانی آخرین وصی خود پیش از ظهورش خبر داده بودند، اطلاع داشتند. (1)

هم چنین از این که مدت زمان غیبت ایشان نامری قابل بداء می باشد نیز آگاه بودند. بنابراین ملاحظات، دعای ایشان برای تعجیل فرج آخرین امام علیه السلام به این منظور بوده که خداوند مدت زمان غیبت آن حضرت را کوتاه تر کند تا هم خود ایشان و هم منتظران ظهورش رنج کمتری از دوران غیبت متحمل شوند و وعده ای که خدا به اولیایش داده است، زودتر محقق گردد.

دعای امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خویش

باید توجه داشت که دعاهای ائمه علیهم السلام برای تعجیل فرج اختصاص به زمان امامان گذشته نداشته و تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام ادامه

1-1. به عنوان نمونه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: يظهر بعد غيبة طویلة، پس از غیبتی طولانی ظهور می کند. کمال الدین، باب 24، حدیث 2.

دارد. این حقیقت را می توانیم از دو جهت توضیح دهیم: یکی این که خود امام عصر علیه السلام هم برای جلو افتادن ظهورشان دعا می کنند و قطعاً هیچ فرد زنده ای در حال حاضر به اندازه خود حضرت اهتمام به این امر ندارد. دلیلی که می توانیم برای این ادعا ارائه نماییم، این است که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام يك عبادت بسیار ارزشمند و شریف است که روایات زیادی بر انجام آن تأکید کرده اند. هر کس درجه ایمانش بالاتر باشد، در عمل به این عبادت اهتمام بیشتری به خرج می دهد. روشن است که در زمان ما هیچ فرد زنده ای که ایمانش در رتبه امام عصر علیه السلام باشد، روی کره زمین یافت نمی شود. پس خود آن حضرت بیش از هر کس دیگری به این امر اهتمام دارند. برخی دعاهایی که از امام زمان علیه السلام در این خصوص نقل شده، نشانگر شدت این اهتمام است. نمونه روشن آن را در قسمتهایی از دعای «عبرات» ملاحظه کردیم. نمونه دیگر در قنوت نماز ایشان نقل شده که قسمتی از آن چنین است:

فانك اللهم قلت... «فلما آسفونا انتقمنا منهم».(1)

و ان الغاية عندنا قد تناهت و انا لغضبك غاصبون و انا على نصر الحق متعاصبون و الی ورود امرك مشتاقون و لا نجاز وعدك مرتقبون و لحلول وعيدك باعدائك متوقعون.(2)

پس خدایا تو خود فرمودی «پس ن گاه که ما را اسفناک ساختند، ما از ایشان انتقام گرفتیم» و به راستی که مهلت و فرصت (برای

1-1. زخرف، 55.

2-2. مهج الدعوات، صفحه 150 و 151.

ظالمان و جباران) نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو خشمگین هستیم و ما بر یاری حق، همدستان هستیم و به صدور فرمانت مشتاقیم و در انتظار تحقق وعده ات هستیم و چشم به راه فرارسیدن تهدیدهایت نسبت به دشمنانت هستیم.

در دعای دیگری هم که از وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام در تعجیل فرج خودشان نقل شده، چنین آمده است:

یا نور النور یا مدبر الامور... اجعل لی و لشیعتی من الضیق فرجاً و من الهم مخرجاً و اوسع لنا المنهج و اطلق لنا من عندك ما یفرج. (1)

ای نور روشنایی و ای تدبیر کننده امور... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی ها قرار بده و راه (پیروزی) را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آن چه فرج ما را برساند بر ما ارزانی دار. (2)

دعای دیگری از آن حضرت در قنوت نمازشان نقل شده که در آن، اصرار و الحاح ایشان بر درخواست تعجیل فرج از خدای متعال واضح و روشن می باشد. ایشان در این دعا پس از حمد و ثنای الهی، خدا را به ده اسم و به آن چه پیامبران اولوالعزم علیهم السلام دعا کرده اند، می خوانند. سپس به اسمی دعا می کنند که هر کس خدا را به آن بخواند، دعایش را اجابت می کند و در انتهای دعا با عبارات مختلف فرج خود را از خداوند

1-1. المصباح کفعمی، صفحه 305.

2-2. در مورد این دعا و دعای قبل و نیز درباره رنجها و گرفتاریهای امام عصر علیه السلام در زمان غیبت در درس چهاردهم از حلقه دهم توضیحاتی داده شد.

درخواست می نمایند:

يا من لا يخلف الميعاد انجز لي ما وعدتني و اجمع لي اصحابي و صبرهم و انصرتني على اعدائك و اعداء رسولك و لا تخيب دعوتي فاني عبدك ابن عبدك اين امتك اسيرين يدك... (1)

ای آن که خلف وعده نمی کنی، وعده ای را که به من فرموده ای، محقق فرما و یارانم را برایم جمع کن و به آنان صبر بده و مرا (برای غلبه) بر دشمنانت و دشمنان پیامبرت یاری کن و مرا از اجابت دعایم محروم مکن، همانا من بنده تو پسر بنده ات و پسر کنیزت اسیری در دستان تو هستم.

همان طور که مرحوم سید بن طاووس پس از نقل این قنوتها اشاره کرده اند، از عبارات این دعاها حال روحی ایشان هنگام خواندن آنها برای ما روشن می شود. نتیجه این که تنها باقیمانده الهی - حضرت بقیة الله ارواحنا فداه - از اهل بیت عصمت و طهارت در حال حاضر برای تعجیل فرج خودشان - که فرج همه انبیا و اولیای الهی است - همواره دعا می کنند. این يك جهت از این حقیقت است که گفتیم دعاهاى ائمه عليهم السلام تا زمان فرا رسیدن وعده فرج نهایی ایشان ادامه دارد.

دعای ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه عليهم السلام در حق امام عصر علیه السلام

جهت دوم این است که علاوه بر خود امام زمان علیه السلام، ارواح پاك ائمه طاهرین عليهم السلام و رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به همراه فرشتگان و

ارواح پیامبر الهی نیز در زمان غیبت امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج ایشان دعا می کنند. یعنی دعا در حق امام زمان علیه السلام منحصر به افراد زنده روی کره زمین نیست، بلکه ارواح برگزیدگان و اولیای خداوند هم در این عبادت بزرگ سهیم هستند و بعید نیست که در نهایت دعاهای ایشان باعث صدور اذن ظهور از جانب خدای متعال گردد.

ذکر يك نمونه زیبا از این دعاها بسیار آموزنده است. مرحوم نعمانی در بحث نشانه های پیش از ظهور امام زمان علیه السلام به سند خود از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

إذا كان ليلة الجمعة اهبط الرب تعالى ملكاً الى السماء الدنيا فاذا طلع الفجر جلس ذلك الملك على العرش فوق البيت المعمور، و نصب لمحمد و على و الحسن و الحسين عليهم السلام منابر من نور، فيصعدون عليها و تجمع لهم الملائكة و النبيون و المؤمنون، و تفتح ابواب السماء، فاذا زالت الشمس قال رسول الله صلى الله عليه و آله: يا رب ميعادك الذي وعدت به في كتابك، و هو هذه الآية:

وَعَدَ اللَّـهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (1)

ثم يقول الملائكة و النبيون مثل ذلك، ثم يخبر محمد و على و الحسن و الحسين سجداً، ثم يقولون: يا رب اغضب فانه قد هتك حریمك و

قتل اصفیاء و اذل عبادك الصالحون فی فعل الله ما یشاء و ذلك یوم معلوم. (1)

وقتی شب جمعه فرا برسد، پروردگار متعال فرشته ای را به پایین ترین آسمان فرو می فرستد. هنگام طلوع فجر آن فرشته روی عرش بر فراز بیت معمور می نشیند و منبرهایی از نور برای حضرت حمد صلی الله علیه و آله علی السلام و حسن و حسین علیهما السلام می گذارد، آنها بالای منبر می روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنان نزد آنانت گرد آورده می شوند و درهای آسمان گشوده می گردد. وقتی ظهر فرا می رسد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرضه می دارد: ای پروردگارم آن وعده ای را که در کتابت داده ای، برآورده فرما و آن این آیه است: وعد الله الذین آمنوا... آن گاه فرشتگان و پیامبران نیز همین را می گویند، سپس حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام به سجده می افتند و عرضه می دارند: خداوندا غضب فرما، چرا که حرمتت را هتک نمودند و برگزیدگانت به قتل رسیدند و بندگان شایسته ات خوار و ذلیل شدند، آن گاه خداوند آن چه بخواهد انجام می دهد و این روزی است که (نزد خداوند) معلوم می باشد.

از ظاهر عبارت حدیث استفاده می شود که این دعای با اصرار در نزدیکی های ظهور امام عصر علیه السلام تحقق می یابد و به همین جهت مرحوم نعمانی آن را در فصل مربوط به نشانه های پیش از قیام حضرت آورده است. بر این اساس، شب و روز جمعه ای که در این حدیث آمده،

مربوط به جمعه خاصی است که «یوم معلوم» نامیده شده است و شامل هر شب و روز جمعه نمی شود. مرحوم صاحب مکیال هم در توضیح آخرین جمله حدیث فرموده اند:

مراد زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الامر علیه السلام است، چنان چه در روایات دیگر تصریح شده». (1)

به هر حال این نمونه ای از دعاهای ارواح پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام و پیامبران و مؤمنان است که در عالم برزخ برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام به درگاه الهی عرضه می دارند. ما از آن عالم بی خبر هستیم، اما مسلم است که ارواح بندگان صالح خدا که برای انجام عبادت آزادی عمل دارند، از دعا برای تعجیل فرج گوتاهی نمی ورزند. این جهت دومی است که می توانیم بگوییم دعای اهل بیت عصمت و طهارت در حق آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله تا ظهور ایشان ادامه خواهد داشت.

درسی که ما از این همه اهتمام اهل بیت علیهم السلام برای دعا در حق امام عصر علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان می گیریم، این است که از انجام این عبادت ارزشمند کوتاهی نکنیم و در تاسی به آن بزرگواران، دعاهایی را که از آنان در این زمینه نقل شده، در صد دعاهای خود برای امام زمانمان قرار دهیم.

درس نهم: دعا در قنوت و سجده

در ادامه این فصل به نقل برگزیده ای از دعاهای مأثور درباره امام عصر علیه السلام می پردازیم که در مناسبتها یا موقعیتهای خاص خوانده می شود. اینها صرفاً از باب نمونه انتخاب شده اند و غرض، توجه کردن به گستره این دعاها و اهتمام ورزیدن به آنها در هر موقعیت مناسبی است این نمونه ها را در هفت عنوان دسته بندی می کنیم. در این درس دو عنوان از عناوین را مطرح می کنیم:

1 - دعا کردن در قنوت نماز

یکی از بهترین حالات انسان برای دعا کرن، حال قنوت نماز است.

ابوذر غفاری رحمه الله از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمودند:

اطولکم قنوتاً فی دار الدنیا اطولکم راحة یوم القیامة فی الموقف. (1)

1-1. ثواب الاعمال، صفحه 72.

هر کدام از شما که در سرای دنیا قنوتش طولانی تر باشد، در موقف روز قیامت راحتی اش طولانی تر خواهد بود.

از ائمه علیهم السلام دعاهای طولانی در قنوتهای نمازهایشان نقل شده که در این کتاب محل بحث ما نیست. در درس گذشته به دو قنوت از اما زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کردیم که در آنها برای تعجیل فرج خود و اصحاب و یارانشان دعا کرده اند. علاوه بر اینها دعاهای مختصرتری که در همه اوقات خوانده می شود، در قنوت نباید فراموش گردد. دعای معروف:

اللهم كن لوليک محمد بن الحسن المهدی فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصرأ و دليلاً و عيناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً. (1)

مطابق آن چه درسندش آمده، در همه اوقات خوانده می شود، پس می توانیم در قنوت نمازهای خود به خواندن آن مقید شویم.

دعا در قنوت نماز وتر

یکی از نمازهایی که قنوتش بسیار مهم و با فضیلت است، نماز وتر می باشد که آخرین رکعت از نماز شب محسوب می شود. در صدر همه مؤمنانی که باید در قنوت نماز وتر دعایشان کرد، وجود مقدس امام عصر علیه السلام هستند که مهمترین دعا در حق ایشان دعا برای تعجیل

1-1. المصباح کفعمی صفحه 586، این دعا در فلاح السائل، صفحه 46، و البد الامین، صفحه 203، و کافی، جلد 4، صفحه 162 و مستدرک الوسائل، جلد 7، صفحه 483، با اختلاف بسیار جزئی در برخی الفاظ آن نیز نقل شده است.

فرجشان است.

امام باقر علیه السلام به زراره فرمودند:

قنوت در نماز وتر مانند قنوت در روز جمعه است که در دعای قنوت می گویی:

اللهم ثم نورك فهديت ... اللهم اليك نشكو غيبة نبينا(1)

و شدة الزمان علينا و وقوع الفتن بنا و تظاهر الاعداء و كثرة عدونا و قلة عددنا ففرج ذلك يا رب بفتح منك تعجله و نصر منك تعزه و امام عدل تظهره اله الحق رب العالمين.(2)

خدایا نور تو کامل شد پس هدایت فرمودی ... خدایا تنها به تو شکایت می کنیم از غیبت پیامبرمان صلی الله علیه و آله و سختی زمانه بر او گرفتار شدنمان به فتنه و پشیمانی دشمنان از یکدیگر و زیادی دشمنان و کم بودن تعدادمان، پس ای پروردگار من این مشکلات را رفع کن با پیروزی از جانب خودت که آن را زودتر می رسانی، و یاری کردن خود که آن را عزیز می شماری، و پیشوای عدل که او را آشکار می فرمایی. ای معبود حق، پروردگار جهانیان.

در آغاز دعا به تمام شدن نور پروردگار اشاره شده که این نور هر چه باشد، مخلوقی از مخلوقات خداست که هدایت او به سبب آن نور صورت می گیرد. سپس در انتهای دعای قنوت از نبودن پیامبر صلی الله علیه و آله در

1-1. در جمال الاسبوع، صفحه 257، عبارت چنین است: اللهم اليك نشكو فقد نبينا و غيبة ولينا.

2-2. بحار الانوار، جلد 87، صفحه 198، حدیث 6، به نقل از امالی صدوق.

میان امت و سختی های زمانه و زیادی دشمنان و کمی یاران شکایت کرده اند و راه نجات از این گرفتاری ها را ظهور امام عدل (پیشوای عدالت) دانسته اند. این دعا در قنوت نماز وتر خوانده می شود و پس از آن به فرموده امام باقر علیه السلام 70 مرتبه با این دعا استغفار می کنند: استغفر الله و اتوب الیه سپس فرمودند:

زیاد از آتش به خدا پناه می بری و پس از سلام دادن نماز وتر سه بار می گویی:

سبحان ربی الملك القدوس العزیز الحکیم.

و نیز سه بار می گویی:

الحمد لرب الصبح الحمد لخالق الاصبح. (1)

دعای قنوت نماز جمعه

دعای قنوت یگر مربوط به نماز جمعه است که امام رضا علیه السلام به مقاتل بن مقاتل فرمودند این گونه بخواند:

اللهم اصلح عبدك و خليفتك بما اصلحت به انبياءك و رسلك و حفه بملائكتك و ایده بروح القدس من عندك و اسلكه من بين يديه و من خلفه رسداً يحفظونه من كل سوء و ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئاً و لا تجعل لاحد من خلقك على وليك سلطاناً و اذن له في جهاد عدوك و عدوه واجعلني من انصاره انك على

کل شیء قدیر. (1)

خدایا (کار) بنده و خلیفه ات را به آن چه (کار) پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، اصلاح کن و او را با فرشتگانت بیوشان (در حمایت فرشتگانت قرار ده) و با روح القدس از جانب خود تأییدش فرما و از روبرو و پشت سرش مراقبانی قرار ده که او را از (اصابت) هر بدی محافظت کنند و ترس او را تبدیل به امنیتی گردان که تو را بپرستد و هیچ شرکی به تو روا ندارد و هیچ يك از آفریدگانت را بر ولایت مسلط مکن و برای او اجازه جهاد با دشمنت و دشمن خودش صادر فرما و مرا از یاوران او قرار ده. همانا که تو بر هر امری توانا هستی.

2- دعا در حال سجده

یکی از حالات بسیار مناسب برای دعا در حق امام عصر علیه السلام حال سجده است. سعید بن یسار از امام صادق علیه السلام پرسیده است که آیا در حال رکوع دعا کنم یا در حال سجده، حضرت پاسخ دادند:

ادع وانت ساجد فان اقرب ما يكون العبد الى الله و هو ساجد ادع الله عزوجل لدنياك و آخرتك. (2)

در حال سجده دعا کن زیرا نزدیکترین حالت بنده به خداوند هنگام سجده است. خدای عزوجل را برای دنیا و آخرت بخوان.

1-1. بحار الانوار، جلد 89، صفحه 251، حدیث 69، به نقل از المصباح.

2-2. همان جلد 85، صفحه 131 و 132، حدیث 6.

طبق این فرمایش نزدیکترین حالت بنده به خدا حال سجده است که باید برای دنیا و آخرتش دعا کند. چه دعایی برای دنیا و آخرت انسان مهمتر از دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان است؟ خوب است یادآور شویم که این سنت نیکو - دعا برای تعجیل فرج در حال سجده - را خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در ابتدای ولادت انجام داده اند. جناب حکیمه خاتون نقل کرده است که وقتی بلافاصله پس از به دنیا آمدن آخرین حجت الهی - مادرش - حضرت نرجس خاتون - را دیده، چنان نوری ایشان را احاطه کرده بود که چشم توان دیدن آن را نداشت و در همین حال کودک تازه به دنیا آمده را مشاهده نموده که صورت و زانوان خود بر زمین گذارده و در حالی که انگشتان سبابه خود را بلند فرموده، چنین می گوید:

اشهد ان لا اله الا الله [وحده لا شريك له] و ان جدی محمداً رسول الله و ان ابی امیر المؤمنین.

سپس يك يك امامان را اسم می برد تا به خودش می رسد، سپس می گوید:

اللهم انجز لی ما وعدتني و اتمم لی امری و ثبت و طاتی و املا الارض بی عدلاً و قسطاً. (1)

خدایا وعده ای را که به من فرمودی، عملی کن و کار مرا برابرم به انجام برسان و گام مرا استوار بدار و زمین را به واسطه من از عدل و داد پر فرما.

ملا-حظه می کنیم که امام زمان ما اولین اقدامی که بلافاصله پس از تولد خویش انجام داده اند، دعا برای فرج بوده است و این نشانگر اهمیت خاص این عبادت - خصوصاً در حال سجده - نزد آن حضرت می باشد. ما هم می توانیم به آن بزرگوار تأسی نموده و در سجده های خود - به خصوص در حال نماز - برای تعجیل فرج ایشان دعا کنیم.

حداقل آن اضافه کردن دعای عجل فرجهم به صلواتی است که در حال سجده - پس از ذکر سجده - می خوانیم.

درس دهم: دعا در تعقیب نمازها (1)

اشاره

در این درس و درس بعد به ذکر نمونه هایی از دعاهایی که در تعقیب نمازها برای امام عصر علیه السلام خوانده می شود، می پردازیم.

3- دعا در تعقیب نماز

یکی از مواقع استجاب دعا، خواندن آن پس از نماز به خصوص نمازهای واجب می باشد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

ان الله عزوجل فرض علیکم الصلوات فی احب الاوقات الیه فاسالوا الله حوائجکم عقبی فرائضکم. (1)

خای عزوجل نمازها را در بهترین زمانها نزد خود، بر شما واجب فرمود، پس رفع نیازهای خود را به دنبال نمازهای واجب خود از خداوند بخواهید.

البته بنابر بعضی روایات، پس از ادای هر فریضه دیگر غیر از نماز

1-1. بحار الانوار، جلد 85، صفحه 15، به نقل از عدة الداعی.

هم، خداوند وعده اجابت دعا داده است. (1)

اما بحث ما فعلاً در خصوص دعا پس از نماز می باشد تعقیب نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و هر عمل خوب دیگری مانند گریه برای خدا گفته می شود که بلافاصله پس از ادای نماز انجام می شود. نباید کار دیگری بین نماز و تعقیب آن فاصله بیندازد به صورتی که در نگاه بیننده، مشغول به غیر نماز و تعقیب تلقی شود. بنابراین اگر در حال سفر نیست، باید در محل نماز خود بنشیند و به دعا و امثال آن پردازد. اگر مصلاهی خود را ترك کند و سپس دعا نماید، تعقیب صدق نمی کند. البته لازم نیست حتماً دعاهای مأثور خوانده شود، بلکه هر دعایی به هر زبانی می توان کرد، اما خواندن دعاهای منقول از ائمه علیهم السلام افضل می باشد. (2)

علاوه بر تشویق های فراوانی که نسبت به خواندن تعقیبات نماز صورت گرفته، در برخی احادیث دعا نکردن پس از ادای نماز مذمت شده است. به عنوان نمونه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

إذا فرغ العبد من الصلاة و لم يسأل الله تعالى حاجته يقول الله تعالى لملائكته انظروا الى عبدی فقد ادى فریضتی و لم يسأل حاجته منی کانه قد استغنی عنی خذوا صلاته فاضربوا بها وجهه. (3)

اگر بنده از نماز فارغ شود و (رفع) نیاز خود را از خدای متعال در خواست نکند، خداوند متعال به فرشتگان می گوید: نگاه کنید

1-1. بحار الانوار، جلد 85، صفحه 322، حدیث 10، به نقل از المحاسن.

2-2. العروة الوثقی، جلد 1، صفحه 703.

3-3. بحار الانوار، جلد 85، صفحه 325، حدیث 18.

به بنده من، واجب مرا ادا کرده و (رفع) حاجت خود را از من نخواستہ است، گویی خود را از من بی نیاز احساس می کند.

نمازش را بگیرد و آن را به صورتش بزند.

زدن نماز به صورت نمازگزار کنایه از پذیرفته نشدن آن نماز است.

این حدیث هشدار می دهد که انسان نباید نسبت به دعا کردن پس از نماز بی اعتنا باشد. حداقل آن، فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام است که دعای بسیار مهم و شریفی است و نباید از خواندن آن بعد از نماز غفلت نمود. اما دوستداران امام عصر علیه السلام از این موقعیت ویژه که به طور عادی روزی پنج بار برایشان پیدا می شود، فرصت مغتنمی می یابند تا برای بزرگترین و مهمترین حاجت خود و دیگران - که در رأس آنها وجود مقدس امام زمان علیه السلام است - دعا کنند.

حیف است که مؤمنان این همه فرصت طلایی را از دست بدهند و کاری برای تعجیل فرج مولایشان انجام ندهند.

در احادیث ائمه علیهم السلام تعقیبات متعدد مفصلی در همین خصوص نقل شده که ما در این کتاب به برخی از آنها اشاره می کنیم و علاقه مندان به مطالعه بیشتر را به کتاب شریف «مکیال المکارم» رجوع می دهیم. (1)

تغیب اول نماز واجب

اولین مورد دعایی است که از حضرت جواد الائمه علیه السلام نقل شده و شامل دعاهاى مفصلی در حق امام زمان علیه السلام می باشد.

رضیت بالله رباً، وبالاسلام دیناً، وبالقرآن کتاباً و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیاً، و بعلى علیه السلام ولیاً، و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة بن الحسن بن علی علیهم السلام ائمة، اللهم وليك الحجة، فاحفظه من بيان يديه و من خلقه و عن يمينه و عن شماله و من فوقه و من تحته، و امدد له فى عمره و اجعله القائم بامرک، المستنصر لدينک، و اره ما يحب و تقر به عينه فى نفسه و ذريته و فى اهله و ماله، و فى شيعته و فى عدوه، و ارههم منه ما يحذرون، و اره فيهم ما يحب، و تقر به عينه، و اشف به صدورنا و صدور قوم مؤمنين. (1)

به خداوند به عنوان پروردگار و اسلام به عنوان دین و قرآن به عنوان کتاب (آسمانی) و حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر و حضرت علی علیه السلام به عنوان ولی (خدا) و به حضرات حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد

و حسن بن علی و حجة بن الحسن بن علی علیهم السلام به عنوان امامان (از جانب خدا) راضی و خشنود شدم. خداوند ولی خود حضرت حجت علیه السلام را از پیش رو و از پشت و از راست و چپ و بالا- و پایین (یعنی از هر جهت) حفظ فرما و عمر ایشان را طولانی گردان و او را از قیام کننده به امرت و یاری جوینده برای دینت قرار ده و به او آن چه دوست دارد و باعث چشم روشنی اش - در مورد خودش و فرزندان و اهل و مال و شیعیان و دشمنانش - می شود، نشان بده و به دشمنان حضرت از ایشان چیزی را که از آن می ترسند، نشان بده و به خود آن حضرت در مورد دشمنانش چیزی را که مورد علاقه او و باعث چشم روشنی اش هست، بنما و به سبب آن حضرت دلهای ما و دلهای اهل ایمان را شفا ببخش.

ملاحظه می شود که در این دعا چه دعاهایی زیبایی در حق امام عصر علیه السلام از زبان امام نهم علیه السلام صادر شده است.

تعقیب دوم برای نماز واجب

مورد دوم تعقیبی است که مداومت بر خواندن آن، آثار و برکات خاصی دارد. یکی از این برکات، تشریف پیدا کردن خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. اصل حدیث مطابق نقل مرحوم ابونصر طبرسی چنین است:

روی ان من دعا بهذا الدعاء عقیب کل فریضة و واضب علی ذلك عاش حتی یمل الحیاة و یشرف بقاء صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه و هو: «اللهم صلی علی محمد و آل محمد

اللهم ان رسولك الصادق المصدق صلواتك عليه و آله قال: انك قلت ما ترددت في شيء انا فاعله كترددى في قبض روح عبدى المؤمن بكرة الموت و انا اكره مساءته اللهم فصل على محمد و آل محمد و عجل لاوليائك الفرج و النصر و العافية و لا تسؤنى فى نفسى و لا فى ...» قال: و تذكر من شئت. (1)

روایت شده که هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و نسبت به آن مراقبت داشته باشد، چندان زندگی کند که از زنده بودن ملول گردد و به دیدار صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه مشرف شود و دعا این است: خدایا بر محمد و آل محمد صلوات فرست. خداوندا همانا فرستاده راستگو و مورد تأیید تو - که صلوات تو و او و خاندانش باد - فرمود که تو فرموده ای: من - در اموری که خودم انجام دهنده اش هستم - (از اراده خود) برنگشته ام (صرف نظر نکرده ام) چنان که در مورد قبض روح بنده مؤمنم (از اراده خود) بر می گردم (صرف نظر می کنم)، او از مرگ کراهت دارد در حالی که من از ناراحتی او کراهت دارم. خداوندا پس بر محمد و آل محمد صلوات فرست و هرچه زودتر گشایش و یاری و عافیت را برای اولیای خود برسان و مرا در مورد خودم و ... ناراحت مگردان. فرمود: و (غیر از خودت) هر که را می خواهی ذکر کن

در این دعای شریف يك حدیث قدسی از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نقل شده که احترام و ارزش بنده مؤمن را نزد خداوند به خوبی روشن می سازد. خدای متعال می فرماید: گاهی اراده من به قبض روح بنده مؤمنم تعلق می گیرد. اما خود او از مرگ کراهت دارد. در این صورت چون من هم از ناراحتی او کراهت دارم، از اراده خود بر می گردم. و لذا او را - با حال کراهت از مرگ - قبض روح نمی کنم. بنابراین خداوند - مطابق آن چه در احادیث دیگر بحث «تردد» آمده است - یا فعلاً مرگ او را به تأخیر می اندازد و یا این که کراهت او را با ارسال گلهای خوشبویی - که آنها را استشمام می کند - از بین می برد و با میل و رغبت خودش، او را می میراند.

با توجه به این حدیث قدسی، وقتی می گوئیم: «لاتسؤنی فی نفسی» مقصود این است که: «خداوندا مرا - با وجود کراهت از مرگ - قبض روح مکن چون خودت فرمودی که از ناراحتی مؤمن کراهت داری» و وقتی می گوئیم: «لا- تسؤنی فی نفسی و لا فی...» یعنی: «همین کار (قبض نکردن با وجود کراهت از مرگ) را در حق شخص یا اشخاص دیگری که در این دعا ذکر می کنم، انجام بده». به همین جهت است که فرموده اند: اگر کسی مواظبت بر خواندن این دعا کند، از زنده ماندن خسته و ملول می شود. مقصود این است که در هنگام قبض روحش، از مرگ کراهت ندارد، بلکه با میل و رغبت خودش از دنیا می رود. هم چنین چون بنده مؤمن آرزوی درك محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه و یاری رساندن به ایشان را دارد، از خدا تعجیل در فرج آن حضرت را تقاضا می کند و خدای متعال هم لطف فرموده او را - اگر هنوز زمان ظهور نرسیده باشد - قبل از مرگ به شرف لقای محبوبش

می رساند و این دعا در حق هر کس که مستجاب شود، همین آثار و برکات را خواهد داشت. (1)

تعقیب سوم در نمازهای واجب

سومین تعقیب نماز که شامل دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می باشد، در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

ان من حقوقنا علی شیعتنا ان یعصوا بعد کل فریضة ایدیهم علی اذقانهم و یقولوا ثلاث مرات: یا رب محمد عجل فرج آل محمد صلی الله علیه و آله، یا رب محمد احفظ غیبة محمد صلی الله علیه و آله یا رب محمد انتقم لابنة محمد صلی الله علیه و آله. (2)

یکی از حقوق ما بر شیعیانمان این است که پس از ادای هر نماز واجب دستان خود را بر چانه هایشان بگذارند و سه بار بگویند: ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله فرج آل محمد علیهم السلام را زودتر برسان، ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله غیبت محمد صلی الله علیه و آله را حفظ فرما، ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله انتقام دختر محمد صلی الله علیه و آله را بگیر!

دعاهای مختصر زیبایی است که در آن تعجیل فرج امام زمان علیه السلام به تعبیر مختلف درخواست شده است. انتقام حضرت صدیقه اطهر علیهم السلام که مظلومانه به شهادت رسیدند، به دست مبارك فرزندش امام مهدی علیه السلام صورت خواهد پذیرفت، پس دعا برای انتقام خون شهیده

1-1. در مورد بحث تردد و آثار این دعای شریف در درس سیزدهم از حلقه هفتم بحث شده است.

2-2. مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 7، حدیث 1048، به نقل از کتاب جمال الصالحین.

مظلومه حضرت زهراى مرضيه عليها السلام در حقيقت دعا براى فرج امام زمان عليه السلام مى باشد.

تجديد عهد با امام عصر عليه السلام بعد از نماز واجب

تعقيب ديگرى كه پس از اداى نمازهاى واجب خوانده مى شود، تجديد عهدى است با امام عصر عليه السلام كه شامل دعاهاى زيبايى در حق آن حضرت، و براى خود دعا كننده مى باشد. متن كامل اين دعا مطابق نقل مرحوم علامه مجلسى از امام صادق عليه السلام چنين است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان اينما كان و حيثما كان من مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها عنى و عن والدى و عن ولدى و اخوانى التحية و السلام عدد خلق الله و زنة عرش الله و ما احصاه كتابه و احاط علمه اللهم انى اجدد له فى صبيحة هذا اليوم و ما عشت فيه من ايام حياتى عهداً و عقداً و بيعة لى فى عنقى لا- احول عنها و لا ازول اللهم اجعلنى من انصاره و نصاره الذابين عنه و الممثلين لاوامره و نواهيه فى ايامه و المستشهدين بين يديه اللهم فان حال بينى و بينه الموت الذى جعلته على عبادك حتماً مقضياً فاخرجنى من قبرى موتزراً كفنى شاهراً سيفى مجرداً قناتى ملبياً دعوة الداعى فى الحاضر و البادى اللهم ارنى الطلعة الرشيدة و الغرة الحميدة و اكحل بصرى بنظرة منى اليه و

عجل فرجه و سهل مخرجه اللهم اشدد ازره و قو ظهره و طول عمره اللهم اعمر به بلادك و احى به عبادك فانك قلت و قولك الحق ظهر الفساد فى البر و البحر بما كسبت ايدى الناس فاطهر اللهم لنا وليك و ابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه و آله حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه و يحق الله بكلماته و بحققه اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بظهوره انهم يرونه بعيداً و نراه قريباً و صلى الله على محمد و آله.

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، حضرت امام «م ح م د» بن الحسن علیه و علی آبائه السلام - را در بیداری یا در خواب خواهد دید. (1)

دیدن آن حضرت در خواب یا در بیداری باعث ازدیاد معرفت و محبت انسان به آن بزرگوار می گردد.

این چهار نمونه از تعقیبات مشترکه است که پس از هر نماز واجب برای تعجیل فرج مولایمان خوانده می شود. علاوه بر اینها تعقیبات مخصوصه ای هم از اهل بیت علیهم السلام نقل شده که اختصاص به بعضی از نمازهای واجب یومیه دارد. در درس بعد به نمونه هایی از این دعاها اشاره خواهیم کرد.

1-1. بحار الانوار، جلد 86، صفحه 61، حدیث 69، به نقل از اختیار ابن الباقی.

درس یازدهم: دعا در تعقیب نمازها (2)

اشاره

در این درس به ذکر نمونه ای از تعقیبات مخصوصه ای که به بعضی از نمازها اختصاص دارد و در آن برای فرج امام عصر علیه السلام دعا می شود، می پردازیم.

تعقیب نماز ظهر

یکی از این تعقیبات مخصوص نماز ظهر است که امام صادق علیه السلام بعد از ادای نماز در حالی که دستان خود را به سوی آسما نبلند کرده بودند، چنین دعا فرمودند:

ای سامع کل صوت ای جامع کل فوت ای باری کل نفس بعد الموت ای باعث ای وارث ای سید السادة ای اله الالهة ای جبار الجبابرة ای
ملك الدنيا و الاخرة ای رب الارباب ای ملك الملوك ای بطاش ای ذا البطش الشدید ای فعلا لما یرید ای محصى عدد الانفاس و نقل
الاقدام ای من السر عنده علانية ای مبدی ای معید اسالك بحقك علی

خيرتك من خلقك و يحقهم الذي اوجبت لهم على نفسك ان تصلى على محمد و آل محمد اهل بيته و ان تمن على الساعة بفكاك رقبتى من النار و انجز لوليک و ابن نبيک الداعى اليک باذنک و امينک فى خلقک و عينک فى عبادک و حجتک على خلقک على صلواتک و برکاتک و عده اللهم ايده بنصرک و انصر عبدک و قوا اصحابه و صبرهم و افتح لهم من لدنک سلطاناً نصيراً و عجل فرجه و امکنه من اعداءک و اعداء رسولک يا ارحم الراحمين. (1)

ای شنونده هر صدا، ای جمع آورنده همه فوت شوندگان، (2)

ای آفریننده هر کس بعد از مرگ، ای مبعوث کننده، ای ارث برنده، ای آقای آقاها، ای مبعود معبودان، (3)

ای قدرتمندی که بر همه جباران مسلط هستی، ای پادشاه پادشاهان، ای قدرتمند بسیار توانا، ای آن که می توانی (هر کس و هر چه را بخواهی) با قدرت اخذ کنی، ای انجام دهنده هر چه را بخواهی، ای احاطه کننده بر تعداد نفسها و جا به جایی قدمها، ای آن که رازها برای او آشکار و عیان است، ای به وجود آورنده، ای خلق کننده مجدد (در

1-1. بحار الانوار، جلد 86، صفحه 62، حدیث 1، به نقل از فلاح السائل.

2-2. به نظر مرحوم شیخ بهایی منظور از «فوت» در عبادت دعا، «فاقت» است و ما در ترجمه چنین معنایی را در نظر گرفتیم. بحار الانوار، جلد 86، صفحه 63، به نقل از بیان علامه مجلسی.

3-3. مقصود چیزهایی هستند که به غلط به عنوان معبود گرفته شده اند.

قیامت)، از تو حقی که بر برگزیدگان از آفریدگانت داری و به حقی که برای آنان بر خودت واجب کرده ای، می خواهم که بر محمد و آل محمد که اهل بیت او هستند درود بفرستی و در همین ساعت با آزاد کردن من از آتش بر من منت گذاری و وعده (ظهور) او را برای ولایت و پسر پیغمبرت - که به اجازه تو به سوی تو دعوت می کند - و امانت دار تو در میان آفریدگانت و چشم تو در بین بندگانت و حجت تو بر آفریدگانت - که صلوات و برکات تو بر او باد - محقق فرمایی. خدایا او را با یاری کردن خود تأیید نما و بنده ات را یاری کن و یارانش را قوی گردان و به آنان صبر عطا فرما و برای آنان از جانب خودت راه سلطه پیروز کننده ای را بازگردان و در فرج او تعجیل فرما و او را بر دشمنانت و دشمنان پیامبرت مسلط کن، ای ارحم الراحمین.

راوی وقتی دعای حضرت را شنید، پرسید:

فدایتان شوم، آیا برای خودتان دعا نکردید؟

حضرت فرمودند:

قد دعوت لنور آل محمد صلی الله علیه و آله و سابقهم و المنتقم بامر الله من اعداءهم.

برای نور آل محمد صلی الله علیه و آله و سبقت گیرنده آنان و آن که به امر خداوند از دشمنان آنان انتقام می گیرد، دعا کردم.

با این تعابیر راوی متوجه می شود که مقصود امام صادق علیه السلام، آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بوده که منتقم خون همه اهل بیت علیهم السلام است. لذا می پرسد که ظهور ایشان چه وقت خواهد بود.

امام می فرمایند:

ان شاء من له الخلق و الامر. (1)

هر وقت کسی که آفرینش و امر کردن به دست اوست، بخواهد.

ملاحظه می شود که امام صادق علیه السلام برای معرفی امام عصر علیه السلام چه تعابیر زیبا و عمیقی به کار برده اند. «نور آل محمد صلی الله علیه و آله» بسیار تعبیر عجیبی است. آل محمد صلی الله علیه و آله همگی نورند و نور همه آفرینش هم از ایشان است. آن، چه وجود مقدس و مطهری است که نور این انوار نامیده شده است؟ ما از درک عظمت این نور الهی قطعاً عاجزیم، اما می دانیم که هر چه بر معرفت ما نسبت به آن حضرت افزوده شود، به ادراک مقام نورانی ایشان يك قدم نزدیکتر می شویم. هر چند که هیچ گاه ایشان را چنان که هستند، نخواهیم شناخت، اما از آن چه می توانیم برسیم - البته به لطف و عنایت خودشان - هم نباید چشم بپوشیم.

تعبیر «سابقهم» نیز برای ما - به طور قطعی - قابل درک نیست.

حضرتش بر سایر ال محمد صلی الله علیه و آله در چه چیزی سبقت گرفته اند؟ شاید مراد این باشد که ایشان اولین فرد از آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که وعده های الهی - که در آیه 55 سوره نور 2

وَعَدَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (2)

آمده است - به دست ایشان محقق خواهد شد و بقیه اهل بیت علیهم السلام پس از ایشان در هنگام رجعت، ادامه دهندگان راهشان خواهند بود. این احتمالی است که به ذهن ما می رسد ممکن است معنای دیگری مورد نظر امام صادق علیه السلام بوده باشد. صفت سومی که برای امام زمان علیه السلام به کار برده اند، معنایش

1-1. بحار الانوار، جلد 86، صفحه 62، به نقل از فلاح السائل.

2-2. نور، 55.

روشن است که توضیح داده شد. می بینیم که امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز ظهر خود، برای تعجیل فرج امام دوازدهم علیه السلام به صرات دعا فرموده اند.

تعقیب نماز عصر

تعقب دیگر اختصاص به نماز عصر دارد که از زبان مبارک امام هفتم علیه السلام درباره دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام صادر شده است.

متن دعا این است:

انت الله لا اله الا انت الاول والاخر والظاهر والباطن وانت الله لا اله الا انت اليك زيادة الاشياء ونقصانها انت الله لا اله الا انت خلقت خلقك بغير معونة من غيرك ولا حاجة اليهم وانت اله لا اله الا انت منك المشية واليك البداء انت الله لا اله الا انت قبل القبل وخالق القبل انت الله لا اله الا انت بعد البعد وخالق البعد انت الله لا اله الا انت تمحو ما تشاء و ثبت وعندك ام الكتاب انت الله لا اله انت غاية كل شىء و وارثه انت الله لا اله الا انت لا يعزب عنك الدقيق ولا الجليل انت الله لا اله الا انت لا تخفى عليك اللغات ولا تشابه عليك الاصوات كل يوم انت فى شأن لا يشغلك شأن عن شأن عالم الغيب و اخفى ديان يوم الدين مدبر الامور باعث من فى القبور محيى العظام و هى رميم اسالك باسمك المكنون المخزون الحى القيوم الذى

لا يخيّب من سالك من اسالك ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تجعل فرج المنتقم لك من اعدائك و انجز له ما وعدته يا ذا الجلال و الاكرام. (1)

تو خدایی هستی که جز تو - که اول و آخر و ظاهر و باطنی - معبود نیست و تو خدایی هستکی که جز تو معبودی نیست، زیادی و کمی همه چیز تنها به دست توست و تو خدایی هست که جز تو معبودی نیست، آفریدگان خود را بدون کمک گرفتن از غیر خودت و بدون نیازی به آنها خلق کردی و تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، خواستن (مشیت) از توست و اختیار بداء هم با توست، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، پیش از قیل بوده ای و خالق قیل هستی. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، پس از بعد خواهی بود و خالق بعد هستی، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، آن چه را که بخواهی محو و (آن چه را بخواهی) اثبات می کنی و ام الكتاب نزد توست.

تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، ریز و درشتی از تو پوشیده نمی باشد. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، زبانها (ی مختلف) از تو مخفی نمی ماند و صداها (ی گوناگون) برایت اشتباه نمی شود. هر روز در کار (جدید) هستی که هیچ کاری تو را از کار دیگر باز نمی دارد، دانای به غیب و (امور) مخفی تر هستی، حاکم روز جزا، تدبیر کننده امور، برانگیزاننده اهل قبور، زنده کننده استخوانهای پوسیده هستی. از تو

می خواهم به اسم پوشیده و محفوظ خودت که (آن اسم) حی قیوم است، همان (اسمی) که هر کس به آن از تو بخواهد، دست خالی نمی ماند، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله درود بفرستی و در فرج انتقام گیرنده خودت از دشمنانت تعجیل فرمایی و آن چه را به او وعده داده ای، محقق فرما. ای صاحب جلال و اکرام.

راوی می گوید در بغداد خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم که پس از اتمام نماز عصر، در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده بودند، این دعا را خواندند از ایشان پرسیدم:

برای چه کسی دعا فرمودید؟ فرمودند:

ذاك المهدى من آل محمد صلى الله عليه وآله ... بابي المنتدح البطن المقرون الحاجبين احمش الساقين بعيد ما بين المنكبين اسمر اللون يعتوره مع سمرته صفرة من سهر الليل بابي من ليله يرعى النجوم ساجداً وراكعاً باب من لا ياخذ في الله لومة لائم مصباح الدجى بابي القائم بامر الله. (1)

او مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله است ... پدرم فدای آن کشیده شکم، پیوسته ابرو، باریک ساق، چهار شانه، گندمگونی که زردی ناشی از شب زنده داری به آن آمیخته شه است. پدرم فدای آن که شب خود را در حال سجود و رکوع به مراقبت از ستارگان می گذراند. پدرم فدای کسی که در راه خدا ملامت هیچ ملامت

کننده ای در او اثر نمی گذارد. چراغ تاریکی ها، پدرم فدای قیام کننده به امر خداوند.

در این چند سطر امام هفتم علیه السلام چهار بار تعبیر «بابی...») را در مورد فرزندشان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه به کار برده اند. بسیار قابل تأمل است که حجت معصوم خداوند که خود مقام امامت عظمی داشته اند، در حق يك امام دیگر چنین سخن بگویند. یعنی پدرشان را که - ایشان هم امام بوده اند - فدای آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بدانند. اوصافی هم که برای معرفی این تنها باقیمانده الهی به کار برده اند، قابل توجه است. گویی حضرت را می دیدند که با چه سیمای زیبایی به عبادت می پردازند. آن چه امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرموده اند، بیان حال فعلی امام زمان ماست که سالهای سال بلکه قرنهای طولانی چنین بوده اند.

اکنون بیش از 1170 سال از این حالات مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله می گذرد که شب زنده داریش صورت مبارکش را به رنگ گندمی مایل به زرد در آورده و هر شب در حال عبادت خدا از ستارگان آسمان مراقبت و محافظت می فرماید (شاید برای ملاحظه وقت نماز باشد).

آری، آسمان و ستارگانش، بلکه همه ساکنان آسمان، بالاتر، همه عالم هستی تحت رعایت و عنایت آن وجود گرامی اداره می شود. اگر عنایت او نباشد، کیان هستی به هم می ریزد و سنگ روی سنگ بند نمی شود. آیا عالم هستی به طفیل او نیست؟ پس همه زمینیان باید فدای او گردند، چون همگان طفیلی او زنده اند و از نعمتهای الهی به واسطه او بهره می برند. چقدر زیباست که وقتی این تعقیب نماز عصر را می خوانیم، به یاد داشته باشیم که گوینده آن پدرش را فدای حضرت ولی عصر علیه السلام می دانست، آن موعود منتظر چه عظمتی دارد که جد شریفش این گونه

در حقیقت سخن می‌گوید؟! اما جان ناقابل ما در مقایسه با نفس شریف امام صادق علیه السلام ارزشی ندارد که قابل ذکر باشد. باید از حضرتش ملتزمانه بخواهیم که به فضل و کرم خویش لیاقت فدا شدن در آستان مقدسش را عطایمان فرماید و آرزوی شهادت در رکابشان را به دلهایمان نگذارد.

تعقیب نماز صبح و عصر

یکی دیگر از تعقیبات نمازهای واجب که در آن، دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام مطرح شده، دعای بسیار مهم صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان به همراه درخواست تعجیل فرج برای آنان است. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

من قال بعد صلاة الفجر وبعد صلاة الظهر: اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم، لم يمت حتى يدرك القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله. (1)

هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» نمی‌میرد مگر آن که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درک نماید.

این دعای شریف را در هر زمانی می‌توان خواند در عین کوتاهی فضیلت فوق العاده ای دارد، اما در مورد تعقیبات نماز صبح و ظهر، به خصوص وارد شده است. بنابراین در این دو حالت به نیت ورود هم می‌توان این دعا را خواند. وعده ای که امام صادق علیه السلام برای این عمل

1-1. بحار الانوار، جلد 86، صفحه 77، حدیث 11، به نقل از جنة الامان.

ارزشمند فرموده اند، همان آرزویی است که همه اولیای الهی در طول تاریخ از خداوند درخواست می کرده اند. درك زمان ظهور امام زمان علیه السلام و توفیق یاری ایشان بزرگترین پاداشی است که منتظران آن حضرت از خدا می طلبند و از فضل پروردگار بعید نیست که به خاطر انجام يك عمل به ظاهر ساده و آسان (گفتن صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم پس از نماز صبح و ظهر) این پاداش عظیم و آرزوی بسیار مهم را برآورده سازد. ارزش يك عمل به حجم ظاهری آن مربوط نمی شود.

تعقیب دو رکعت اول نماز شب

علاوه بر تعقیبات نمازهای واجب، پس از نمازهای مستحبی هم دعا برای تعجیل فرج مولایمان بسیار بسیار پسندیده و مطلوب است. در این جا به ذکر يك نمونه از تعقیبات نمازهای نافله اکتفا می کنیم. این دعا پس از دو رکعت اول نماز شب (یا هر دو رکعت نماز شب) [\(1\)](#) خوانده می شود. متن دعا مطابق نقل مرحوم علامه مجلسی این است:

اللهم انی اسالك و لم یسال مثلك، انت موضع مسألة السائلین، و منتهی رغبة الراغبین، ادعوك و لم یدع مثلك، و ارغب الیک و لم یرغب الی مثلك، انت مجیب دعوة المضطربین، و ارحم الراحمین، اسالك بافضل المسائل و انجحها و اعظمها، یا الله یا رحمن یا رحیم،
باسمائك

1-1. بنا به نقل علامه مجلسی از مرحوم کفعمی در المصباح، صفحه 51.

الحسنی، و بامثالک العلیا، و نعمک الی لا تحصی، و باکرم اسمائک علیک، و احبها الیک، و اقربها منک وسیلة، و اشرفها عندک منزلة، و اجزلها لیدیک ثواباً، و اسرعها فی الامور اجابة، و باسمک المکنون الاکبر الاعز الاجل الاعظم الاکرم، الذی تحبه و تهواه، و ترضی عنمن دعاک به، فاستجبت له دعاءه و حق علیک ان لا تحرم سائلک، و لا ترده، و بکل اسم هو لک فی التوراة و الانجیل و الزبور و الفرقان العظیم، و بکل اسم دعاک به حملة عرشک، و ملائکتک و انبیاءک و رسلک و اهل طاعتک من خلقک، ان تصلی علی محمد و آل محمد، و ان تعجل فرج ولیک و ابن ولیک و تعجل خزی اعدائه. (1)

ملاحظه می شود که پس از حمد و ثنای خداوند و خواندن او به اسامی مختلف، تعجیل در فرج ولی خدا و فرزند ولی خدا را که همانا وجود مقدس بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه است، از پروردگار متعال طلب می نماییم.

ما این هشت نمونه از تعقیبات نمازهای واجب و مستحب را که شامل دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می باشد، نقل کردیم تا میزان اهتمام ائمه طاهرین علیهم السلام به این امر روشن شود.

1-1. بحار الانوار، جلد 87، صفحه 245، حدیث 55، به نقل از مصباح المتهجد. در «جمال الصالحین» دنباله دعا چنین است: و تجعلنا من اصحابه و انصاره و ترزقنا به زجاءنا و تستجیب به دعاءنا.

درس دوازدهم: زمانهای مناسب دعا (1)

اشاره

تاکنون سه عنوان از عناوین مربوط به دعاهای مأثور درباره امام عصر علیه السلام را مطرح کردیم. عنوان چهارم را در طی پنج درس مطرح خواهیم کرد.

دعا در زمانهای مناسب

علاوه بر دعاهایی که در قنوت و سجده نماز و تعقیبات آن در حق امام عصر علیه السلام وارد شده، مناسبتهای زمانی خاصی هم وجود دارد که باید در آنها نسبت به دعا برای آن وجود مقدس اهمیت خاصی قائل شویم.

دعا در صبح و شام

اولین مناسبت زمانی برای دعا در حق امام زمان علیه السلام، ابتدا و انتهای هر روز است. مرحوم میرزا محمد تقی فقیه احمد آبادی مؤلف کتاب ارزشمند «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» تعبیر زیبایی در

بیان ضرورت این دعا دارند. می فرماید:

آیا غلامان و خادمان را نمی بینی که هر صبح و شام برای اظهار خدمت و شکر نعمت نزد ارباب و آقای خود حاضر می شوند؟ ما سزاوارتر از آنان به این عمل هستیم، چون می دانیم که همه انواع نعمتها و احسانهایی که خدای عزوجل بر ما ارزانی داشته، تنها و تنها به برکت مولایان صاحب الزمان علیه السلام می باشد. پس شایسته است که خود را با همه وجود در هر صبح و شام در محضر ایشان حاضر نمایی و بدانی که او تو را می بیند و صدایت را می شنود، هر چند که تو او را نمی بینی و بر امور کسانی که دوستشان دارد، اهتمام خاص دارد. (1)

اری دور از رسم انصاف و شکر نعمت است که ما صبح و شام از ولی نعمت خود یاد نکنیم، با این که می دانیم او همواره به ما توجه دارد و از یادمان نمی برد و دعایمان می کند. اگر دعاها و رعایتهای ایشان در حق ما نبود، قطعاً به گرفتاری های سخت مبتلا می شدیم یا دشمنان ریشه کنمان می کردند. این حقیقتی است که در متن فرمایش خود امام علیه السلام به صراحت آمده است. (2)

هم چنین در تویع شریف خوبه دوستانشان اطمینان داده اند که با دعاهاى خود از آنان محافظت می فرمایند. (3)

پس آیا به رسم انسانیت و مروت نیست که ایشان را از یاد نبریم و ابتدا و انتهای هر روز برای حضرتش دعا کنیم؟

1-1. مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 27، آن چه ذکر شد ترجمه متن کتاب است.

2-2. احتجاج، جلد 2، صفحه 323، مراجعه کنید به درس سیزدهم از حلقه سیزدهم.

3-3. احتجاج، جلد 2، صفحه 324 و 325.

ائمه طاهرین علیهم السلام از روی لطف و عنایتی که به شیعیان خود داشته اند، رسم وفا و شکرگزاری را به آنان آموخته اند و دعا برای امام مسلمانان را - در هر زمان - مورد تأکید قرار داده اند. نمونه ای از آن، دعایی است که امام صادق علیه السلام تعلیم فرموده در ابتدای آن چنین تأکید کرده اند:

مهما ترکت من شیء فلا ترک ان تقول فی کل صباح و مساء.

هر چه را ترک کردی، این را ترک مکن که در هر صبح و شام بگویی.

ملاحظه می شو که اهتمام زیادی نسبت به این دعا به خرج داده اند.

در اینجا به قسمتی از آن اشاره می کنیم:

اللهم احفظ امام المسلمین بحفظ الايمان و انصره نصراً عزيزاً و افتح له فتحاً يسيراً و اجعل له و لنا من لدنك سلطاناً نصيراً اللهم العن فلاناً و فلاناً و الفرق المختلفة علی رسولك و ولاة الامر بعد رسولك و الائمة من بعده و شيعتهم... (1)

خدایا امام مسلمانان را با حفظ ایمان محافظت فرما و او را چنان یاری کن که پیروز گردد و برایش فتح آسانی قرار ده و او و ما را به سلطنت حمایت شده ای برسان. خدایا فلانی و فلان (غاصبان خلافت) و فرقه هایی که (از مسیر صحیح خلافت)

1-1. اصول کافی، کتاب الدعاء باب القول عند الاصبح و الامساء، حدیث 23.

پراکنده شده و با پیامبرت و صاحبان امر (امامت) پس از پیامبرت و امامان بعد از او و شیعیان‌شان مخالفت کردند، همگی را از رحمت خود دور کن.

می بینیم که حضرت صادق علیه السلام دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان را همراه با لعن بر اولین کسانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در امر خلافت اختلاف کردند، تعلیم فرموده اند. این دعای شریف به سفارش امام صادق علیه السلام يك بار ابتدا روز و يك بار هم انتهای آن باید خوانده شود. شایسته است که دوستان امام عصر علیه السلام قرائت این دعا را به همراه دعای شریف عهد - که آن هم از امام صادق علیه السلام روایت شده است - پس از ادای نماز صبح و خواندن تعقیباتش، ترك نکنند.

پیدا کردن فرصت برای دعا

ممکن است انسان تصور کند که فرصت خواندن این دعا را دو بار در روز ندارد. در این صورت باید به سه نکته توجه کند: اول این که اگر انسان به انجام کاری اهتمام داشته باشد، در عمل می بیند که وقتش را پیدا می کند. ما اگر اوقاتی را که در شبانه روز بدون توجه و برنامه ریزی به بطالت می گذرانیم، حساب کنیم، روشن می شود که زمان زیادی برای دعا کردن در اختیار داریم که از آن، استفاده کامل نمی بریم. بنابراین با برنامه ریزی دقیق و صحیح خواهیم توانست که از اوقات تلف شده خود استفاده های بهتر ببریم. یکی از راههای آن، خواندن همین نوع دعاهاست که در عمل بیش از 3 تا 5 دقیقه طول نمی کشد. آیا در شبانه روز به اندازه دو تا پنج دقیقه یعنی ده دقیقه زمان تلف شده نداریم تا آن را به دعای برای امام زمان علیه السلام اختصاص دهیم؟!!

نکته دوم: در این دعا و امثال آن، خیرات زیادی برای خود می خواهیم و از قضا و قدر شر به خدا پناه می بریم. اگر حقیقتاً دعا به پیشگاه الهی را در جلب خیرات و رفع شرور مؤثر می دانیم، باید چنین بیندیشیم که خواندن این ادعیه، ما را از صرف وقت و امکانات زیادی که ممکن است صرف معالجه بیماریها و رفع گرفتاریها شود، بی نیاز می کند. کسی که به این دعاها اعتقاد دارد، یقین پیدا می کند که با خواندن آنها می تواند خود را از بسیاری بلاها بیمه کند و به این وسیله از عمر گرانبهادر خود استفاده بیشتری ببرد.

نکته سوم این که اگر حقیقتاً وقت کافی برای خواندن همه دعاها در هر روز - صبح و شام - نداریم، به کلی آنها را کنار نگذاریم. اگر در صبح وقت دعا خواندن دعا داریم و شب فرصت نداریم، دعای صبح را ترك نکنیم. یا اگر در شب این فرصت را داریم و صبح وقت نداریم، دعای شب را بخوانیم. هم چنین اگر يك یا چند روز فرصت دعا خواندن پیدا نکردیم، در يك روز که این فرصت را پیدا می کنیم، از خواندن آن غفلت نوزیم. به این ترتیب قطعاً در طول هفته فرصت حداقل يك یا چند بار دعا خواندن را پیدا خواهیم کرد و هرگز چنین نمی شود که هفته ها و ماهها بگذرد و يك بار هم دعای سفارش شده امام صادق علیه السلام در صبح و شام را نخوانده باشیم.

دعای عهد روزانه

دعای دیگری که صبح هر رزوه به عنوان تجدید بیعت با وجود مقدس امام عصر علیه السلام خوانده می شود، دعایی است که به دعای عهد معروف می باشد. این دعا سفارش شده امام صادق علیه السلام است که در

فضیلت خواندن آن، فرموده اند:

هر کس چهل صبح با این عهد به پیشگاه خداوند دعا کند، از یاوران قائم ما خواهد بود. پس اگر پیش از قیام ایشان بمیرد، خدای متعال او را از قبرش بیرون می آورد و به ازای هر کلمه (این دعا ثواب) هزار کار خوب به او عطا می فرماید و هزار بدی را از او محو می سازد. (1)

این دعای شریف در کتب مختلف دعا از جمله کتاب گرانقدر «مفاتیح الجنان» اثر ماندگار مرحوم حاج شیخ عباس قمی نقل شده است. باید توجه داشت که خواندن این دعا باید جزء برنامه روزانه دوستداران حضرت باشد که در هر صبحگاه بیمان خود را با امام زمانشان تازه و نو می کنند. برخی تصور می کنند که با خواندن چهل روز این دعا، وظیفه شان را نسبت به آن انجام داده اند، چنین نیست. حقوق امام زمان علیه السلام بسیار بزرگتر از آن است که ما در طول عمر خود فقط چهل روز با ایشان تجدید عهد کنیم و در حق آن حضرت دعا نماییم درست است که پس از خواندن چهل روز - البته به شرط قبولی آن - امید داریم که بشارت امام صادق علیه السلام نصیب ما بشود، اما از طرف دیگر به خاطر خطاها و گناهانی که هر روز در معرض انجامش هستیم، از حبط شدن اثر آن می ترسیم. (2)

بنابراین هر روز صبح آن را تکرار می کنیم، به این امید که لااقل یکی از دعاهاى چهل روزه ما مورد قبول

1-1. بحار الانوار، جلد 102، صفحه 111 و 112، به نقل از مصباح الزائر.

2-2. درباره حبط اعمال و جدی بودن خطر آن رجوع کنید به کتاب «در ضیافت ضریح».

درگاه الهی قرار بگیرد و آثار و برکات آن به طور کامل شامل حالمان بشود.

دعا در شب و روز جمعه

دومین مناسبت زمانی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام شبها و روزهای جمعه هر هفته است. اگر بیشتر افراد - به خصوص آقایان - در طول روزهای میانی هفته، مشغول کار و تلاش هستند و باید با اهتمام ورزیدن به امر دعا فرصت لازم را برای آن به وجود آورند، اما در تعطیلی آخر هفته این فرصت به سادگی فراهم است. دعا هم یکی از بهترین مصادیق عبادت می باشد که در این زمان باید حقتش ادا گردد. احادیث زیادی در فضیلت شب و روز جمعه وارد شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم. از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

ما طلعت الشمس بیوم افضل من یوم الجمعة. (1)

خورشید در روزی بهتر از روز جمعه طلوع نمی کند.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز نقل شده که در فضیلت روز جمعه چنین فرمودند:

یوم الجمعة سید الايام و اعظم عند الله من یوم الاضحی و یوم الفطر. (2)

1-1. بحار الانوار، جلد 89، صفحه 273، حدیث 19، به نقل از عدة الداعی.

2-2. همان، صفحه 267، ذیل حدیث 5، به نقل از النخصال.

روز جمعه آقای همه روزهاست و نزد خدای عزوجل از روز (عید) قربان و روز (عید) فطر بزرگتر است.

هم چنین از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

ان الله اختار الجمعة فجعل يومها عبداً و اختار ليلها فجعلها مثلها... فليلة الجمعة افضل الليالي و يومها افضل الايام. (1)

خداوند جمعه را برگزید پس روزش را عید قرار داد و شبش را برگزید پس آن را هم چون روزش قرار داد... پس شب جمعه بهترین شبها و روزش بهترین روزهاست.

با این فضیلتی که شب و روز جمعه دارد، باید انسان حداکثر بهره برداری را از برکات آنها بکند و حق آنها را به خوبی ادا نماید. هر چه معرفت‌مان به برکات شب و روز جمعه بیشتر شود، استفاده بهتری از آنها خواهیم برد. عالم بزرگوار مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (فقیه احمد آبادی) سالها پیش از تألیف مکیال المکارم، کتاب مفصلی به زبان فارسی تألیف نموده اند که نام آنها را «ابواب الجنات فی آداب الجمععات» نهاده اند. ایشان انگیزه خود را در این کار در ابتدای مقدمه آن چنین بیان داشته اند:

چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله از جانب حضرت پروردگار غفار از فرط شفقت و رحمت در هر هفته يك شب و يك روز را که شب و روز جمعه باشد از برای امت خود عید قرار دادند و آن شب و روز را سید روزها و شبها خواندند که بندگان در آن، تهیه سفر آخرت نمایند و از اعمالی که در شش شبانه روز سابق مرتکب

شده اند، استعفا و استغفار جویند و به ارتکاب اعمال شایسته مشغول شوند نه آن که بیش از پیش مشغول عصیان و نافرمانی شوند (و در این زمان امر بر عکس شده، بعضی مردم ایام هفته را به کسب مشغول و شب و روز جمعه را به جهت معاصی می گذرانند، غافل از آن که عقابش مضاعف است و بعضی دیگر لااقل به بیهوده می گذرانند و به کارهای لغو طی می کنند) لهذا این حقیر سراپا تقصیر، تصمیم عزم نمودم که کتابی تألیف نمایم جامع که مشتمل بر فضایل و خصایص شب و روز جمعه و اعمال آن، شاید مؤمنی بدان عمل نماید و آن موجب آمرزش گناهان این عاصی و ذخیره روز تنگدستی و درماندگی بوده باشد. (1)

آن چه از ایشان نقل کردیم، مستند به احادیث ائمه طاهرین علیهم السلام است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

اجتنبوا المعاصی لیلة الجمعة فان السيئة مضاعفة و الحسنه مضاعفة و من ترك معصية الله لیلة الجمعة غفر الله له كل ما سلف فيه و قيل له: استأنف العمل و من بارز الله لیلة الجمعة بمعصيته اخذه الله عزوجل بكل ما عمل فی عمره و ضاعف علیه العذاب بهذه المعصية. (2)

شب جمعه از گناهان پرهیزید زیرا (عقاب) گناه (در آن) چند

1-1. ابواب الجنات آیین جمعه صفحه 10 و 11. خوب است بدانیم که مؤلف گرانقدر، این کتاب 500 صفحه ای را در سن 25 سالگی نوشته اند رحمة الله علیه.

2-2. بحار الانوار، جلد 89، صفحه 283، ذیل حدیث 28.

برابر و (پاداش) کار خوب هم چند برابر است. و هر کس در شب جمعه نافرمانی خدا را ترك نماید، خداوند هر چه در گذشته اش مرتکب شده را می بخشد و به او گفته می شود، عمل را از نو شروع کن و هر کس در شب جمعه با گناهش به مخالفت با خدا برخیزد، خدای عزوجل او را به خاطر همه گناهایی که در طول عمرش انجام داده، مؤاخذه می کند و به سبب همین گناه (شب جمعه) چند برابر عذابش می نماید.

با این توضیحات باید قدر شب جمعه و روز جمعه را بیشتر بدانیم و بار سفر آخرت خود را در این اوقات ببندیم. حال که کار خوب در این زمانها چند برابر حساب می شود، دعا برای تعجیل فرج مولای مهربانمان هم فضیلت فوق العاده ای پیدا می کند. خوب است بدانیم که روز جمعه را در برخی احایث، روز ظهور امام زمان علیه السلام دانسته اند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

يُخْرِجُ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ... وَ مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. (1)

قائم ما اهل بیت علیهم السلام در روز جمعه ظهور می کند... و هیچ عملی در روز جمعه از فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آل ایشان بهتر نیست.

البته چون وقت ظهور امام عصر علیه السلام از امور بداء پذیر است، به طور قطعی نمی توانیم روز آن را پیش بینی نماییم، اما آن چه طبق این حدیث شریف مقدر شده، ظهور در روز جمعه است که در آن، بداء

صورت نپذیرد، همان واقع می‌گردد. در روزی که این قدر فضیلت دارد، هیچ عملی مهمتر از فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت ایشان علیهم السلام نیست. حال اگر این عبادت گرانقدر با دعا برای تعجیل فرج ایشان همراه شود، عظمت بی نظیری پیدا خواهد نمود. از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

در روز قیامت خدای متعال همه روزها را مبعوث می‌فرماید و روز جمعه را هم چون عروس دارای کمال و جمال پیشاپیش همه آنها مبعوث می‌فرماید... آن گاه جمعه برای هر کس که در آن بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله زیاد صلوات فرستاده باشد، شفاعت می‌کند.

راوی می‌پرسد: منظور از زیاد چه تعداد است و در چه وقت از اوقات روز جمعه صلوات فرستادن بهتر است؟ حضرت فرمودند: بعد از عصر صد بار صلوات بفرستد.

مرحوم سید بن طاووس منظور از عصر را در فرمایش امام صادق علیه السلام نماز عصر دانسته‌اند. راوی پرسید: چگونه این صلوات را بفرستم، می‌فرمایند:

صد بار می‌گویی: اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم. (1)

به این ترتیب یکی از بهترین عبادتهای روز جمعه برای دوستداران امام عصر علیه السلام انجام همین عمل شریف در فرمایش امام صادق علیه السلام می‌باشد. شبیه همین تکلیف برای شبهای جمعه نیز وارد

شده است. مرحوم شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی در کتاب «مختصر المصباح» در بیان وظایف شب جمعه می فرماید:

صد بار هر تعداد که می توانی در صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله می گویی:

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك عدوهم من الجن و الانس من الاولین و الاخرین. (1)

یکی دیگر از دعاهای وارد در روز جمعه، دعای ندبه است که مضامین آن، شامل اظهار شوق دیدار امام غایب و درخواست تعجیل فرج ایشان با تعبیر مختلف می باشد. البته دعاهای شب و روز جمعه در حق امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان فروان است. ما در این جا به معرفی يك دعای دیگر اکتفاء کرده، علاقه مندان را به منابع مفصل تر در این خصوص ارجاع می دهیم. (2)

این دعا را جناب شیخ عثمان بن سعید عمروی اولین نایب امام عصر علیه السلام املا فرموده است که با توجه به مقام نیابت خاصه ایشان می توانیم آن را دعای ماثور از معصوم علیهم السلام تلقی کنیم. مرحوم سید بن طاووس در خصوص این دعا می فرماید:

اگر نسبت به خواندن همه آن چه در تعقیبات عصر روز جمعه آوردیم، عذری داشتی، مبادا در خواندن این دعا سستی بورزی.

هر آینه این امر از فضیلت‌های اختصاصی خداوند در حق خود می دانیم، پس بر آن اعتماد کن. (3)

1-1. مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 31.

2-2. به عنوان نمونه کتاب نجم الثاقب، باب 11، و جمال الاسبوع.

3-3. جمال الاسبوع، صفحه 315.

البته در سند دعا اشاره ای به این که در روز جمعه خوانده شود، وجود ندارد و خود مرحوم سید این دعا را جزء اعمال روز جمعه قرار داده است. این دعا در ملحقات مفاتیح آمده است.

آخرین فرصت دعا در روز جمعه مربوط به دقائق پایانی آن می شود که به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر کس در آن وقت از خدا طلب خیری نماید، دست خالی نمی ماند. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از پدر بزرگوارشان نقل فرموده اند که فرمود:

ان فی الجمعة لساعة لا یراقبها (لا یوافقها) رجل مسلم یشال الله عزوجل فیها خیراً الا اعطاه اياه.

در روز جمعه زمانی است که هیچ مسلمانی از آن مراقبت نمی کند (با آن هماهنگ نمی شود) که از خدای عزوجل در آن زمان خیری طلب نماید، مگر آن که (خدا) آن را عطايش فرماید.

حضرت زهراى اطهر علیها السلام می پرسند:

آن زمان کدام ساعت است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

إذا تدلی نصف عین الشمس للغروب.

هنگامی که نیمی از قرص خورشید در افق، مغرب ناپدید می شود.

به همین جهت حضرت فاطمه علیها السلام به غلام خویش می فرمودند که از روی بلندیها مراقب باشد، هرگاه نیمی از قرص خورشید در افق مغرب ناپدید می شود، ایشان را خبر نماید تا حضرتش دعا فرمایند. (1)

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله معین فرمودند، چند دقیقه بیشتر نیست، اما به قدری اهمیت دارد که حضرت زهراى مرضیه علیها السلام غلام خود را برای تعیین آن به روی بلندی می فرستادند تا این فرصت از دستشان نرود. این چند دقیقه درست پیش از زمان غروب کامل خورشید است که می توان از خداوند طلب خیر نمود. کدام خیری از تعجیل فرج مولایمان بالاتر است که در این زمان محدود از پیشگاه الهی درخواست شود؟

درس سیزدهم: زمانهای مناسب دعا (2)**دعا در عصر روز دوشنبه و پنج شنبه**

از دیگر زمانهای مناسب دعا در حق امام عصر علیه السلام به خصوص برای تعجیل فرج ایشان، عصر روز دوشنبه و روز پنج شنبه هر هفته است. این دو وقت، زمانهایی هستند که اعمال امت خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام و به طور خاص محضر بقية الله الاعظم ارواحنا فداه عرضه می شود. این حقیقت در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام به صراحت مطرح شده است. [\(1\)](#)

قرآن کریم از این که اعمال بندگان به رؤیت خدا، رسول و مؤمنان خاص می رسد، به صراحت خبر می دهد و می فرماید:

«و قل اعملوا...» [\(2\)](#)

1-1. تفصیل این بحث در درس نوزدهم از حلقه سوم آمده است.

2-2. براءت، 105.

در تفسیر این آیه شریفه احادیث متعددی دلالت می کند بر این که همه اعمال بندگان در فواصل مختلف بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام که مقصود از مؤمنان در آیه فوق هستند - عرضه می شود. از زمانهای عرضه اعمال روزهای دوشنبه و پنج شنبه هر هفته است، مرحوم سید بن طاووس از جد شریفش شیخ ابوجعفر طوسی در تفسیر آیه فوق چنین نقل کرده است:

روی فی الخیر ان الاعمال تعرض علی النبی صلی الله علیه و آله فی کل اثین و خمیس فیعلمها و كذلك تعرض علی الائمة علیهم السلام فیعرفونها و هم المعنیون یقوله «و المؤمنون» (1).

در حدیث آمده است که همه اعمال در هر دوشنبه و پنج شنبه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می گردد و ایشان از آنها آگاه می شوند و هم چنین بر امامان علیهم السلام عرضه می شود، پس آنها هم از اعمال آگاه می گردند و منظور از «المؤمنون» در آیه قرآن تنها ائمه علیهم السلام هستند.

احادیث متعددی بر وقوع این مطلب دلالت می کند که در ذیل آیه 105 سوره براءت و آیات دیگری از قرآن - از جمله آیه 33 سوره انفال - آمده است. جالب اینجاست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینانش به خاطر رأفت و لطف شدید به امت خویش، وقتی از پرونده اعمال آنان آگاه می شوند، برای بدیهایشان از خدا طلب مغفرت می کنند.

حضرت باقر العلوم علیه السلام از خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده اند که ایشان چنین فرمودند:

... لان اعمالکم تعرض علی کل اثنین و خمیس فما کان من حسن حمدت لله علیه و ما کان من سبی استغفرت لکم. (1)

... چون در هر دوشنبه و پنجشنبه اعمال شما بر من عرضه می شود. پس به خاطر کارهای خوبتان خداوند را می ستای و برای کارهای بدتان (از خدا) طلب مغفرت می نمایم.

مرحوم سید بن طاووس این مطلب را از منابع اهل سنت نیز نقل کرده و آن را مورد اتفاق فریقین دانسته است. (2)

چون ائمه طاهرين عليهم السلام در همه شئون - به جز نبوت - جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله هستند، همین استغفار برای امت گناهکار برای آنان نیز اثبات می شود، علاوه بر این که بعضاً تصریحاتی نسبت به این مطلب دارند. به عنوان نمونه امام هشتم علیه السلام به شخصی به نام موسی بن سیار فرمودند:

این موسی بن سیار! آیا نمی دانی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر همگی ما امامان عرضه می شود؟ آن گاه اگر تقصیری در رفتار آنها باشد، از خداوند می خواهیم که از سر تقصیراتشان بگذرد و اگر کار خوبی داشته باشند، از خدا می خواهیم که از آنها قدردانی فرماید؟ (3)

البته هیچ منافاتی بین این حدیث و احادیث گذشته وجود ندارد.

1-1. تفسیر کنز الدقائق، جلد 5، صفحه 334.

2-2. محاسبة النفس، صفحه 18 و 19.

3-3. بحار الانوار، جلد 49، صفحه 99.

عرضه اعمال بر امامان علیهم السلام می تواند به صورتهای مختلف و در زمانهای مختلف باشد و همه آنها با هم قابل جمع هستند. قدر مسلم این است که ائمه علیهم السلام به پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنان محبتی به امت خویش - یعنی شیعیان دارند که وقتی اعمال بد آنان را در پرونده اعمالشان می بینند، برای آمرزش گناهانشان دست به دعا بلند می کنند و برای آنان طلب مغفرت می نمایند. این، کاری است که امام عصر علیه السلام نیز درباره دوستانش انجام می دهد. یعنی با هر روز و یا حداقل روزهای دوشنبه و پنج شنبه وقتی نامه اعمال ما به دست مبارکش می رسد و کارهای بدمان ایشان را ناراحت می کند، برایمان طلب مغفرت می فرماید.

مرحوم سید بن طاووس می فرماید:

شیعه روایت کرده است که زمان عرضه اعمال در این دور روز (دوشنبه و پنج شنبه) هنگام پایان یافتن روز (یعنی پیش از غروب) است. (1)

با این ترتیب ما اطمینان داریم که حداقل هفته دو روز - روزهای دوشنبه و پنج شنبه - پیش از غروب، پرونده اعمال ما خدمت مولایمان عرضه می گردد و ایشان از حال يك يك ما آگاه می شوند. سپس برای پاک شدن ما از آلودگی گناهان که در چند روز گذشته مرتکب شده ایم، به پیشگاه الهی دعا می کنند.

حال که چنین است، آیا رسم جوانمردی و مروت نیست که ما هم - حداقل در این دو وقت - به یاد ولی نعمتتان باشیم و چون ایشان را

به خاطر کارهای زشت خود ناراحت کرده ایم، در صدد جلب رضایت حضرتش برآییم؟ ما می دانیم چه چیزی مولایمان را بیش از هر چیز دیگر خوشحال می کند. آری، هیچ چیز به اندازه مژده ظهور، امامان را مسرور و شاد نمی کند. پس آیا بهترین عمل در آن زمانها، دعا برای سلامتی و تعجیل فرج ایشان نیست؟ پس چرا به این کفر نیستیم و فراموشمان می شود؟! به این فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

إذا كان يوم الخميس عند العصر اهبط الله عزوجل ملائكة من السماء الى الارض معها صحائف من فضة بايديهم اقلام من ذهب تكتب الصلاة على محمد صلى الله عليه وآله عند غروب الشمس. (1)

در روز پنج شنبه هنگام عصر، خدای عزوجل فرشتگانی را از آسمان به زمین فرو می فرستد که با آنها برگهایی از نقره و در دستانشان قلمهایی از طلاست، (با این قلمهای طلایی روی آن برگهای نقره ای) هنگام غروب خورشید صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله را می نویسند.

بنابراین آیا شایسته نیست که این صلواتها را با دعای بر تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام قرین کنیم تا به این وسیله قدمی کوتاه در راه شکر نعمت ولایت و محبت ائمه طاهرین به خصوص امام غریب و غایبمان برداشته باشیم؟ این دعا در هنگام غروب روز پنج شنبه به خصوص وارد

شده است. مطابق نقل مرحوم سید بن طاووس جزء تکالیف مستحبی انسان در روزهای پنج شنبه این است که هزار بار این گونه صلوات بفرستد.

اللہ صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

و در روایت دیگری فرموده اند که صد بار به این صورت صلوات بفرستد.

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك عدوهم من الجن و الانس من الاولین و الاخرین. (1)

این همان دعای شریفی است که برای روز جمعه به خصوص پس از نماز عصر به آن سفارش شده است.

اهتمام به دعای صلوات همراه با درخواست تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام در روزهای پنج شنبه آخر هر ماه قمری تأکید بیشتری دارد، زیرا مطابق روایات، پرونده اعمال هر ماه در آخرین پنج شنبه آن به پیشگاه خداوند عرضه می شود تا مورد بررسی قرار گیرد و مورد قبول یا رد واقع شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

آخر کل خمیس فی الشهر ترفع فیہ اعمال الشهر. (2)

پایان هر پنج شنبه در ماه، اعمال آن ماه (به درگاه خداوند) بالا می رود.

از این روایت و شبیه آن بر می آید که اعمال هر کس به صورت

1-1. جمال الاسبوع، صفحه 121.

2-2. محاسبة النفس، صفحه 24، به نقل از علل الشرایع.

ماهانه بالا می رود تا نسبت به پذیرفته شدن یا نشدن کارهای خوب و آمرزیده شدن یا نشدن کارهای بد مورد رسیدگی قرار گیرد. کسی که در طول يك ماه گناهانی مرتکب شده و نمی داند که خداوند آنها را آمرزیده است یا خیر، هم چنین نمی داند که کارهای خویش در این ماه قبول درگاه الهی قرارگرفته یا خیر، می تواند با جلب رضای امام انس و جان حضرت بقية الله الاعظم ارواحنا فداه خود را رو سپید کند و همه کوتاهی های يك ماه گذشته را جبران نماید و چه کاری بهتر از دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام در جلب خشنودی ایشان؟!

البته چه خوب است که همراه با این دعا صیغه استغفار را - به صورتی که دستور داده اند - از اعماق جانش به زبان جاری کند، به این امید که این استغفار با استغفار امام زمان علیه السلام برای او - یا آمین آن بزرگوار - همراه شده، به آبروی آن عزیز به هدف اجابت برسد. مستحب است انسان در پایان روز پنج شنبه این گونه استغفار نماید.

استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم و اتوب الیه توبه عبد خاشع خاضع مسکین مستکین مستجیر لا یتطیع لنفسه صرفاً و لا عدلاً و لا نفعاً و لا ضرراً و لا حیاة و لا موتاً و لا نشوراً و صلی الله علی محمد و عترته الطیبین الطاهرین الابرار و سلم تسلیماً کثیراً. (1)

دعا در روز عید غدیر

چهارمین مناسبت زمانی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان - روز عید غدیر است. این عید به یقین بزرگترین عید مسلمانان است که آن را به حق «عید الله الاکبر» نامیده و امام صادق علیه السلام قسم خورده اند که خداوند روزی که حرمتش بالاتر از روز غدیر، باشد، نیافریده است. (1)

عظمت این روز به خاطر آن است که در آن عهد و پیمان الهی - که هان عهد امامت و ولایت ائمه طاهرين عليهم السلام است - به همه جهانیان تا روز قیامت اعلام گردیده و از همه انسانها در هر نسلی بر عمل به آن پیمان الهی - بیعت خواسته شده است. همه مخاطبان غدیر تا روز رستاخیز مؤظفند که با قول و عمل خویش بر وفا به این عهد خداوند، پیمان ببندند و مولویت موالی خویش را با جان و دل گردن نهند. هر چند پیمان غدیر به همه امامان - اعم از گذشتگان و امام حاضر - مربوط می شود، اما از يك جهت می توان گفت که عصاره و نتیجه ولایت و مولویت همه امامان پیشین در وجود مقدس آخرین باقی مانده از خاندان عصمت و طهارت متجلی شده است. بنابراین بیعت با ایشان در روز عید غدیر، بیعت با همه جانشینان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به شمار می آید. لذا می توانیم مهمترین عمل را در عید غدیر بیعت با امام زمان علیه السلام به عنوان ولی امر و صاحب اختیار مطلق از جانب پروردگار بشماریم و آن را روز تجدید عهد با آن حضرت بنامیم. با این توضیح مختصر روشن می شود که دعا در حق امام

عصر علیه السلام در روز غدیر و به خصوص درخواست تعجیل فرج ایشان از خداوند - که فرج همه اهل بیت علیهم السلام است - چه اهمیت خاصی دارد. اگر نگاهی به دعاهای مأثور در این روز شریف بیندازیم، به این اهمیت بیشتر پی خواهیم برد.

یکی از زیباترین دعاها در عید غدیر دعایی است که مرحوم سید بن طاووس از جناب شیخ مفید رضوان الله علیه نقل فرموده است. اول دعا چنین است:

اللهم انی اسالك بحق محمد نبيك و علی وليك الشأن و القدر الذی خصصتهما به دون خلقك... .

خدایا به حق محمد صلی الله علیه و آله پیامبرت و علی ولیت و شأن و منزلتی که در بین خلائقت به ایشان اختصاص داده ای، از تو می خواهم... .

در آخر دعا هم آمده است:

اللهم فرج عن اهل بیت محمد نبيك و اكشف عنهم و بهم عن المؤمنین الكربات. اللهم املا الارض بهم عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و انجز لهم ما وعدتهم انك لا تخلف الميعاد. (1)

خدایا بر خاندان محمد صلی الله علیه و آله پیامبرت فرج و گشایش ده و از آنها و از مؤمنان به سبب آنها، محنتها و غمها را برطرف ساز.

خداوند از زمین را به وسیله آنها پر از عدل کن هم چنان که از ظلم و

جور پر شده است و آن چه به ایشان وعده فرموده ای تحقق بخش، همانا که تو خلف وعده نمی کنی.

ملاحظه می شود که در این قسمت از دعا، درخواست فرج اهل بیت علیهم السلام - و به واسطه آنان فرج همه مؤمنان - از خدای متعال مطرح شده است. عمل دیگری که در روز عید غدیر بر انجام آن تأکید شده، شامل دعایی از قول امام صادق علیه السلام است که در آن تقاضای یار کردن امام منتظر و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله مطرح می باشد. متن فرمایش امام ششم علیه السلام چنین است:

صوم یوم غدیر خم يعدل صیام عمر الدنيا لو عاش انسان عمر الدنيا ثم لو صا ما عمرت الدنيا لكان له ثواب ذلك و صيامه يعدل عنه الله عزوجل مائة حجة و مائة عمرة و هو عبدالله الاكبر و ما بعث الله عزوجل نبياً الا و تعید فی هذا الیوم و عرف حرمته و اسمه فی السماء یومن العهد المعهود و فی الارض یوم الميثاق المأخوذ و الجمع المشهود... .

روز عید غدیر خم معادل روزه عمر دنیاست. اگر انسانی به اندازه عمر دنیا می زیست سپس همه عمر دنیا را روزه می گرفت، همان قدر ثواب داشت و روزه عید غدیر نزد خدای عزوجل با صد حج و صد عمره برابری می کند و آن بزرگترین عید خداوند است و خدای عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آن که این روز را عید گرفته است و برای آن احترام خاص قائل بوده است.

نام آن در آسمان روز عهد شناخته شده و در زمین روز پیمان ستانده شده و جمع مشهود است.

سپس اضافه فرمودند:

هر کس نیم ساعت پیش از ظهر دو رکعت نماز به خاطر شکر خدای عزوجل به جا آورد و در هر رکعت آن ده بار سوره حمد و ده بار سوره قدر

و ده بار آیه الکرسی را بخواند، نزد خدای عزوجل با صد هزار حج و صد هزار عمره برابری می کند و هیچ حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت را از خدای عزوجل درخواست نمی کند - هر حاجتی باشد - مگر آن که خدای عزوجل به برآورده شدن آسان و بی دردسر آن حکم می فرماید.

آن گاه در پایان فرمایش خود، دعایی را تعلیم فرمودند که پس از آن، دو رکعت نماز خوانده شود. قسمت پایانی این دعا چنین است:

اللهم انى اسالك بالحق الذى جعلته عندهم وبالذى فضلته على العالمين جميعاً ان تبارك لنا فى يومنا هذا الذى اكرمتنا به بالوفاء لعهدك الذى عهدت الينا والميثاق الذى واثقتنا به من موالاة اوليائك والبرائة من اعدائك و تمن علينا بنعمتك و تجعله عندنا مستقراً ثابتاً و لا تسلبناه ابداً و لا تجعله عندنا مستودعاً فانك قلت: «فمستر و مستودع» فاجعله مستقراً ثابتاً و ارزقنا نصر دينك مع ولى هاد من اهل بيت قائماً رشيداً هادياً مهدياً من الضلالة الى الهدى و اجعلنا تحت رايته و فى زمرة شهداء صادقين مقبولين فى سبيلك و على نصره دينك. (1)

خداوندا از تو می خواهم به حقی که نزد آنان (خاندان پیامبر) قرار داده ای و به آن چه بر تمام جهانیان برتریشان بخشیده ای که این روز را بر ما مبارك گردانی، همان روزی که ما را در آن گرامی داشته ای، به خاطر وفا به عهدهی که از ما خواسته ای و پیمانی که از ما گرفته ای - پیمان دوستی و پیروی اولیایت و بیزاری از دشمنانت - و [از تو می خواهم] با لطف خود بر ما منت نهی و آن را نزد ما ماندنی و ثابت بداری و هرگز از ما نگیری و نزد ما امانت قرار ندهی که تو فرموده ای: پس [ایمانی] ماندنی است و [ایمانی] به ودیعه گذاشته شده» پس آن را ماندنی و ثابت بدار و یاری رساندن به دینت را روزی ما فرما به همراه ولی هدایت کننده ای از خاندان پیغمبرت، آن هنگام که به ارشاد قیام کند و هدایتگر هدایت شده از گمراهی به سوی راه راست باشد. و ما را زیر پرچم و در گروه او، شهیدان راستین قرار بده که در راه توبه خاطر یاری دینت، پذیرفته درگاہت می شوند.

پس از اتمام دعا فرمودند:

سپس حاجتها دنیوی و اخروی خود را بخواه که قسم به خدا، قس به خدا، قسم به خدا همه آنها در این روز برآورده می شود. (1)

پس از اتمام دعا فرمودند:

ملاحظه می شود که در این دو دعای روز غدیر، فرج اهل بیت علیهم السلام و توفیق یاری و همراهی با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و شهادت در این راه مسألت شده است. معلوم می شود که روز غدیر، روز یاد کرن از حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان و درخواست فرج آن حضرت از خداست.

دعای ندبه در عید غدیر

شاهد دیگر بر این امر آن است که دعای ندبه جزء اعمال این روز مبارك شمرده می شود. این دعا - همان طور که از نامش پیداست - نشانگر حال گریه و ناله در فراق حضرت مهدی علیه السلام و اظهار شوق برای دیدار ایشان و دعا برای تعجیل در فرجشان می باشد. این دعای شریف در روز جمعه نیز - که عید بزرگ مسلمانان است - خوانده می شود. به نظر مرحوم صدر الاسلام همدانی:

از جمله خواص خواندن این دعای مبارك این است که در هر مکانی و موضعی که خوانده شود با حضور قلب و اخلاص کامل و ملتفت مضامین عالیله فائقه و عبارات و اشارات نامیه رائقه آن بودن، توجه و التفات مخصوص حضرت صاحب العصر و الزمان (ارواحنا فداه) در آن مکان و محل، بلکه حضور به هم رسانیدن آن حضرت است در آن مجلس، چنان چه در بعض مواضع و موارد اتفاق افتاده. [\(1\)](#)

آری با شرایطی که این بزرگوار فرمودند، تشرف به محضر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در هنگام خواندن دعای ندبه بعید نیست. این دعا شامل زیارت امام علیه السلام نیز هست، لذا پس از خواندن آن، نماز زیارت وارد شده است.

نمونه ای از تشرفات به محضر امام عصر علیه السلام در هنگام زیارت و دعای ندبه، داستانی است که جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا محمود میردامادی از مرحوم آقای میر جهانی نقل فرموده

است. ایشان می گوید:

من از مرحوم عالم متقی و وارسته آقای میرجهانی قدس سره شنیدم که فرمودند:

يك سالی از طرف آية الله اصفهانی (رحمة الله عليه) برای شعیان سامراء کمکهایی بردم. شبها در حرم مطهر می ماندم و اذان صبح به سرداب امام زمان عجل الله تعالی فرجه مشرف می شدم. آن روزها برق نبود، چراغهای مختصری بود که انسان به سختی می توانست از آن استفاده کند.

پله های سرداب و داخل سرداب هم نور خیلی کم داشت. شب جمعه ای در حرم مطهر به دعا و زیارت مشغول بودم و اذان صبح که هنوز هوا تاریک بود به طرف سرداب حرکت نمودم. ولی آن روز بر خلاف روزهای گذشته پله های سرداب را روشن یافتم، تعجب کردم، این نور از کجاست؟

داخل سرداب شدم، دیدم مثل روز روشن است، اصلاً سابقه نداشت سرداب این اندازه روشن باشد، بر شگفت من افزوده شد.

در این حال متوجه شدم، آقای جوانی که بسیار نورانی هستند، مشغول نماز می باشند. من هم در کناری مشغول نافله شدم. گویا محلی که من ایستاده بودم کمی جلوتر از محل نماز ایشان بود، لذا وقتی از نماز فارغ شدن، به من فرمودند: «جلوی امامت نیست نماز بخوان». من بی اختیار در حالای که جذب این جوان نورانی شده بودم خودم را به کناری کشیدم و عقب ایستادم.

نماز صبح را خواندم و با شوق به دعای ندبه پرداختم. رسیدم به جمله: «عرجت بروحه الی سمائك» آقا فرمودند: «عرجت به»

بخوان. «عرجت بروحه» از معصوم نرسیده است.

بدون چون و چرا و بحث طلبگی، خواندم «عرجت به الی» و بعد کم کم رسیدم به جملات مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه و آباء ایشان، این الحسن، این الحسین، این ابناه الحسن صالح بعد صالح... این بقیة الله... حال خوشی داشتم، اشک می ریختم و در طلب امام زمان می سوختم، اما نمی دانستم در جوار او نشسته ام و خدمتش مشرف شده ام و به زیارتش نائل گشته ام.

پس از دعا به نماز ایستادم، در نماز به فکرم رسید، این آقا امام زمان هستند به دلیل:

1. نوری که سرداب را احاطه کرده است و این نور از ایشان است.

2. فرمودند: جلوی امامت نیست نماز بخوان، و این صراحت دارد بر این که ایشان اما زمان بوده اند.

3. فرمودند: «عرجت به بخوان» و من بدون چون و چرا پذیرفتم، و این احاطه، ولایت حضرت بود بر قلب من که مباحثه نکردم.

خلاصه در نماز یقین کردم که ایشان امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشند، نماز را تمام کردم و قصد کردم به پای ایشان بیفتم و دامنشان را بگیرم و عرض ادب و محبت نمایم ولی تا رو برگرداندم ایشان را ندیدم.

گریه کردم، آقا را صدا زدم دیگر خبر نیافتم از پله ها آمدم بالا، از خادم پرسیدم، سید را ندیدی؟ گفت: کدام سید؟ اولین کسی که وارد سرداب شده تو هستی و

من از دیگری خیر ندارم.

فهمیدم او امام زمان عجل الله تعالی فرجه را ندیده است و زیارت حضرت فقط نصیب من شده است. (1)

1-1. سه رساله درباره حجة بن الحسن العسكري عجل الله تعالی فرجه الشریف، صفحه 34 و 35.

درس چهاردهم: زمانهای مناسب دعا (3)

دعا در عید فطر و قربان

دو مناسبت دیگر برای دعا در حق امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان، دو عید بزرگ دیگر مسلمانان یعنی عید فطر و عید قربان است.

به طور کلی مسلمانان چهار عید بزرگ دارند که عبارتند از: غدیر، جمعه، فطر و قربان. محور و قطب همه این اعیاد، وجود مقدس بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه است که جای خالی ایشان در زمان غیبت، در این چهار مناسبت بیشتر حس می شود. خواندن دعای شریف ندبه نیز در هر چهار روز مستحب است. (1)

ممکن است این سؤال به ذهن خطور نماید که روز عید چه مناسبتی با ندبه و گریه دارد و چرا خواندن دعای که سراسر سوز و ناله است، در اعیاد بزرگ اسلامی توصیه شده است؟

1-1. بحار الانوار، جلد 102، صفحه 104.

خوب است پاسخ این پرسش را از بیان امام صادق علیه السلام بشنویم که فرمودند:

ما من عيد للمسلمين اضحى ولا فطراً الا وهو يحدد لال محمد فيه حزنا.

هیچ عید قربان و فطری برای مسلمانان نیست مگر این که برای آل محمد صلی الله علیه و آله غم و اندوهی را تازه می کند.

راوی می گوید: پرسیدم چرا چنین است؟ فرمودند:

لانهم يرون حقهم في يد غيرهم. 1

چون ایشان حق خود را در دست غیر خود می بینند.

حق اهل بیت علیهم السلام این است که مه اهل دنیا (نه فقط شیعیان بعضی کشورهای خاص) - اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان - ایشان را به عنوان ولی نعمت خود بشناسند و به آنان در همه امورشان - به خصوص مسائل دینی - رجوع نمایند. اعیاد بزرگ اسلامی بهترین فرصت برای تجلی ولایت و محبت مردم دنیا با امام زمانشان و تجدید بیعت با آن بزرگوار است. اما در زمان غیبت آن حضرت نه فقط مردم جهان بلکه اکثریت مسلمانان هم - که به دلیل عدم آشنایی با تشیع، معرفتی نسبت به امام زمانشان ندارند - هیچ گونه حقی برای ایشان قائل نیستند و هیچ یادی از آن بزرگوار نمی کنند. خود اهل بیت علیهم السلام هم از این بابت البته به خاطر امتشان نه خودشان - ناراحت و غمگین می شوند و این روزهای عید، زنده کننده غم اندوه حضرات معصومین علیهم السلام می باشد.

از همین جهت است که به تعبیر مرحوم صاحب مکیال شایسته است

مؤمنان در این اعیاد، ظهور امام عص علیہ السلام را با اصرار و الحاح از خداوند طلب نمایند تا به این وسیله حزن و اندوه را از دل‌های پاک اهل بیت علیهم السلام بزدایند. 1

عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان

جهت دیگری که دعا برای تعجیل فرج مولای غریمان را در عید فطر و قربان مؤکد می‌سازد. توجه به این حقیقت است که طبق روایات متعدد از اهل بیت عصمت و طهارت، تا منتقم خون ابی عبدالله الحسین علیہ السلام ظهور نفرماید، هیچ عید و قربانی برای همه مسلمانان منشأ خیر و برکت کامل نخواهد شد. به نمونه‌ای از این احادیث، در بیان امام صادق علیہ السلام توجه فرمایید:

لما ضرب الحسین بن علی علیهما السلام بالسيف ثم ابتدر ليقطع رأسه نادى مناد من قبل رب العزة تبارك و تعالی من بطنان العرش فقال: الا ايتها الامة المتحيرة الظالمة بعد نبيها لا وفقكم الله لا ضحى ولا فطر.

وقتی حسین بن علی علیهما السلام با شمشیر ضربه خورد، سپس مبادرت کردند تا سر (مقدس) آن بزرگوار را (از تن) جدا نمایند، ندا دهنده‌ای از جانب پروردگار تبارك و تعالی از داخل عرش ندا در داد و گفت: آگاه باشید ای امت سرگردان ستمگر پس از پیامبرشان! خداوند شما را برای (عید) قربان و فطر موفق نگرداند.

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمودند:

لا جرم والله وفقوا ولا يوفقون ابدأ حتى يقوم نائر الحسين عليه السلام. (1)

قسم به خدا یقیناً موفق نشده اند و هرگز موفق نخواهند شد، تا این که خونخواه حسین علیه السلام قیام فرماید.

علامه بزرگوار مجلسی رحمه الله در بیان معنای عدم توفیق مسلمانان برای فطر و قربان چند احتمال مطرح فرموده اند. يك احتمال که برداشت اکثریت علماء بوده این است که در بسیاری از زمانها هلال ماه شوال و ذیحجه به صورت قطعی تشخیص داده نمی شود و به همین جهت روز عید فطر و قربان مشتبه می گردند.

احتمال دیگری که خود علامه مجلسی آن را ظاهرتر دانسته اند، این است که این حکم به عامه (اهل سنت) اختصاص دارد. (2)

این عدم موفقیت هر معنایی داشته باشد، قدر مسلم این است که در سطح دنیا همه مسلمانان جهان از بهره برداری کامل از برکات این عیدهای مبارك محروم می مانند تا این که منتقم خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام ظهور فرماید و انتقام آن خون پاك را بگیرد. از این رو مهمترین و بزرگترین عبادت در روز عید فطر و قربان دعا برای تعجیل فرج خونخواه سید الشهداء علیه السلام می باشد تا با ظهورش عید واقعی را برای مسلمانان - بلکه همه مردم دنیا - به ارمغان آورد. بسیار دور از انصاف است که این اعیاد گرامی بر مسلمانان بگذرد و یاد مناسب امام

1-1. بحار الانوار، جلد 45، صفحه 217، حدیث 42، به نقل از الامالی صدوق.

2-2. همان، صفحه 217 و 218.

منتظر مان در این روزها صورت نپذیرد. راستی مسلمانان در این قرون غیبت آن عزیز در عید فطر و قربان چقدر به یاد امامشان بوده و برای تعجیل فرج ایشان دعا کرده اند؟!

دو نمونه از دعاهای مأثور در روز عید

توجه به مضامین برخی از دعاهای مأثور در این اعیاد شریف تذکر دهنده خوبی برای این موضوع است. از حضرت باقر العلوم علیه اسلام نقل شده که فرمودند:

وقتی آماده خارج شدن (برای ادامه نماز جمعه یا عید) شدی، این دعا را بخوان.

ابتدای دعا طبق نقل مرحوم سید بن طاووس چنین است:

اللهم من تهيأ في هذا اليوم...

در قسمت بعدی دعا ذکر صلوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای ایشان علیهم السلام - با ذکر اسامی هر کدام - مطرح می شود تا این که به حضرت صاحب الزمان علیه السلام منتهی می گردد، آن گاه در دعا برای ایشان چنین می گوئیم:

اللهم افتح لنا فتحاً يسيراً و انصره نصراً عزيزاً اللهم اظهر به دينك و سنة رسولك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احدا من الخلق.

خدایا ما را به آسانی پیروز بفرما و او را به گونه ای یاری کن که شکست پیدا نکند. خدایا دینت و سنت پیامبرت را به سبب او آشکار گردان تا این که هیچ حقی را به خاطر ترس از خلق

مخفی نگه ندارد.

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعزبها الاسلام و اهله و تدل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاء الي طاعتك و القادة الي سبيلك و ترزقنا بها كرامة الدنيا و الاخرة... .

خداوندا ما به سویت رغبت می جویم در دولت کریمه ای که به سبب آن اسلام و اهلش را عزیز می گردانی و نفاق و اهلش را ذلیل می فرمایی و ما را در آن (دولت) در زمره دعوت کنندگان به سوی فرمانبرداریت و هدایت کنندگان به راهت قرار می دهی و به سبب آن (دولت) کرامت دنیا و آخرت را روزی ما می فرمایی... .

اینها بهترین دعاهایی است که برای خودمان در دولت کریمه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می توانیم داشته باشیم. آن گاه فرمودند:

ثم تدعو الله له و على عدوه تسال حاجتك. (1)

سپس به پیشگاه خداوند برای او دعای خیر می کنی و دشمن او را نفرین می کنی و حاجت خود را درخواست می نمایی.

دعای دیگری که در روز عید فطر هنگام رفتن برای ادای نماز وارد شده، از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام است. قسمتی از این دعای شریف که در خصوص حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد، چنین است:

اللهم صلی علی ولیک المنتظر امرك المنتظر لفرج اولیائک

اللهم اشعب به الصدع و ارتق به الفتق و امت به الجور و اظهر به العدل و زين بطول بقاء الارض و ایده بنصرک و انصره بالرعب. (1)

خداوندا بر ولایت که منتظر امرت و منتظر فرج دوستانت است، درود بفرست، خدایا اختلاف و شکاف را به وسیله او اصلاح و ترمیم فرما و ظلم را به دست او بمیران و عدل را به وجود او آشکار گردان و زمین را با ماندن طولانی اش مزین کن و او را با یاری خود تأیید و با ترس و وحشت یاری فرما.

می بینیم که امام هشتم علیه السلام با این دعاها یاد امام عصر علیه السلام را از همان زمان تاکنون زنده نگه داشته اند.

دعا در روز عرفه

یکی از روزهای سال که دعا در آن بسیار سفارش شده، روز عرفه یعنی نهم ذیحجه به خصوص عصر آن است. امام صادق علیه السلام این روز را یکی از اعیاد مسلمانان و «یوم دعاء و مسألة» خوانده اند. (2)

و مهمترین عمل در آن دعا کردن است، به گونه ای که روزه آن هم در صورتی مستحب است که شخص از دعا کردن ناتوان نشود. (3)

در این روز دعاهای متعددی از ائمه طاهرين عليهم السلام وارد شده که دارای مضامین بسیار بلند و پر محتوایی است و در بیشتر آنها دعاهای زیبایی در حق امام عصر علیه السلام وارد شده است. ما به چند نمونه از این دعاها اشاره می کنیم.

1-1. اقبال الاعمال، جلد 1، صفحه 284.

2-2. بحار الانوار، جلد 97، صفحه 134، به نقل از مجالس الشیخ.

3-3. همان، صفحه 212، به نقل از مجالس الشیخ.

در یکی از این دعاها که از زبان حضرت سید الساجدین علیه السلام نقل شده، چنین می خوانیم:

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و فرج عن آل محمد... و انجز لهم ما وعدتهم و بلغنی فتح آل محمد... اللهم صل علی محمد و آل محمد و اصلح لنا امامنا و استصلحه و اصلح علی یدیه و آمن خوفه و خوفنا علیه و اجعله اللهم الذی تنتصر به لدینک... .

خداوندا بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله درود بفرست و برای آل محمد صلی الله علیه و آله فرج و گشایش برسان... و آن چه را به ایشان وعده فرموده ای محقق کن و مرا به (زمان) پیروزی آل محمد صلی الله علیه و آله برسان... خدایا بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله درود بفرست و (امر فرج) امانم ما را برای ما اصلاح بفرما و او را (برای انجام رسالتهایش) شایسته قرار ده و به دستان او صلاح را جاری فرما و ترس او و ترس ما را بر او، به امنیت مبدل ساز و او را همان کسی قرار بده که به سبب او دینت را پیروز می کنی... .

اللهم املا الارض به عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً و امنن به علی فقراء المسلمین و اراملهم و مساکینهم و اجعلنی من خیار موالیه و شیعتہ اشدهم له حباً و اطوعهم له طوعاً و انفذهم لامره و اسرعهم الی مرضاته و اقبلهم لقوله و اقومهم بامره و ارزقنی الشهادة بین یدیه حتی القاک و انت عنی راض. (1)

خدایا زمین را به سبب او پر از عدل و داد فرما همان طور که از ظلم و جور پر شده است و به وسیله او بر مسلمانان فقیر و نیازمند (یا بیوه زنان) و بیچارگان آنها منت بگذار و مرا از بهترین پیروان و شیعیان او قرار ده که بیشترین محبت را نسبت به او دارند و مطیع ترین کسی در برابر اویند و امر او را بهتر از دیگران اطاعت می کنند و سریع تر (از دیگران) به (کسب) خشنودی او می شتابند و نسبت به سخن او پذیرنده تر (از دیگران) و در برابر امرش عامل تر هستند و شهادت پیش روی او را روزیم بفرما تا تو را در حالی که از من راضی و خشنود هستی، ملاقات نمایم.

ملاحظه فرمایید که چه دعا‌های زیبایی از زبان مبارك امام سجاد علیه السلام نسبت به خود امام عصر علیه السلام و دوستان ایشان صادر شده است. ابتدا فرج آل محمد صلی الله علیه و آله را از خدا طلب کرده و آرزو نموده اند که پیروزی آل محمد صلی الله علیه و آله را درك نمایند. تحقق این آرزو می تواند در زمان رجعت ائمه طاهرین علیهم السلام از جمله حضرت سجاد علیه السلام باشد که ادامه دهنده حکومت عدل جهانی امام عصر علیه السلام هستند. سپس از آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به عنوان «امامنا» یاد کرده اند. این تعبیر عظمت مقام حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان می دهد که حجت معصوم خداوند ایشان را پیشوای خود خوانده اند.

در قسمت بعدی دعا پس از درخواست پر شدن زمین از عدل و داد به دست امام عصر علیه السلام و منت گذاشتن خداوند بر بیچارگان و نیازمندان به وسیله آن حضرت، از خدا خواسته اند که در زمره بهترین شیعیان و دوستان ایشان باشند و در پایان هم شهادت در پیش روی

آن حضرت را از خداوند درخواست نموده اند. این دعاها بهترین و زیباترین آرزوهای يك مؤمن منتظر را بیان می ارد که در روز عرفه از خدایش طلب نماید.

دعای دیگری که در روز عرفه از وجود مبارك امام صادق علیه السلام نقل شده، دعای مفصلی است که مرحوم سید بن طاووس آورده است. این دعای شریف دارای مضامین بسیار عالی و پر محتواس است که دو قسمت از آن شامل دعا در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف م باشد. یکی از این موارد چنین است:

اللهم صلی علی محمد و آل محمد الذین اذہبت عنہم الرجس و طہرتہم تطہیراً اللہم افتح لہم فتحاً یسیراً و انصرہم نصراً عزیزاً اجعل لہم من لدنک سلطاناً نصیراً اللہم مکن لہم فی الارض و اجعلہم ائمة و اجعلہم الوارثین اللہم ارہم فی عدہم ما یاملون و ارعدوہم منہم ما یحذرون اللہم اجمع بینہم فی خیر و عافیة اللہم عجل الروح و الفرج لال محمد... (1)

در پایان همین دعا چنین می خوانیم:

اللہم یا رب نشکو غیبة نبینا عنا و قلة ناصرنا و کثرة عدونا و شدة الزمان علینا و وقوع الفتن بنا و تظاہر الخلق علینا اللہم صل علی محمد و آل محمد و افرج ذلک بفرج منک تعجلہ و ضر تکشفہ و حق تطہرہ اللہم ابعث بقائم آل

محمد صلی الله علیه و آله لدینک و اظهار حجنتک و القیام بامرک و تطهیر ارضک من ارجاسها برحمتک یا ارحم الراحمین... (1)

در این قسمت دعا هم به طور مشخص از قائم آل محمد صلی الله علیه و آله یاد شده و فرج کلی و نهایی به دست مبارک ایشان برای پاک شدن زمین از هر آلودگی درخواست شده است.

سومین دعایی که در این جا از آن یاد می کنیم، از زبان حضرت زین العابدین علیه السلام در روز عرفه صادر شده و دعای چهل و هفتم از صحیفه سجادیه می باشد. قسمتی از این دعا اختصاص به امام حی و حاضر در هر زمان دارد که در عصر ما بر وجو مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا فداه منطبق می گردد. این قسمت دعا چنین آغاز می شود:

اللهم انک ایدت دینک فی کل اوان بامام اقمته علماً لعبادک و مناراً فی بلادک بعد ان وصلت حبله بحبلک و جعلته الذریعة الی رضوانک و افترضت طاعته و حذرت معصیته و امرت بامثال اوامرہ و الانتہاء عند نهیہ و الا یتقدمه متقدم و لا یتاخر عنه متاخر فهو عصمة اللانذین و کھف المؤمنین و عروة المتمسکین و بهاء العالمین. (2)

خدایا تو دینت را در هر زمانی با امامی تأیید فرمودی که او را برای بندگانت به عنوان نشانه و در سرزمینهایت به عنوان راهنما

1-1. بحار الانوار، جلد 98، صفحه 255، به نقل از اقبال الاعمال.

2-2. صحیفه سجادیه، دعای 47.

اقامه نمودی، پس از آن که ریسمان او را به ریسمان خود وصل کری و او را وسیله (کسب) خشنودی خود قرار دادی و فرمانبری از او را واجب نمودی و از نافرمانی او بر حذر داشتی و به اطاعت از دستوراتش و پرهیز از منهیاتش امر فرمودی و به این که هیچ کس از او جلو نیفتد و عقب نماند (امر کردی) پس او پناه دهنده به پناهندگان و مأمن اهل ایمان و دستاویز محکم چنگ زندگان و نور با شکوه جهانیان است.

به دنبال این قسمت دعاهایی در حق این امام گرانقدر و بی نظیر مطرح فرموده اند که بیشتر آنها درخواست فرج برای ایشان است. سپس دعا در حق دوستان و پیروان ایشان آغاز می شود که آنها هم بسیار پر محتوا و نغز است. ما برای رعایت اختصار از نقل و ترجمه قسمتهای دیگر این دعای شریف خودداری می کنیم و خوانندگان محترم را به صحیفه سجادیه ارجاع می دهیم.

نتیجه ای که از نقل این سه نمونه دعا برای امام عصر علیه السلام در روز عرفه می گیریم، این است که مؤمنان در ایام عرفه - به خصوص در دوران غیبت امامشان - نباید از خواندن این دعاها غفلت نمایند.

شایسته نیست که در روز عرفه - که این همه تأکید بر دعا به پیشگاه الهی صورت گرفته - دعا برای امام زمانمان را فراموش کنیم و تنها به فکر خودمان باشیم، هر چند که اگر خیر و صلاح دنیا و آخرت خودمان را هم می خواهیم، بهترین راهش دعا در حق امام غریبمان است. به هر حال توجه به اهمیت دعا برای امام علیه السلام در روز عرفه توفیق انسان را در انجام آن بیشتر و بهتر می سازد.

درس پانزدهم: زمانهای مناسب دعا (4)

اشاره

بحث در مورد زمانهایی بود که جهت دعا برای وجود مقدس امام عصر علیه السلام مناسبت بیشتری دارد.

دعا در ماه مبارك رمضان

در بین ماههای قمری، ماه مبارك رمضان برتری خاصی بر دیگر ماهها دارد. به همین جهت است که این ماه خداوند منسوب و «شهر الله» نامیده شده است. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند:

شهر رمضان شهر الله عزوجل و هو شهر یضاعف الله فيه الحسنات و یمحو فيه السيئات ... و لا یكون شهر رمضان عندكم کغیره من الشهور فان له عند الله حرمة و فضلاً علی سائر الشهور. (1)

1-1. بحار الانوار، جلد 96، صفحه 340، حدیث 5، به نقل از فضائل الاشهر الثلاثة.

ماه رمضان ماه خدای عزوجل است و آن ماهی است که خداوند در آن (پاداش) خوبی ها را چند برابر می کند و بدیها را در آن از بین می برد... و نباید ماه رمضان نزد شما مانند سایر ماهها باشد، زیرا آن (ماه) نزد خداوند احترام و فضیلتی خاص بر سایر ماهها دارد.

روشن است که در چنین ماهی دعا در حق امام عصر علیه السلام که عبادت بسیار بزرگی است، فضیلت فوق العاده ای پیدا می کند و آثار و برکات آن چندین برابر ماههای دیگر می شود. از فضایل خاص ماه مبارك رمضان فرمایش امام هشتم علیه السلام است که فرمودند:

من اعان فيه مؤمناً اعانه الله تعالى على الجواز على الصراط يوم تزل فيه الاقدام ... و من نصر فيه مظلوماً نصره الله على كل من عاداه في الدنيا و نصره يوم القيامة عند الحساب و الميزان. (1)

هر کس در ماه رمضان مؤمنی را کمک کند، خدای متعال در روزی که قدمها روی صراط می لغزد، برای عبور از آن کمکش می کند... و هر کس در آن (ماه) مظلومی را یاری کند، خداوند در دنیا بر همه کسانی که با او دشمنی می کنند، یاریش می نماید و در روز قیامت هنگام محاسبه و سنجش اعمال نیز یاریش می کند.

نکته ای که - با الهام از فرمایش مرحوم صاحب مکیال در کتاب ارزشمندشان - از این حدیث شریف استفاده می توان کرد این است که دعا بر تعجیل فرج امام زمان علیه السلام از مصادیق اعانت (کمک) و نصرت

1-1. بحار الانوار، جلد 96، صفحه 341، حدیث 5، به نقل از فضائل الا شهر الثلاثة.

(یاری) ایشان است. وقتی کمک کردن به مؤمن چنان فضیلتی دارد، که مؤمن از وجود مقدسی امام عصر علیه السلام بالاتر یافت می شود که بتوان با دعا در حق ایشان یاریش کرد؟ هم چنین اگر یاری مظلوم، پادشاهای عظیم دنیوی و اخروی دارد، کدام مظلومی از مولای غریبمان حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام مظلوم تر یافت می شود که بتوان به یاری ایشان شتافت؟ اینجاست که برخی از برکات دعا در حق آن عزیز در ماه مبارك رمضان برایمان روشن تر می گردد.

اگر کسی بخواهد از این فرصت طلایی برای دعا در حق مولایش بهره مند گردد، می تواند از خواندن دعاهای مأثور در این ماه شریف کمال استفاده را ببرد. ما در این جا به بیان فهرستی از مهمترین ادعیه ماه مبارك رمضان که شامل دعا برای امام عصر علیه السلام است، اکتفا می کنیم و خوانندگان محترم را به کتب و منابع خاص آنها ارجاع می دهیم.

اولین دعایی که در ابتدای ماه مبارك از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده، شامل مناجاتهایی با خدای متعال است و قسمتی از آن هم دعا در حق امام زمان علیه السلام و درخواست خدمتگزاری در دولت کریمه آن بزرگوار می باشد، عرضه می داریم:

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة... اللهم انا نشكو اليك غيبة نبينا و كثرة عدونا... (1)

این عبارات بسیار شبیه عبارات دعای افتتاح است که از وجود مقدس امام عصر علیه السلام صادر شده است.

در قسمت دیگری از این دعای شریف، نام مقدس چهارده معصوم علیهم السلام به صراحت ذکر شده و از آخرین وصی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله تحت عنوان «الحجة القائم بالحق» یاد شده است. (1)

دومین دعایی که خواندن آن در ماه مبارک رمضان بسیار مورد تأکید قرار گرفته، دعای شریف افتتاح می باشد. این دعایی است که نایب دوم امام عصر علیه السلام جناب محمد بن عثمان بن سعید عمروی در دفتری نوشته و به خواندن آن مقید بود. راوی دعا می گوید: در ابتدای آن چنین نوشته بود:

تدعو بهذا الدعاء في كل ليلة من شهر رمضان فان الدعاء في هذا الشهر تسمعه الملائكة و تستغفر لصاحبه. (2)

این دعا را در هر شب ماه رمضان می خوانی، زیرا در این ماه فرشتگان دعا را می شنوند و برای صاحب آن طلب مغفرت می نمایند.

ظاهر عبارت دلالت می کند بر این که این عبارت فرمایش امام زمان علیه السلام به نایب خاص خود باشد و اصل دعا هم از خود حضرت است. این دعا را مرحوم محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف در کتاب مستطاب مفاتیح الجنان ذکر فرموده و شامل دعاهای زیبایی در حق امام زمان علیه السلام از جمله درخواست تعجیل فرج ایشان می باشد.

1-1 این دعای شریف را مرحوم علامه مجلسی در کتاب گرانقدر بحار الانوار، جلد 97، از صفحه 326 تا 340 به نقل از اقبال الاعمال سید بن طاووس نقل فرموده است.

2-2. اقبال الاعمال، جلد 1، صفحه 58.

سومین دعا مربوط به روزهای ماه مبارك رمضان است. این دعای شریف هم در کتاب مفاتیح الجنان به طور کامل - البته با مختصر اختلافی در برخی از تعابیر نسبت به نقل بحار - نقل شده و با این عبارت آغاز می گردد.

اللهم هذا شهر رمضان.

برخی از عبارات دعا که به وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط می شود، این است:

یا رب محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد صلی الله علیه و آله اغضب الیوم لمحمد و لابرار عترته ... انت خلیفة محمد و ناصر محمد و مفضل محمد اسالك ان تصل یعلی محمد و آل محمد و ان تنصر خلیفة محمد و وصی محمد و القائم بالقسط من اوصیاء محمد... (1).

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد امروز به خاطر محمد صلی الله علیه و آله و یاری کننده غضب فرما... تو جانشین محمد صلی الله علیه و آله و یاری کننده محمد صلی الله علیه و آله و برتری دهنده محمد صلی الله علیه و آله هستی، از تو می خواهیم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و جانشین محمد صلی الله علیه و آله و وصی محمد صلی الله علیه و آله و به پا دارنده عدل از اوصیای محمد صلی الله علیه و آله را یاری فرمایی.

روشن است که نتیجه غضب خداوند به خاطر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت پاکش، اذن ظهور به آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد و این که

خداوند را خلیفه و جانشین محمد صلی الله علیه و آله می خوانیم، به این جهت است که انتقام گیرنده از دشمنان او و عترت پاکش خود خداست و این انتقام به ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه واقع می شود.

چهارمین دعا در ماه مبارک رمضان که در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد، مربوط به شب ششم این ماه شریف است. قسمتی از دعا این است:

اسالك ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تجعل فرج آل محمد و فرجنا بفرجهم. (1)

پنجمین دعا در ماه رمضان، به روز هشتم این ماه مبارک مربوط است که قسمتی از آن چنین است:

اسالك ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تجعل فرج آل محمد و فرجی معهم و فرج کل مؤمن و مؤمنة. (2)

ششمین دعا در ماه مبارک مربوط به شب دوازدهم ماه رمضان است. در این دعا تعجیل فرج آل محمد صلی الله علیه و آله همراه با عافیت از خداوند درخواست شده است. (3)

هفتمین دعا در ماه مبارک اختصاص به روز سیزدهم این ماه دارد.

این دعا در کتاب شریف بحار الانوار علامه مجلسی و نیز کتاب مکمال المکارم به طور کامل از کتاب اقبال الاعمال مرحوم سید بن طاووس نقل

1-1. بحار الانوار، جلد 98، صفحه 24.

2-2. همان، صفحه 28، به نقل از اقبال الاعمال.

3-3. همان، صفحه 34.

شده است. (1)

دعای دیگری هم برای روز سیزده ماه مبارک نقل شده که علاقه مندان می توانند به کتاب اقبال الاعمال مرحوم سید بن طاووس رجوع نمایند. (2)

دعای هشتم در این خصوص مربوط به روز هجدهم ماه مبارک رمضان است که مرحوم علامه مجلسی از کتاب اقبال الاعمال نقل فرموده است. (3)

پس از روز هجدهم ماه مبارک رمضان، از شب نوزدهم بحث مربوط به شب قدر مطرح می شود که بهترین شب سال است و اختصاص تام به وجود مقدس امام عصر علیه السلام دارد. ما در این کاب قصد توضیح این مطلب را نداریم و از خدای منان توفیق انجام این خدمت را در مجالی مستقل طلب می کنیم. در این جا می خواهیم توجه خوانندگان محترم را به وسعت ادعیه مربوط به امام زمان علیه السلام در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان جلب نماییم تا انشاء الله همگی با ایمان و انگیزه قویتری به این عبادت شریف (دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام) به خصوص در ماه رمضان پردازیم.

دعای نهم در ماه مبارک رمضان - دعایی است که امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم آن ماه خوانده اند. حماد بن عثمان نقل می کند که نماز صبح روز بیست و یکم ماه رمضان را به آن حضرت اقتدا نمودیم.

1-1. بحار الانوار، جلد 98، صفحه 37، و مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 43 و 44.

2-2. متن این دعا در کتاب صحیفه مهدیه، باب پنجم، عنوان دهم، به نقل از کتاب اقبال الاعمال آمده است.

3-3. بحار الانوار، جلد 98، صفحه 49 و صحیفه مهدیه، باب پنجم، عنوان یازدهم، به نقل از اقبال الاعمال.

ایشان در رکعت اول سوره حمد و سوره قدر را تلاوت فرمودند و در رکعت دوم، حمد و قل هو الله احد را خواندند. پس از ادای نماز و تعقیبات آن به سجده رفتند و زمان طولانی در سجده بودند و دعایی خواندند که در ضمن آن از خداوند به اسامی مختلف، فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درخواست نمودند. این دعا را مرحوم صاحب مکیال در کتاب شریف خود به طور کامل نقل فرموده است. (1)

دهمین و آخرین دعایی که در ماه مبارك رمضان نقل می کنیم، مربوط به شب بیست و سوم این ماه است که به تصریح برخی روایات، شب قدر می باشد. دعایی که در این شب گرانقدر بسیار مورد تأکید قرار گرفته، دعای معروف اللهم کن لولیک ... می باشد. این دعا در سندها متعدد شیعی، با اختلاف اندکی در برخی الفاظش ذکر شده و ما آن را مطابق نقل مرحوم علامه کلینی در کتاب شریف کافی در این جا می آوریم. (2)

محمد بن عیسی با اسناد خود از ائمه طاهرین علیهم السلام نقل کرده که فرمودند:

تکرر فی لیلة ثلاث و عشرين من شهر رمضان هذا الدعاء ساجداً وقائماً وقاعداً و علی کل حال و فی الشهر کله و کیف امکنک و متی حضرتک من دهرک تقول بعد تحمید الله تبارک و تعالی و الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله اللهم کن لولیک

1-1. مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 44 و 45.

2-2. لازم به ذکر است که مقاله بسیار خوبی درباره بررسی سندی این دعا در فصل نامه انتظار، شماره 18، از آقای حمید احدی جلفایی به چاپ رسیده که مطالعه آن مفید است.

فلان بن فلان في هذه الساعة وفي كل ساعة ولياً و حافظاً و ناصرأ و دليلاً و قائداً و عيناً حتى تسكنه ارضك طوعاً و تمتعه فيها طويلاً. (1)

در شب بیست و سوم ماه رمضان این دعا را در حال سجده و ایستاده و نشسته و در هر حالتی تکرار می کنی، هم چنین در همه ماه (رمضان) و هر طور که برایت امکان پذیر بود و در هر زمانی از عمرت، پس از بیان حمد خدای تبارک و تعالی و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله می گویی: اللهم کن لولیک

ملاحظه می شود که در نقل کافی اسم مبارک امام زمان علیه السلام ذکر نشده و روشن است که این امر از ناحیه خود ائمه علیهم السلام باشد یا از جانب رایان، به خاطر مصالحی هم چون تقیه و امثال آن بوده است و در بعضی نقلهای دیگر - هم چون نقل مرحوم کفعمی در المصباح - به نام مبارک امام علیه السلام نام پدرشان و لقب «المهدی» تصریح شده است.

به هر حال این امر هیچ اشکالی در دلالت حدیث بر وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام وارد نمی سازد.

هم چنین اختلاف مختصری که در برخی کلمات دعا یا ترتیب بیان آنها با آن چه مشهور است وجود دارد نیز، اصل اعتبار آن را مخدوش نمی سازد. ما می توانیم این دعا را به هر یک از صورتهایی که نقل شده، به قصد ورود بخوانیم. (2)

1-1. فروع کافی، جلد 4، صفحه 162، حدیث 4.

2-2. طرق مختلف نقل این دعا در مقاله «بررسی سندی دعای سلامت امام زمان علیه السلام» در شماره 18 فصلنامه انتظار آمده است.

با رجوع به منابع مختلفی که این دعا را نقل کرده اند، روشن می شود که بهترین وقت خواندن آن، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در حالات مختلف است که بر تکرار آن نیز تأکید فرموده اند. البته همان طور که از متن حدیث بر می آید، در هر زمان دیگری نیز می توانیم این دعا را بخوانیم.

قابل ذکر است که همین دعا به صورت کاملتری هم در برخی منابع نقل شده که عمل به آن می تواند بهره دعا کننده را در شب قدر و زمانهای دیگر بیشتر و بهتر گرداند. [\(1\)](#)

این ده مورد از دعا برای امام عصر علیه السلام را در ماه مبارک رمضان به صورت بسیار فشرده نقل کردیم تا روشن شود که يك مؤمن منتظر چگونه می تواند از برکات این ماه خدا برای تقرب بیشتر به پروردگارش از طریق انجام بهترین عبادت (دعا در حق مولای غریبش) استفاده کامل ببرد.

دعا در شب و روز نیمه شعبان

شب نیمه شعبان یادآور میلاد اولین و آخرین امید همه انبیا و اولیای الهی است، علاوه بر آن که به خودی خود دارای فضایل خاصی می باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند که از پدرشان درباره فضیلت شب نیمه شعبان پرسیدند. ایشان چنین اظهار فرمودند:

هل افضل ليلة بعد ليلة القدر فيها يمنح الله تعالى العباد فضله و يغفر لهم بمنه فاجتهدوا في القرية الى الله فيها فانها

1-1 رجوع کنید به: بحار الانوار، جلد 97، صفحه 349، به نقل از اقبال الاعمال.

ليلة الى الله تعالى على نفسه ان لا يرد سائلاً له فيها ما لم يسأل معصية... (1)

آن شب بهترین شب پس از شب قدر است که خدای متعال فضل خویش را به بندگان عنایت می فرماید و آنها را از روی منت خویش می آمرزد. پس در تقرب جستن به سوی خداوند در آن بکوشید، زیرا آن شبی است که خدای متعال به ذات مقدسش سوگند خورده است که هیچ سؤال کننده ای را در آن رد نکند مادام که معصیتی را درخواست نکند...

وعده ای که در این حدیث شریف مطرح شده، این است که هیچ سائلی مادام که از خدا معصیتی را درخواست نکند، دست خالی نمی ماند. اگر قرار باشد که در شب نیمه شعبان دعای ما رد نشود و از درگاه خداوند ناامید برنگردیم، چه درخواستی مهمتر از رفع غیبت امام غایبمان وجود دارد که آن را از پروردگار طلب نماییم؟ اگر در هیچ شب و روزی در سال به یاد مولایمان نیستیم، لااقل در سالگرد میلادش جای خالی اش را حس کنیم و در کنار جشن و سرورها به خود آییم و از خود سؤال کنیم: چرا تاکنون کاری برای تعجیل فرجش انجام نداده ایم؟ آیا نقل و شیرینی تنها درد غیبت اماممان را التیام می بخشد؟ آیا چراغانی ها غم هزار و صد هفتاد و ساله مولایمان را از بین می برد؟! به چه دل خوش کرده ایم که این قدر غافل هستیم؟ چرا دردمان نمی آید؟! چرا فکری برای این که خداوند زودتر اماممان را برساند، نمی کنیم؟

اگر به تك تك ما علاقة مندان به امام عصر عليه السلام که در نیمه شعبان

به خاطر سالروز میلادش جشن می‌گیریم - بگویند که خداوند تصدق سر آن آقای مهربان، در شب میلادش يك دعای هر کدامه از شما را مستجاب می‌فرماید و این همان وعده امام باقر علیه السلام است، در این صورت چند در صد از ما دوستان آن حضرت این دعای مستجاب را برای تعجیل فرج ایشان می‌خواهیم؟ آیا این امر را بر درخواست منافع شخصی خود ترجیح می‌دهیم؟ اگر واقعاً چنین است، خوشا به حالمان و گوارای وجودمان! ولی اگر چنین نیست، وای به حالمان و اف بر ما به خاطر این همه ناسپاسی از مهربانی‌های مولایمان که هر چه داریم از اوست ولی فراموش می‌کنیم و آن گاه که در رحمت الهی به سوی ما گشوده می‌شود، به یاد فرج او نیستیم. به هر حال واقعاً مصداق قطعی ناشکری این است که در شب نیمه شعبان هم برای تعجیل در فرج مولایمان دعا و اصرار نکنیم. این دعا می‌تواند به هر زبانی و بیانی مطرح شود، اما دعای بسیار زیبایی از بزرگان محدثین شیعه برای شب نیمه شعبان نقل شده که باید با تأمل و حضور قلب کافی خوانده شود.

خواندن این دعا به تصریح مرحوم شیخ طوسی در شب نیمه شعبان مستحب است. (1)

متن دعا در کتابهای متعددی از جمله مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه الشریف آمده و در سالهای اخیر شرح نسبتاً جامعی بر آن نگاشته شده است. (2)

ابتدای آن چنین است:

اللهم بحق ليلتنا هذه و موعودها.

1-1. مصباح المجتهد، صفحه 773.

2-2. کتاب «سوگند به نور شب تاب» اثر محقق دانشمند جناب آقای سید مجتبی بحرینی.

دعای روز دحو الارض

یکی از مناسبت‌های مهم زمانی برای دعا در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف روز بیست و پنجم ماه ذیقعد می باشد که آن را روز «دحو الارض» می نامند. «دحو» به معنای بسط و گسترش دادن است و مراد از دحو الارض گسترش دادن زمین از زیر خانه کعبه است که نشانگر ابتدای خلقت زمین می باشد. فضایی برای این روز نقل شده از جمله این که روزه آن ثواب روز شصت ماه را دارد. (1)

دعای بسیار پر محتوایی در این روز وارد شده که شامل درخواست تعجیل فرج حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد. قسمتی از این دعای شریف چنین است:

اللهم وعجل فرج اولیائک و اردد علیهم مظالمهم و اظهر بالحق قائمهم و اجعله لدینک منتصراً و بامرک فی اعدانک موتمراً احففه بملائکة النصر بما القیت علیه من الامر فی لیلۃ القدر منتقماً لک حتی ترضی و یعود دیک به و علی یدیه جدیداً غضاً و یمحض الحق محضاً و یرفض الباطل رفضاً. (2)

و خدایا در فرج اولیای خود تعجیل فرما و حقوق از دست رفته آنان را به ایشان بازگردان و قائم ایشان را با حق آشکار گردان و او را پیروز کننده دینت قرار ده و امر خود را به سبب او در حق

1-1. بحار الانوار، جلد 97، باب 63، حدیث 1.

2-2. البلد الامین، صفحه 243.

دشمنانت نافذ قرار ده. خدایا او را با فرشتگان یاری دهنده و اموری که در شب قدر به او القا فرموده ای احاطه فرما، تا انتقام تو را (از دشمنانت) بگیرد تا این که راضی و خشنود شوی و دینت به واسطه او و به دست او تازه و نو شود و حق را خالص گرداند و باطل را برای همیشه کنار گذارد.

چه خوب است که دوستداران حضرت از خواندن این دعای شریف در این روز عزیز غفلت ننمایند.

درس شانزدهم: زمانهای مناسب دعا (5)

اشاره

بحث در مورد زمانهای مناسب برای دعا در حق امام زمان علیه السلام را با ذکر آخرین مورد به پایان می بریم.

دعا در روز عاشورا

از روزهایی که تعلق خاص به وجود مقدس امام زمان علیه السلام دارد، روز دهم محرم الحرام یعنی عاشورای حسینی علیه السلام است. در حدیثی از حضرت باقر العلوم علیه السلام نقل شده که فرمودند: مؤمنان در روز عاشورا وقتی یکدیگر را ملاقات می کنند، با این عبارات به هم تسلیت بگویند:

عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام و جعلنا و ایاکم من الطالبین بئاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد صلی الله علیه و آله. (1)

خداوند پادشاهی ما را به خاطر مصیبتمان به جهت (امام)

1-1. کامل الزیارات، باب 71، حدیث 9.

حسین علیه السلام بزرگ بدارد و ما و شما را از خونخواهان آن حضرت به همراه ولیش امام مهدی علیه السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله قرار دهد.

«ثار» به معنای خون است و «طلب ثار» یعنی خونخواهی. وقتی کسی به ناحق کشته می شود، اولیای دم او صاحبان خونش هستند که از طرف خداوند حق انتقام گرفتن از قاتل ظالم را دارند. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید:

«من قتل...» (1)

هرکس مظلوم کشته شود، برای ولی او (نسبت به قاتل) سلطه قرار دادیم.

نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که انتقام خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام يك امر الهی است و جنبه تسویه حساب و تشفی خاطر شخصی برای هیچ کس ندارد، یعنی این انتقام گرفتن مانند انتقامهایی که بعضی افراد در دنیا - به خاطر بغض و کینه مادی شخصی - از یکدیگر می گیرند، نیست و صرفاً جنبه الهی دارد و در حقیقت يك کار خدایی است نه بشری.

خداوند، طالب خون حسین علیه السلام

با این توضیح می توانیم ادعا کنیم که اولین ولی دم سید الشهداء علیه السلام در حقیقت خود خداوند است. ما به معنای واقعی کلمه خدای متعال را طالب حقیقی خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام می دانیم. در برخی از احادیث قدسی هم به این معنا تصریح شده که انتقام گیرنده از قاتل آن

حضرت خود خداوند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

وقتی حضرت موسی علیه لاسلام برادرش هارون را از دست داد، از خدا برای او طلب مغفرت نمود. خداوند متعال در پاسخ به موسی علیه السلام وحی فرمود:

یا موسی لو سالتنی فی الاولین و الاخرین لاجبتک ما خلا قاتل الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام فانی انتقم له من قاتله. (1)

ای موسی اگر درباره اولین و آخرین از من چیزی بخواهی، تو را اجابت می کنم جز قاتل حسین بن علی بن ابیطالب علیهما السلام که من از قاتلش انتقام می گیرم.

ملاحظه می شود که خداوند متعال خود را انتقام گیرنده خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام معرفی فرموده و شاید وجه تسمیه آن حضرت به «ثار الله» همین مطلب باشد. (2)

در زیارت روز عاشورای آن حضرت که الفاظش حدیث قدسی است - خطاب به ایشان می گوئیم:

السلام عليك یا ثار الله و ابن ثاره. (3)

با این عنایت تعبیر «ثار الله» یعنی خونی که صاحب و مالکش خداست، همان معنایی که از ولی دم اراده می شود. البته تعبیر «ابن ثاره» هم دلالت دارد بر این که مالک و ولی خون به ناحق ریخته

1-1. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد 2، صفحه 47، حدیث 179.

2-2. این نکته را مرحوم صاحب مکیال المکارم در جلد دوم کتابش، صفحه 458، تذکر فرموده اند رحمة الله علیه.

3-3. کامل الزیارات، باب 71، حدیث 9.

امیر المؤمنین علیه السلام هم خود خداست.

با این ترتیب اضافه کلمه «ثار» به «الله» از قبیل اضافه يك چیز به مالك و صاحب اختیار آن است و لذا در ترجمه فارسی آن به «خون خدا» باید توجه شود که معنای نادرستی از آن برداشت نشود. پس خدای متعال اولین طالب خون مطهر سید الشهداء علیه السلام است.

امام عصر علیه السلام خونخواه ابی عبدالله الحسین علیه السلام

دومین خونخواه، آن کسی است که خداوند به دست او از کشتگان سید الشهداء علیه اسلام خونخواهی می فرماید این وجود مقدس را خدای متعال در زمانهای مختلف معرفی کرده است. یکی از این مواقع، عصر روز عاشورای سال 61 هجری بود که امام صادق علیه السلام در این مورد چنین فرمودند:

لما كان من امر الحسين عليه السلام ما كان ضجت الملائكة ال الله بالبكاء وقالت يا رب هذا الحسين عليه السلام صفيك و ابن بنت نبيك ... فاقام الله ظل القائم عليه السلام وقال بهذا انتقم لهذا. (1)

وقتی کار حسین علیه السلام تمام شد (به شهادت رسید) فرشتگان گریه کنان به ضجه در آمدند و عرضه داشتند: پروردگارا این حسین علیه السلام برگزیده تو و پسر دختر پیامبرت است! ... پس خداوند نور قائم علیه السلام را اقامه فرمود و گفت: به این (قائم) انتقام این (شهید) را می گیرم.

طبق این حدیث شریف و امثال آن که مکرر در فرمایشهای

اهل بيت عليهم السلام آمده است، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف از جانب خدای متعال طالب خون جد شهیدش می باشد و خداوند عمل این بنده برگزیده و معصومش را به خود نسبت داده است.

مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام

اما طالب خون مقدس سید الشهداء علیه السلام فقط خدا و امام زمان علیه السلام نیستند، بلکه در مرتبه سوم، یاران و اصحاب قائم علیه السلام می باشند که به همراه مولایشان به خونخواهی از سرور شهیدان عالم قیام می کنند. مطابق آن چه در احادیث آمده، شعار امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور و شعار یاران ایشان «یا لثارات الحسین» است. امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت بقیه الله ارواحنا فداه فرمودند:

یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله شعارهم یا لثارات الحسین علیه السلام ... بهم ینصر الله امام الحق. (1)

آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند، شعارشان «یا لثارات الحسین» است ... خداوند به وسیله ایشان امام حق را یاری می فرماید.

شعار «یا لثارات الحسین» نشانگر این حقیقت است که طلب خون امام حسین علیه السلام در رأس اهداف قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف می باشد.

حال اگر کسی توفیق طلب خون مطهر سید الشهداء علیه السلام را پیدا کند، می تواند خود را پس از خدا و ائمه طاهرين عليهم السلام ولی دم امام

حسین علیه السلام بداند. چنین کسی می تواند خون آن حضرت را به خود منسوب کرده، بگوید: «ثاری» و مقصود این باشد که او خود، صاحب و ولی دم مولای شهیدش حضرت حسین بن علی علیهما السلام است. به این عبارت زیبا از زیارت عاشورا توجه فرمایید:

اساله ... ان یرزقنی طلب ثاری مع امام مهدی ظاهر ناطق منکم. (1)

از او (خداوند) درخواست می کنم... که طلب خون خودم را همراه با امام مهدی (یا هدایت شده) آشکار و ناطق از شما (اهل بیت علیهم السلام) روزیم نماید.

این که کلمه «ثار» به یاء «متکلم» اضافه شده، می تواند به این معنا باشد که زائر امام حسین علیه السلام خود را صاحب خون آن حضرت و یکی از اولیای دم ایشان می شناسد و از خداوند می خواهد که آرزوی خونخواهی آن حضرت را نصیبش فرماید.

حقیقت مهمی که به مؤمنان اجازه می دهد خود را ولی دم ابی عبدالله الحسین علیه السلام بدانیم، این است که طبق بیانات نورانی ائمه طاهرین، امام علیه السلام پدر واقعی همه مؤمنان هستند و کسی که پدرش مظلومانه به قتل سیده است، می تواند خود را صاحب خون به ناحق ریخته پدر بداند. با چنین اعتقادی است که هر مؤمن امام شناس می تواند خون مطهر سید الشهداء علیه السلام را به خود منسوب نماید و تعبیر «طلب ثاری» را در زیارت عاشورا به کار ببرد.

اکنون سؤال این است که: آیا این خونخواهی به زمان ظهور امام

عصر علیه السلام اختصاص دارد یا تحقق آن در زمان غیبت ایشان هم امکان پذیر است؟

نکته زیبا و لطیفی که در کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» مطرح شهخ، پاسخ خوبی به این پرسش می باشد. خلاصه فرمایش ایشان این است که انجام هر عملی که اسباب خونخواهی سید الشهداء علیه السلام را فراهم نماید، مصداق طلب کردن خون آن حضرت است و با این همه تأکیدی که بر دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام و تأثیر آن در جلو افتادن ظهور ایشان صورت گرفته، قطعاً این دعا مصداق طلب خون سیدالشهداء علیه السلام خواهد بود. (1)

با این توضیحات روشن می شود دعایی که - به تعلیم امام باقر علیه السلام مؤمنان در روز عاشورا به عنوان تسلیت به یکدیگر می گویند، چه دعای با عظمت و عجیبی است. وقتی می گوئیم: عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام ... در حقیقت خود را به خاطر آن چه بر ابی عبدالله الحسین علیه السلام گذشته است، مصیبت زده و صاحب عزا می دانیم، لذا هر مؤمنی دیگری را در تحمل این مصائب مأجور دانسته، از خداوند بزرگداشت این اجر را طلب می کند. و وقتی اضافه می کنیم:

و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدي من آل محمد صلی الله علیه و آله.

بزرگترین آرزوی خود را در زمان ظهور امام عصر علیه السلام از خداوند مسألت می کنیم. اما با توجه به نکته پیش گفته می توانیم در همین روز

عاشورا طلب کردن خون سیدالشهداء علیه السلام را جامه عمل بپوشانیم و این کار با دعا بر تعجیل فرج منتقم ابی عبدالله الحسین علیه السلام محقق می شود.

به فرمایش صاحب کتاب مکمال المکارم، اگر دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام هیچ ثوابی جز همین فضیلت نداشته باشد، از جهت فضل و شرف کفایت می کند و چگونه چنین نباشد، در حالی که فضیلت طلب خون سید الشهداء علیه السلام قابل احصا و پاداش آن قابل محاسبه نیست؟! (1)

بهترین عمل در روز عاشورا

علاوه بر این خوب است بدانیم که بنابر برخی از روایات روز عاشورا به عنوان روز ظهور امام زمان علیه السلام مشخص شده است. از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

يقوم في يوم عاشوراء وهو اليوم الذي قتل فيه الحسين بن علي عليهما السلام.

(قائم علیه السلام) در روز عاشورا - همان روزی که حسین بن علی علیهما السلام در آن کشته شدند، قیام می کند.

در این حدیث روز عاشورا به عنوان روز قیام امام عصر علیه السلام مقدر شده، اما در عین حال به سبب بدایی بودن زمان ظهور، این تقدیر الهی دست خدا را نمی بندد و روز آن قابل تغییر می باشد. با این وصف، امید ما به قیام حضرت مهدی علیه السلام در روز عاشورا به خاطر این حدیث شریف زیاد است و این خود انگیزه دیگری برای دعا در حق آن حضرت

و درخواست تعجیل در فرجشان می باشد.

با مراجعه به اعمالی که ائمه طاهرین علیهم السلام برای روز عاشورا تعیین فرموده اند، می بینیم که تأکید زیادی بر دعای تعجیل فرج با بیانی که حاکی از سوز دل آن بزرگواران است، به چشم می خورد. ما در این جا به نمونه ای از این دعاها اشاره می کنیم. عبدالله بن سنان می گوید: روز عاشورا به محضر آقا امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم. ایشان را با رنگ و رویی گرفته و ظاهری غمگین یافتم در حالی که از چشمان مبارکشان اشک هم چون در سرازیر بود. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گریه شما به خاطر چیست؟ خداوند چشمانتان را گریان نکند ایشان به من فرمودند:

آیا غافل هستی؟ نمی دانی که در چنین روزی حسین بن علی علیهم السلام به شهادت رسید؟! آن گاه پس از بیان مطالبی فرمودند:

در چنین ساعتی از روز عاشورا جنگ از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله برطرف گردید و آتش آن خاموش شد در حالی که سی نفر از آنها در میان عزیزانشان به زمین افتاده بودند که این امر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله گران و سخت بود و اگر ایشان آن روز در دنیا زنده بودند، به خاطر آنان عزادار بودند.

اینجا امام صادق علیه السلام چنان گریستند که محاسن شریفشان به اشکهای چشمانشان تر شد. سپس در ادامه فرمایشهای خود به عبدالله بن سنان فرمودند:

بهترین عملی که می توانی در این روز انجام دهی این است که لباسهای پاک پوشی و دکمه های آن را نبندی و آستین های آن

را تا آرنج بالا بزنی، درست مانند مصیبت دیدگان، سپس به يك زمين خالی و متروکه یا جایی که کسی تو را نبیند یا به يك منزل خالی یا مکان خلوتی می روی در اواسط روز (حوالی ظهر)، آن گاه چهار رکعت نماز با رکوع و سجود نیکو می خوانی که پس از هر دو رکعت آن سلام می دهی. در رکعت اول سوره حمد «قل یا ایها الکافرون» و رکعت دوم حمد و «قل هو الله احد» دو رکعت بعدی، رکعت اول حمد و سوره احزاب و رکعت دوم حمد و سوره «اذا جاءك المنافقون» یا هر چه از قرآن میسر شد، می خوانی.

سپس سلام می دهی و روبه سوی قبر و مرقد شریف حسین علیه السلام می کنی و قتلگاه ایشان و فرزندان و نزدیکانش را در نظر خود مجسم می کنی و به ایشان سلام می دهی و درود می فرستی و کشندگان او را لعنت می کنی و از کارهایشان بیزاری می جویی. خدای عزوجل به سبب این اعمال، تو را به درجات بالای بهشت می رساند و گناهانت را می ریزد. سپس از مکانی که هستی - هر جا که باشد - قدمهایی بر می داری و در حال حرکت می گویی:

انا لله و انا اليه راجعون رضی بقضائه و تسليماً لامره.

و باید در این کارها حالت غم و اندوه داشته باشی و ذکر خدای سبحان و کلمه استرجاع (انا لله و انا اليه راجعون) را زیاد داشته باش، پس وقتی همه این کارها را انجام دادی، در محلی که نماز خواندی بایست و بگو:

اللهم عذب الفجرة الذين شاقوا رسولك

در چند قسمت از این دعا، درخواست تعجیل فرج برای آل محمد صلی الله علیه و آله مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

اللهم وعجل فرج آل محمد ... وافتح لهم فتحاً يسيراً واتح لهم روحاً وفرجاً قريباً... .

آن گاه دستهایت را بالا بگیر و به حال قنوت بخوان:

... اللهم ان سنتك ضائعة و احكامك معطلة و عترة نبيك في الارض هائمة اللهم فاعن الحق و اهله و اقمح الباطل و اهله و من علينا بالنجاة ... و عجل فرجنا و انظمه بفرج اوليائك... .

خدایا به سنت تو عمل نمی شود و احکامت تعطیل است و عترت پیامبرت در زمین سرگردانند، خدایا پس حق و اهلش را یاری فرما و باطل و اهلش را ریشه کن نما و با نجات دادن (ما) بر ما منت بگذار... و در فرج ما تعجیل فرما و آن را با فرج دوستانت مرتب کن (یعنی با فرج ما فرج دوستانت را هم برسان)... .

اللهم وضاعف صلواتك و رحمتك و بركاتك على عترة نبيك العترة الضائعة الخائفة المستذلة ... و اجعل لهم اياماً مشهودة و اوقاتاً محمودة مسعودة يوشك فيها فرجهم و توجب فيها تمكينهم و نصرهم كما ضمنت لاوليائك في كتابك المنزل فانك قلت و قولك الحق: «وعدالله الذين

(1)«...»

خدایا و صلوات و رحمت و برکات خود را بر عترت پیامبرت مضاعف کن، همان عترتی که حقشان ادا نمی گردد و در حال ترس زندگی می کنند و نزد یگران ذلیل انگاشته می شوند... و برای ایشان روزگاری که شاهدش باشند و زمانهای نیکو و سعادتمند را قرار بده که فرج آنها در آن ایام نزدیک باشد و آنها را (برای اجرای دین) قدرت بدهی و یاری فرمایی همان طور که به اولیای خود در کتاب نازل شده ات ضمانت فرموده ای و گفته ای در حالی که گفتارت حق است: وعد الله الذین آمنوا... .

پسی از اتمام دعای در حال قنوت، فرمودند:

صورت خود را بر زمین (خاك) بگذار و بگو:

... فعجل یا مولای فرجهم و فرجنا بهم فانك ضمانت اعزازهم بعد الذلة... .

پس ای مولای من در فرج ایشان (عترت پیامبرت) و فرج ما به سبب ایشان تعجیل فرما چرا که تو عزیز داشتن ایشان را پس از ذلت ضمانت فرموده ای.

سپس فرمودند:

سرت را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

اعوذ بك من ان اکون من الذین لا یرجون ايامك فاعذنی یا الهی برحمتك من ذلك.

به تو پناه می برم از این که جزء کسانی باشم که امید به روزگارت (روزگار غلبه اولیای خدا بر دشمنانش) ندارند، پس با رحمت خود مرا از این که این گونه باشم، پناه بده.

امام علیه السلام در پایان فرمایش خویش فضایل فراوانی برای کسی که این نماز و دعا را بخواند، بیان فرمودند. (1)

مرحوم علامه مجلسی پس از نقل این حدیث شریف می فرماید: مرحوم سید بن طاوس عین آن را در «مصباح الزائر» نقل فرموده، اما در کتاب «اقبال الاعمال» حدیث عبدالله بن سنان را به صورت دیگری نقل کرده است. سپس ایشان نقل دوم را هم از سید آورده است تا هر کس بتواند به هر کدام که خواهد، عمل کند یا به خاطر رعایت احتیاط به هر دو عمل نماید. (2)

نقل دوم مرحوم سید شامل هزار بار لعن قاتل سید الشهداء علیه السلام است که در نقل اول چنین چیزی نبود. اما دعاهایی که شامل درخواست تعجیل فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد، یا عیناً و یا با عباراتی شبیه نقل اول، در آن آمده است. یکی از تعبیری که در این نقل دوم متفاوت با اولی است، این است که وقتی تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام را از خدا خواسته اند، چنین دعا کرده اند:

و عجل فرجنا بالقائ علیه السلام... (3)

به هر حال هر دو نقل مستند و معتبر است و به هر يك عمل شود، مناسب است. نکات مهمی در این حدیث شریف وجود دارد که برای

1-1. بحار الانوار، جلد 101، صفحه 303 تا 307، به نقل از المصباح شیخ طوسی.

2-2. همان، صفحه 309.

3-3. بحار الانوار، جلد 101، صفحه 311، به نقل از اقبال الاعمال.

دوستداران حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء قابل تأمل می باشد.

یکی از این نکات اوصافی است که برای عترت پاك پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کار رفته است. یکجا «عترة نبيك في الارض هائمة» تعبیر کرده اند، یعنی سرگردان بودن عترت در زمین. جای دیگر عبارت «الضائعة الخائفة المستذلة» را به کار برده اند، یعنی عترتی که حقوقشان تضییع شده و با ترس زندگی می کنند و دیگران آنان را ذلیل می انگارند. اینها اوصاف اهل بیت پاك پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از ظهور قائم ایشان علیه السلام است و خود امام زمان علیه السلام که تنها باقی مانده از این عترت برگزیده الهی هستند، بیش از 1170 سال است که با این وضعیت روزگار می گذرانند.

شاید بتوان گفت که ایشان در هر عاشورای این سالهای طولانی به فرمایش جدشان امام صادق علیه السلام عمل کرده و از خداوند با همین عبارت سوزناك تعجیل فرجشان را درخواست کرده اند. در حقیقت در هر روز عاشورا مصیبتهای آن حضرت تازه شده، غم و غصه های قلب مبارکشان بیشتر و شدیدتر می گردد. با این وضعیت آیا دوستان ایشان نباید هم و غم خود را در مناسبتهای مختلف سال به خصوص ایام عاشورای حسینی، بر دعا برای تعجیل فرج محبوبشان متمرکز کنند و مجالس عزاداری حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را به مجالس گریه و ضجه برای رفع حزن و اندوه امام خائف خود تبدیل نمایند؟ راستی اگر ذره ای از غم جانسوزی را که مولایمان در عاشورای حسینی متحمل می شود، درك می کردیم، همه خواسته های خود را فراموش می کردیم و با دلهای داغدار در مصیبت شهدای کربلا فقط برای ظهور منجی عالم دعا می کردیم!

درس هفدهم: مکان مناسب دعا (1)

اشاره

اکنون نوبت به بیان پنجمین مورد از عناوین مربوط به دعاهای مأثور درباره امام عصر علیه السلام رسیده است.

دعا در مکانهای مناسب

همان طور که در حلقه دوازدهم گذشت، همه مکانها از جهت امکان استجاب دعا یکسان نیستند و برخی از آنها به خاطر شرافتی که دارند، بر دیگر مکانها برتری دارند. ما در این جا به ذکر نمونه های محدودی از این امکنه اکتفا می نماییم.

دعا در مسجد الحرام

یکی از بهترین مکانها برای استجاب دعا مسجد الحرام در کنار خانه کعبه می باشد. در این مکان مقدس مولای غریمان فرج خود را از خداوند درخواست نموده است. از نایب دوم آن حضرت جناب محمد بن عثمان عمروی نقل شده که ایشان آخرین بار امام علیه السلام را در

کنار کعبه مشاهده نموده در حالی که این گونه دعا می فرمودند:

اللهم انجز لی ما وعدتني. (1)

خدایا آن چه وعده ام فرموده ای، برایم محقق فرما.

چنان که در گذشته بیان گردید، از بهترین موقعیتهای کنار کعبه، گرفتن پرده آن همراه با چسباندن خود به «مستجار» یا «ملتزم» می باشد که حضرت رضا علیه السلام درباره آن فرمودند:

... قف عند المستجار و تعلق باستار الكعبة و ادع الله كثيراً و الح علیه و سل حوائج الدنيا و الآخرة فانه قريب مجيب. (2)

نزد مستجار بایست و خود را به پرده های کعبه بیاویز و بسیار خدا را بخوان و بر آن اصرار کن و نیازهای دنیا و آخرت را طلب کن که او (خداوند) نزدیک و اجابت کننده است.

طبق این فرمایش، کنار مستجار محل دعای کثیر و اصرار بر آن است که احتمال اجابت آن بسیار بالاست. نایب خاص حضرت، جناب محمد بن عثمان عمروی می گوید:

امام زمان علیه السلام را در حالی که خود را در مستجار به پرده های کعبه آویخته بودند - دیدم که چنین دعا می کردند:

اللهم انتقم لی من اعدائی. (3)

خدایا انتقام مرا از دشمنانم بگیر.

1-1. کمال الدین، باب 43، حدیث 9.

2-2. بحار الانوار، جلد 99، صفحه 196، حدیث 8، به نقل از فقه الرضا علیه السلام.

3-3. کمال الدین، باب 43، حدیث 10.

این نایب بزرگوار حضرت که دو بار ایشان را در حال دعا برای تعجیل فرج کنار کعبه مشاهده نموده، قبل از سال 267 هجری قمری به سفارت امام علیه السلام منصوب شده و تا حدود 40 سال این مقام را واجد بوده است. (1)

از آن سالها تاکنون که بیش از 1100 سال می گذرد، علی القاعده این امر استمرار داشته و می توان با احتمال قریب به یقین ادعا کرد که آن امام بزرگوار در این یازده قرن مکرر در کنار کعبه برای تعجیل فرجشان دعا کرده اند. چه خوب است که اگر برای یکی از دوستان ایشان امکان تشریف به بیت الله الحرام پیدا شد، در کنار مستجار با تاسی به خود امام علیه السلام برای جلو افتادن ظهور ایشان با حالت اصرار و الحاح دعا کند و ولی نعمت خویش را فراموش ننماید.

نقطه دیگری از مسجد الحرام که بر دعا در آن تأکید زیادی صورت گرفته، حجر اسماعیل به خصوص زیرناودان کعبه است که امام هشتم علیه السلام درباره آن فرموده اند:

... تعمد تحت المیزاب و ادع عنده کثیراً. (2)

... زیر ناودان را قصد کن و نزد آن زیاد دعا کن.

پیش از هر کس، نواده بزرگوار امام رضا علیه السلام یعنی وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این سفارش عمل کرده اند. ابونعیم انصاری ایشان را داخل حجر اسماعیل زیر ناودان در حال سجده مشاهده نموده که چنین دعا می کردند:

1-1. حدیث دو سفیر، صفحه 81.

2-2. بحار الانوار، جلد 99، صفحه 230، حدیث 4، به نقل از فقه الرضا علیه السلام.

عبيدك بفنائك سائلك بفنائك يسالك ما لا يقدر عليه غيرك. (1)

بنده کوچکت به درگاہت آمده، گدای تو به درگاہت آمده، از تو چیزی را می خواهد که غیر تو بر انجام آن قدرت ندارد.

ببینید با چه لحن خاکسارانه و زیبایی از خداوند طلب ظهورش را کرده است. آن چه هیچ کس جز خداوند قدرت بر انجامش را ندارد، در درجه اول، اذن ظهور خود ایشان می باشد. این اجازه فقط در ید قدرت خداوند است و تا او نخواهد، امام علیه السلام اقدام به قیام نمی فرماید. پس اگر از خدا چیزی را می خواهیم که فقط به دست او انجام شدنی است، باید بدانیم که اجازه ظهور حضرت از اهم مصادیق آن است.

امیدواریم خداوند منان به لطف خویش به همه ما توفیق دعای بر تعجیل فرج - با همین الفاظی که خود حضرت دعا کرده اند - زیر ناودان حجر اسماعیل عطا فرماید تا همنوا با آن گرامی به استقبال قیام با شکوهش در خانه کعبه برویم.

دعا در سرزمین عرفات

مکان دیگری که برای استجابت دعا بسیار مناسب و مطلوب است، سرزمین مقدس عرفات می باشد که حجاج بیت الله الحرام در روز نهم ذیحجه از ظهر تا غروب در آن وقوف می کنند. این مکان به خصوص در عصر روز عرفه مناسبت کاملی با دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام دارد.

به برخی از این دعاها پیش از این (در مناسبت روز عرفه) اشاره کردیم.

آن چه اکنون یادآوری می کنیم این است که بنا بر برخی احادیث، وجود

مقدس امام علیه السلام در مواقف حج (از جمله عرفات) حضور دارند (1).

و در این صورت دعای حاجیان در حضور مولایشان برای تعجیل در فرج ایشان با حال و هوای خاصی همراه می شود. نقل ماجرای تشریف یکی از شیفتگان حضرت به محضرشان در عرفات بسیار شنیدنی است.

جناب حجة الاسلام آقای قاضی زاهدی گلپایگانی گفت: من در تهران از جناب آقای حاج محمد علی فشندی که یکی از اخیار تهران است، شنیدم که می گفت: من از اول جوانی مقید بودم که تا ممکن است گناه نکنم و آن قدر به حج بروم تا به محضر مولایم حضرت بقیة الله روحی فداه مشرف گردم. لذا سالها به همین آرزو به مکه معظمه مشرف می شدم.

در یکی از این سالها که عهده دار پذیرایی جمعی از از حجاج هم بودم، شب هشتم ماه ذیحجه با جمیع وسائل به صحرای عرفات رفتم تا بتوانم يك شب قبل از آن که حجاج به عرفات می روند، من برای زواری که با من بودند جای بهتری تهیه کنم. تقریباً عصر روز هفتم وقتی بارها را پیاده کردم و در یکی از آن چادرهایی که برای ما مهیا شده بود مستقر شدم (و ضمناً متوجه گردیده بوم که غیر از من هنوز کسی به عرفات نیامده) یکی از شرطه هایی که برای محافظت چادرها آنجا بود نزد من آمد و گفت: تو چرا امشب این همه وسایل را به اینجا آورده ای، مگر نمی دانی ممکن است سارقین در این بیابان بیابند و وسایلت را ببرند؟! به هر حال حالا که آمده ای باید تا صبح بیدار بمانی و

1-1. اصول کافی، کتاب الحجة باب فی الغیبة، حدیث 12 نحوه دلالت این حدیث شریف بر مدعای مورد بحث در ابتدای حلقه هفتم این سلسله درسها آمده است.

خودت از اموالت محافظت بکنی.

گفتم: مانعی ندارد، بیدار می مانم و خودم از اموالم محافظت می کنم. آن شب در آن جا مشغول عبادت و مناجات با خدا بودم و تا صبح بیدار ماندم تا آن که نیمه های شب بود که دیدم سید بزرگواری که شال سبزه سر دارد، به در خمیه من آمد و مرا به اسم صدا زد و گفت: حاج محمد علی سلام علیکم، من جواب دادم و از جا برخاستم. او وارد خیمه شد و پس از چند لحظه جمعی از جوانها که هنوز تازه مو از صورتشان بیرون آمده بود مانند خدمتگزار به محضرش رسیدند. من ابتدا مقداری از آنها ترسیدم ولی پس از چند لحظه که با آن آقا حرف زدم، محبت او در دلم جای گرفت و به آنها اعتماد کردم، جوانها بیرون خیمه ایستاده بودند ولی آن سید داخل خیمه شده بود. او به من رو کرد و فرمود: حاج محمد علی خوشا به حالت، خوشا به حالت، گفتم: چرا؟

فرمود: شبی در بیابان عرفات بیتوته کرده ای که جدم حضرت سیدالشهداء ابا عبدالله الحسین علیه السلام هم در این جا بیتوته کرده بود.

گفتم: در این شب چه باید بکنیم؟

فرمود: دو رکعت نماز می خوانیم، پس از حمد یازده قل هو الله احد بخوان. لذا بلند شدیم و این کار را با آن اقا انجام دادیم، پس از نماز آن آقا يك دعایی خواند، که من از نظر مضامین مثلش را نشنیده بودم. حال خوشی داشت، اشک از دیدگانش جاری بود، من سعی کردم که آن دعا را حفظ کنم، آقا فرمود: این دعا مخصوص امام معصوم است و تو هم آن را فراموش خواهی کرد.

سپس به آن آقا گفتم: ببینید من توحیدم خوب است؟ فرمود: بگو.

من هم به آیات آفاقیه و انفسیه به وجود خدا استدلال کردم و گفتم: معتقدم که با این دلایل خدایی هست. فرمود: برای تو همین مقدار از خداشناسی کافی است. سپس اعتقادم را به مسئله ولایت برای آن آقا عرض کردم. فرمود: اعتقاد خوبی داری. بعد از آن سؤال کردم که: به نظر شما الان امام زمان علیه السلام در کجاست؟ حضرت فرمود: الان امام زمان در خیمه است.

سؤال کردم در روز عرفه که می گویند حضرت ولی عصر علیه السلام در عرفات است. در کجای عرفات می باشند؟ فرمود: حدود جبلث الرحمة. گفتم: اگر کسی آن جا برود آن حضرت را می بیند؟ فرمود: بله او را می بیند ولی نمی شناسد.

گفتم: آیا فردا شب که شب عرفه است حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به خیمه های حجاج تشریف می آورند و به آنها توجهی دارند؟

فرمود: به خیمه شما می آید، زیرا شما فردا شب به عمویم حضرت ابوالفضل علیه السلام متوسل می شوید. در این موقع آقا به من فرمودند: حاج محمد علی چایی داری؟ (ناگهان متذکر شدم که من همه چیز آورده ام ولی چایی نیاورده ام). عرض کردم: آقا اتفاقاً چایی نیاورده ام و چقدر خوب شد که شما تذکر دادید زیرا فردا می روم و برای مسافرین چایی تهیه می کنم.

آقا فرمودند: حالا چایی با من و از خمیه بیرون رفتند. مقداری که به صورت ظاهر چایی بود ولی وقت دم کردیم به قدری معطر و شیرین بود که من یقین کردم آن چایی از چایی های دنیا

نمی باشد. آوردند و به من دادند. من از آن چایی خوردم. بعد فرمودند: غذایی داری بخوریم؟ گفتم: بلی نان و پنیر هست.

فرمودند: من پنیر نمی خورم. گفتم: ماست هم هست. فرمودند: بیاور، من مقداری نان و ماست خدمتت گذاشتم او از آن نان و ماست میل فرمود.

سپس به من فرمود: حاج محمد علی به تو صد ریال (سعودی) می دهم، تو برای پدر من يك عمره به جا بیاور.

عرض کردم: چشم اسم پدر شما چیست؟ فرمود: اسم پدرم سید حسن است. گفتم: اسم خودتان چیست؟

فرمودند: سید مهدی (پول را گرفتم) و در این موقع آقا از جا برخاست که برود، من بغل باز کردم و او را به عنوان معانقه در بغل گرفتم، وقتی خواستم صورتش را ببوسم، دیدم خال سیاه بسیار زیبایی روی گونه راستش قرار گرفته، لبهایم را روی آن خال گذاشتم و صورتش را بوسیدم.

پس از چند لحظه که او از من جدا شد، من در بیابان عرفات هر چه این طرف و آن طرف را نگاه کردم کسی را ندیدم. يك مرتبه متوجه شدم که او حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بود به خصوص که او اسم مرا می دانست، فارسی حرف می زد، نامش مهدی بود پسر امام حسن عسکری بود!

بالاخره نشستیم و زار زار گریه کردم، شرطه فکر می کردند که من خوابم برده و سارقین اثاثیه مرا برده اند، دور من جمع شدند، به آنها گفتم: شب است، مشغول مناجات بودم گریه ام شدید شد.

فردای آن روز که اهل کاروان به عرفات آمدند من برای روحانی

کاروان قضیه را نقل کردم، او هم برای اهل کاروان جریان را شرح داد، در میان آنها شوری پیدا شد.

اول غروب شب عرفه نماز مغرب و عشا را خواندیم بعد از نماز با آن که من به آنها نگفته بودم که آقا فرموده ند: فردا شب من به خیمه شما می آیم زیرا شما به عمویم حضرت عباس علیه السلام متوسل می شوید، خود به خود روحانی کاروان روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام را خواند، شوری بر پا شده و اهل کاروان حال خوبی پیدا کرده بودند ولی من دائماً منتظر مقدم مقدس حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء بودم.

بالاخره نزدیک بود روضه تمام شود که من حوصله ام سرآمد. از میان مجلس برخاستم و از خیمه بیرون آمدم، دیدم حضرت ولی عصر روحی فداه بیرون خیمه ایستاده اند و به روضه گوش می دهند و گریه می کنند، خواستم داد بزنم و به مردم اعلام کنم که آقا اینجاست، با دست اشاره کردند که چیزی نگو و در زبان من تصرف فرمودند که من نتوانستم چیزی بگویم، من این طرف در خیمه ایستاده بودم و حضرت بقیة الله روحی فداه آن طرف خیمه ایستاده بودند و هر دو مان بر مصائب حضرت ابوالفضل علیه السلام گریه می کردیم و من قدرت نداشتم که حتی يك قدم به طرف حضرت ولی عصر علیه السلام حرکت کنم. وقتی روضه تمام شد، آن حضرت هم تشریف بردند. (1)

درس هجدهم: مکانهای مناسب دعا (2)

اشاره

از مکانهایی که جهت دعا برای امام عصر علیه السلام مناسب بیشتری دارند، دو مورد را مطرح کردیم. در این درس به ذکر مورد بعدی می پردازیم.

دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب

سومین مکان مقدس برای دعا در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حرم مطهر شهر مقدس سامرا است. این صحن و سرای ملکوتی منزل شخصی و خانه ملکی امام غریبمان است که از پدران گرامی اشان به ارث برده اند. هر چند که جای جای کره خاکی ملک طلق آن حضرت می باشد و همه ساکنان زمین مهمانان آن کریم به شمار می آیند، اما حرم مطهر سامرا اختصاص بیشتری به آن عزیز دارد. این اختصاص از چند جهت است: یکی این که آن جا خانه پدری آن بزرگوار می باشد که در آن به دنیا آمده و بزرگ شده اند و طبیعتاً خاطرات زیادی از دوران کودکی خود در آن منزل دارند که تعلق خاطر ایشان را

به آن مکان مقدس بیشتر می‌کند. دوم این که مرقد مطهر پدر و جد بزرگوار و نیز مادر گرامیشان در آن حرم شریف می‌باشد که به همین جهت قطعاً می‌توان گفت حضرتش برای زیارت قبور پدر و جد و مادرشان در آن مکان مکرر حاضر شده و می‌شوند. سوم این که سرداب مطهر ایشان در آن صحن و سراسر که در منابع تاریخی معتبر به عنوان یکی از محلهای عبادت آن بزرگوار به ثبت رسیده و مورد علاقه خاص ایشان بوده و هست.

یکی از شیفتگان و دلدادگان آن عزیز سفر کرده که مقتدای بسیاری از امام شناسان زمان غیبت محسوب می‌شود، عالم بزرگوار شیعه و آن یگانه ای است که به سبب انس با حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، صدای ایشان برایش آشنا بود. او نقل می‌کند که در شب چهارشنبه سیزدهم ماه ذیقعده سال 638 هجری قمری در سامرا به هنگام سحر، صدای دعای امام خود را شنیدم و آن چه به خاطرماند، این دعا بود:

و ابقهم (احیهم) فی عزنا و ملکنا و سلطانتنا و دولتنا. (1)

و آنان را در روزگار عزت و پادشاهی و سلطنت و دولت ما باقی (زنده) بدار.

مرحوم سید بن طاووس عبارات قبل از این دعا را نقل نکرده تا روشن شود حضرت درباره چه کسانی دعا فرموده اند، اما علی القاعده مرجع ضمیر «هم» در عبارات ایشان، برخی با همه دوستانشان هستند.

نقل دیگری هم از مرحوم سید مشهور است که علامه میرزا حسین نوری آن را چنین حکایت فرموده است:

در ملحقات کتاب «انیس العابدین» مذکور است که نقل شده از ابن طاووس که او شنید در سحر در سرداب مقدس از صاحب الامر علیه السلام که آن جناب می فرمود:

اللهم ان شيعتنا خلقت من شعاع انوارنا ... وقد فعلوا ذنوباً كثيرة اتكالا على حينا و ولايتنا... .

اما مؤلف بزرگوار کتاب «نجم الثاقب» پس از این نقل، می فرماید:

مؤلف گوید: عبارت این دعا در مصنفات جمله از متأخرین از علامه مجلسی و معاصرین به نحو دیگر نقل شده و در رساله «جنة المأوى» اشکال کردم در صحت نسبت اصل این واقعه به جهت نبودن آن در مصنفات صاحب واقعه و مؤلفات متأخرین از او و کتب علامه مجلسی و محدثین معاصرین او بلکه احتمال دادم در آن جا این کلامه مأخوذ باشد از کلام شیخ رجب بررسی در «مشارق الانوار» ... و عصر او قریب عصر سید است و چنان چه از سید چنین عبارتی شایع بوده، او اولی بود به نقل آن به جهت کثرت حرص او بر این مطالب و اطلاع او بر شواهد بر آنها، اگر چه این نسبت بعید نیست از مقام سید. (1)

برخی از عبارات دعای منقول در این حکایت با مضامین احادیث ائمه علیهم السلام تطبیق می کند و برخی جملات آن به معنای ظاهرش مطابقت کامل با فرمایشهای اهل بیت علیهم السلام ندارد، (2)

اما صرف نظر از

1-1. نجم الثاقب، صفحه 454 تا 456.

2-2. نکته محل تأمل این است که شیعیان معمولاً به خاطر اتکال به محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام دست به ارتکاب گناه نمی زنند، هر چند که در صورت انجام گناه امیدشان به شفاعت ائمه علیهم السلام است اما نه این که از ابتدا به سبب تکیه بر ولایت ایشان مرتکب گناه شوند، این دو مطلب با هم تفاوت دارند!

این امر با توجه به تشکیک علامه نوری رحمه الله در اسناد حکایت به جناب سید، دلیل کافی برای صحت این نقل به طور قطعی وجود ندارد. البته همان طور که خود علامه فرموده است، شنیدن دعای امام عصر علیه السلام از جناب سید بن طاووس استبعادی ندارد، بنابراین در عین آن که به طور قطعی نمی توانیم انتساب این حکایت را به مرحوم سید نفی کنیم، اما دلیل معتبری هم برای این اسناد نداریم. آن چه خود آن بزرگوار در کتاب «مهج الدعوات» آورده، همان است که نقل شد و آن، کثرت و شدت علاقه پدر دلسوز امت امام عصر علیه السلام به دوستان و شیعیانشان به خوبی فهمیده می شود.

اکنون سخن در این است که ما به دعا کردن امام عصر علیه السلام در حق دوستانشان یقین داریم و از مکانهایی که قطعاً محل دعای ایشان می باشد، سرداب مقدس و حرم مطهر عسکریین علیهما السلام است. پس آیا شکر نعمتهای بیکران امام زمان علیه السلام بر ما - که دعا حضرت تنها یکی از این نعمتهاست - اقتضا نمی کند که اگر روزی به آن صحن و سرای ملکوتی راه یافتیم، بیشترین هم خود را برای دعا در حق ایشان به خصوص تعجیل فرجشان اختصاص دهیم؟

دعاهایی که به خواندن آنها در حرم و سرداب مطهر سامرا نقل شده، به خوبی شدت اهتمام به این موضوع را می رساند. یک نمونه از این دعاها در پایان زیارتی است که برای هر دو امام بزرگوار - امام

هادی و امام عسکری علیه السلام با هم نقل شده است. در این زیارت که از معصومین علیهم السلام نقل شده، پس از درخواست انتقام الهی از ستمکاران در حق آل محمد صلی الله علیه و آله:

اللهم العن ظالمی ان محمد حقهم و انتقم منهم... .

خدایا ستمکاران به حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله را از رحمت خود دور کن و از آنان انتقام بگیر... .

عرضه می داریم:

اللهم عجل فرج ولیك و ابن ولیك و اجعل فرجنا مع فرجهم یا ارحم الراحمین. (1)

خدایا فرج ولایت و پسر ولایت را نزدیک فرما و فرج ما را با فرج ایشان (اهل بیت علیهم السلام) قرار بده. ای ارحم الراحمین.

نمونه دیگر در اواخر زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام آمده است که عرضه می داریم:

اللهم بحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و عجل لهم بانتقامك. (2)

خدایا به حق محمد و آل محمد بر محمد و آل محمد درود بفرست و انتقام گیری خود برای ایشان (از دشمنانشان) را تعجیل بفرما.

انسان وقتی خود را در کنار قبر پدر و مادر امام زمانش می بیند،

1-1. کامل الزیاراتف باب 103، حدیث 1.

2-2. بحار الانوار، جلد 102، صفحه 71، به نقل از مصباح الزائر.

حیفش می آید که برای تعجیل فرج یگانه فرزندشان که سالها - بلکه قرن‌ها در انتظار اذن خداوند برای ظهورش است، دعا نکند. ما یقین داریم که پاها و بدن مطهر آن یگانه امام و ذخیره خداوند روی زمین بارها و بارها - در طول بیش از یازده قرن - کنار مرقد مطهر حضرت نرجس خاتون را مبارك کرده است و چه فرصت خوبی است برای عاشقان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که به آن مکان مقدس تبرک جویند و سر و صورت خود را به زمینی که عطر مولانا از آن به مشام می رسد، معطر نمایند.

راستی چه زیباست که انسان بتواند جای پاهای امامش را بوسه زند و حال که از دیدار روی نازنینش محروم است، روح و بدن خود را با عطر و بوی محبوبش در کنار قبر مادرش صیقل دهد. اما و هزار اما، اکنون بیش از يك سال است که دستهای پلید و خبیث دشمنان امام عصر علیه السلام قبور جد و پدر و مادر ایشان را به مخروبه تبدیل کرده و در حقیقت منزل شخصی امامه علیه السلام را ویران ساخته است. 1.

این حادثه فجیع و جانگداز در صبح روز چهارشنبه 23 محرم الحرام سال 1427 هجری قمری مصادف با سوم اسفند 1384 هجری شمسی رخ داده و همه مسلمانان واقعی را به عزا نشانده است. و با کمال تأسف همان داستان خبیث و ناپاک، گلدسته های باقیمانده از آن حرم شریف را در روز چهارشنبه 27 جمادی الاولی سال 1428 قمری مصادف با 23 خرداد ماه 1386 شمسی تخریب نمودند و به فاصله اندکی (در ماه جمادی الثانی 1428 مصادف با تیر ماه 1386) مناره ساعت آن صحن مقدس را نیز با موشک هدف قرار دادند تا به گمان باطل خود، هیچ اثری از آن حریم ملکوتی باقی نگذارند! خداوندا به کوری چشمان این دشمنان قسم خورده، هر چه زودتر با ظهور صاحب این بارگاه قدس، شکوه و عظمتی بیش از پیش به ن جا ببخش. الهی آمین.

چقدر تلخ است تحمل این مصیبت برای دوستان حضرت و چقدر غریب است این بزرگواری که محل زیارت خودش و مشتاقانش به این حالت اسفبار در آمده است. راستی می توان باور کرد که نقطه دلخوشی امام غریبمان - که برای زیارت و خواندن فاتحه و قرآن و نماز هر سال و هر ماه و چه بسا هر هفته و هر روز به آن رفت و آمد داشته و دارند چنین بی رحمانه تخریب شود و اشک از چشمان آن غایب مصیبت دیده سرازیر نگردد؟ جایی که دوستان ایشان به خاطر این غم، گریان و نالان شوند، خود آن بزرگوار چه حالی دارند؟!

اما همین جا متذکر می شویم که اگر در مصیبت تخریب حرم مطهر سامرا عزادار هستیم - که باید باشیم - فراموش نکنیم که امام زمان علیه السلام به خاطر تخریب ایمان يك جوان شیعه نیز عزادار و غمناك می شوند.

اگر یکی از دوستان آن حضرت در این وانفسای زمان غیبت، از مسیر دین خارج شود و به انحراف عقیدتی یا فساد اخلاقی مبتلا گردد، قطعاً مولا و پدر مهربانش مصیبت زده می گردد و چه بسا در غم از دست رفتن ایمان او چشمان مبارکشان گریان شود!

آری گوهر ایمان چنان نزد خدا و امام زمان علیه السلام ارزشمند است که بعید نیست غصه از دست رفتن يك مؤمن به اندازه تخریب حرم شریف عسکریین علیهما السلام بلکه بیش از آن - آقایمان را رنج بدهد! پس بیاییم و در کنار اقامه عزا به خاطر ویران شدن حرم سامرا، برای برخی از جوانانی که به ادله مختلف ایمانشان سست و گاهی از مسیر ولایت اهل بیت علیهم السلام خارج می شوند، عزا بگیریم و آنها که می توانند، کاری و تلاشی و اقدامی برای دستگیری از این یتیمان امام عصر علیه السلام در دوران

دوری از پدرشان انجام دهند. بگذریم.

پس از زیارت حرم مطهر نوبت به انجام اعمال سرداب مقدس می رسد که مشحون از زیارت و دعا در حق امام زمان علیه السلام به خصوص در خواست تعجیل فرج ایشان می باشد.

اگر توفیق تشرف پیدا کنیم، باید اذن دخول ورود به داخل سرداب را بخوانیم و سپس از آستانه در و پله های آن، بوسه زنان پایین برویم و خود را به عرصه آن برسانیم و پس از ادای دو رکعت نماز، دعای زیبایی را که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل فرموده بخوانیم و به خدای خود عرضه بداریم:

... اللهم طال الانتظار و شمت بنا الفجار و صعب علينا الانتصار... (1)

... خدایا انتظار به طول انجامید و بدکاران ما را شماتت نمودند و پیروزی بر ما مشکل شد....

این دردهای دل را فقط باید به خداوند گفت، آن هم در زمانی که توفیق زیارت سرداب مطهر پیدا شده است و هم از او خواست تا هر چه زودتر به درد دوری ما از امامان و تحمل شماتتهای دشمن پایان بخشد. آخرین عملی که مرحوم محدث قمی برای سرداب مقدس بیان فرموده، خواندن دعای: «اللهم عظم البلاء» است که از منتهای بزرگی بلا و شدت مصیبت دعا کننده حکایت می کند. به هر حال از بهترین مکانها برای دعا در حق حضرت ولی عصر عجلالله تعالی فرجه الشریف، حرم مطهر عسکریین علیهم السلام و سرداب مقدس امام عصر علیه السلام می باشد.

1-1. بحار الانوار، جلد 102، صفحه 103، به نقل از مصباح الزائر.

درس نوزدهم: مکانهای مناسب دعا (3)

اشاره

در دو درس گذشته سه مکان مقدس برای دعا در حق امام عصر علیه السلام را معرفی کردیم. در این درس نیز به معرفی مکانهای دیگر می پردازیم.

دعا در حرم مطهر رضوی

یکی دیگر از مکانهای مقدس که دعا در حق امام عصر علیه السلام را معرفی کردیم. در این درس نیز به معرفی مکانهای دیگر می پردازیم.

دعا در حرم مطهر رضوی

یکی دیگر از مکانهای مقدس که دعا در حق امام زمان علیه السلام مورد تأکید می باشد، حرم مطهر رضوی علیه السلام است. ثوابهای عجیبی برای زیارت امام هشتم علیه السلام در مشهد مقدس نقل شده که تنها به یکی از آنها اشاره می کنیم. احمد بن محمد بن ابی نصر برنطی می گوید:

در نوشته ابوالحسن الرضا علیه السلام دیدم که فرموده بود:

ابلق شیعیتی ان زیارتی تعدل عند الله الف حجة.

به شیعیانم ابلاغ کنید که زیارت من نزد خداوند با هزار حج برابری می کند.

خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: هزار حج؟ ایشان فرمودند:

ای و الله و الف الف حجة لمن زارة عارفاً بحقه. (1)

آری، قسم به خدا و هزار هزار حجج برا هر کس که او را با معرفت به حقش زیارت کند.

در یکی از زیارتهای امام هشتم علیه السلام که از زبان معصومین علیهم السلام نقل شده، به چهارده معصوم علیهم السلام درود می فرستیم و در صلوات بر آخرین وارث نبی خاتم صلی الله علیه و آله چنین می خوانیم:

اللهم صلی علی حجتک و ولیک و القائم فی خلقک صلاة نامیة تعجل بها فرجه و تنصره بها و تجعلنا معه فی الدنیا و الآخرة. (2)

خدایا بر حجت و ولایت و قیام کننده در میان آفریدگانت درود بفرست، درودی بالنده و پایدار که به سبب آن، فرج ایشان را تعجیل فرمایی و یاریش فرمایی و یاریش نمایی و ما را در دنیا و آخرت با او همراه گردانی.

همین عبارات دعا شامل بهترین درخواستها از خداوند برای خودمان است. همراهی با امام عصر علیه السلام در دنیا و آخرت بالاترین آرزوی همه منتظران و دوستداران ایشان می باشد و کسی که امام هشتم علیه السلام را زیارت می کند، باید به مضامین این دعاها توجه کرده و قدر آنها را بداند.

1-1. کامل الزیارات، باب 101، حدیث 9.

2-2. همان، باب 102، حدیث 2.

دعا در زیر قبه سید الشهداء علیه السلام

در حلقه هفتم جایگاه منحصر به فرد حائر حسینی علیه السلام را در استجاب دعا روشن ساختیم و دانستیم که گاهی خود ائمه طاهرین (هم چون امام صادق علیه السلام) کسی را اجیر می کردند تا برای برآورده شدن حاجتشان (مثلاً شفای بیمارشان) در کنار قبر سید الشهداء علیه السلام دعا کند. (1)

با این ترتیب زائر امام حسین علیه السلام باید از فرصت به دست آمده در سفر زیارت کربلا حداکثر بهره برداری را برای دعا در حق مولای مظلوم و غریبش بنماید و در آن حائر شریف، دعای بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام را در رأس خواسته هایش قرار دهد.

اگر بخواهیم حقیقت مطلب را بدانیم، باید بگوییم همه ما هم چون اجیرانی هستیم که با خرج مولایمان به زیارت جد شریفش مشرف شده ایم. در این ادعا هیچ گونه مسامحه و مجامله ای نیست. همه امکانات ما برای سفر به کربلا معلی به یمن وجود مبارك امام عصر علیه السلام مهیا شده و اگر الطاف خاص آن بزرگوار بر ما نبود، توفیق زیارت مرقد شریف سید الشهداء علیه السلام را پیدا نمی کردیم. از سلامت و عافیت جسمانی گرفته تا امنیت جانی و تمکن مالی و بسیاری از شرایط دیگر که اگر یکی از آنها نبود، موفق به این سفر زیارتی نمی شدیم، همه اینها را مدیون عنایت ویژه مولای محبوبمان هستیم. پس ما باید خود را اجیرانی از جانب آن حضرت بدانیم که با امکاناتی که خود ایشان در اختیارمان نهاده، به کربلا معلی مشرف می شویم.

در این صورت آیا حق مضاعف ایشان بر ما این نیست که برای رفع

1-1. وسائل الشیعه، جلد 10، صفحه 421 و 422، حدیث 2.

گرفتاری ها و پایان یافتن آلام و مصیبت‌های آن بزرگوار، در کنار قبر جدش سید الشهداء علیه السلام دست به دعا بلند کنیم؟ ما می دانیم تحمل رنج غیبت برای ایشان چقدر سخت و ناگوار است، آیا مجازیم که با بی تفاوتی از کنار غم‌های عزیز زهرا علیها السلام بگذریم و از فرصت به دست آمده در حائر حسینی، برای دعا در حق ایشان استفاده نکنیم؟ آری، باید غیرت به خرج دهیم و حاجات مولایمان را - که در رأس آنها تعجیل فرج ایشان است - بر نیازهای شخصی خودمان مقدم کنیم و از خداوند به هر زبانی که می دانیم، رفع نگرانی های تنها باقی مانده الهی - بقية الله الاعظم علیه السلام - را درخواست نماییم. هر دعایی - چه مأثور و چه غیر مأثور - در کنار قبر مطهر سید الشهداء علیه السلام طبق وعده هایی که ائمه طاهرين عليهم السلام داده اند، مستجاب است. پس به عربی یا فارسی می توانیم در آن مکان مقدس برای مولای پنهان از دیدگان خود دعا کنیم.

جالب این است که در متن زیارتها و دعا‌های مأثور در حائر حسینی، جملاتی یافت می شود که شامل دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام با عباراتی بسیار گویا و عمیق است. به عنوان نمونه زیارتی را جناب ابو حمزه ثمالی از آقا امام صادق علیه اسلام برای جد بزرگوارش سید الشهداء علیه السلام نقل کرده که شاید در بین زیارتهای مأثور از ائمه علیه السلام طولانی ترین آنها باشد. این زیارت به طور کامل در کتاب شریف «کامل الزیارات» نقل شده و اعمالی را معرفی نموده که زائر امام حسین علیه السلام از هنگامی که در وطن خود قصد زیارت کربلا را می کند، می تواند انجام دهد. (1)

1-1. جهت آشنایی با این زیارت شریف مراجعه کنید به کتاب «شش گوشه بهشت» اثر نگارنده.

در اواخر این زیارت معتبر، امام صادق علیه السلام می فرمایند:

سپس گونه های صورت خود را روی قبر می گذاری و می گویی:

اللهم رب الحسين اشف صدر الحسين عليه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام، قلب حسین علیه السلام را شفا بخش.

اللهم رب الحسين اطلب بدم الحسين عليه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین از حسین علیه السلام خونخواهی کن.

اللهم رب الحسين انتقم ممن رضی یقتل الحسين عليه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر کس که به کشته شدن حسین علیه السلام راضی شده، انتقام بگیر.

اللهم رب الحسين انتقم ممن خائف الحسين عليه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر که با حسین علیه السلام مخالفت نموده انتقام بگیر.

اللهم رب الحسين انتقم ممن فرح یقتل الحسين عليه السلام. (1)

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر کس که از کشته شدن حسین علیه السلام خوشحال شده انتقام بگیر.

روشن است که اجابت همه این دعاها تنها و تنها با ظهور ولی دم سید الشهداء علیه السلام امام عصر علیه السلام - محقق می گردد. پس هر يك از این دعاها در حقیقت در خواست تعجیل در فرج مولای مظلومان است.

امیدواریم اکنون که به لطف و عنایت ائمه طاهرین علیهم السلام، طاغوت عراق سرنگون و راه کربلا برای مشتاقان زیارت سید الشهداء علیه السلام باز

شده است، زائران با معرفت با دعاهايشان در آن حرم مطهر، ظهور مولای غریبمان را به جلو بیندازند و به زودی شاهد تحقق وعده خداوند در این خصوص باشیم.

دعا در مشاهد مشرفه

علاوه بر حرم امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس و حائر شریف حسینی در کربلای معلی، مشاهده مشرفه سایر چهارده معصوم علیهم السلام نیز مکانهای بسیار مناسب برای دعا در حق امام عصر علیه السلام هستند. از مضعج شریف نبوی در مدینه منوره و قبر ناپیدای حضرت سیده فاطمه علیها السلام در آن حرم شریف گرفته تا کنار قبور ویران شده چهار امام همام - حضرات امام مجتبی علیه السلام و زین العابدین علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام - هم چنین حرم با صفای امیر المؤمنین علیه السلام در نجف اشرف و نیز کنار قبور حضرت موسی کاظم علیه السلام و جواد الائمه علیه السلام در کاظمین، همگی مصادیق این آیه مبارکه قرآن کریم هستند که می فرماید:

«فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فیها اسمه...» (1)

در خانه هایی که خداوند اجازه داده که عالی مقام باشند و در آنها نام او یاد شود... .

در این خانه های الهی، دعا برای امام عصر علیه السلام اثر و نتیجه بیشتری دارد. از اینها گذشته در حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و حرم

1-1. نور، 36، توضیح این که مشاهده مشرفه ائمه طاهرین علیهم اسلام مصادیق این آیه کریمه هستند، در کتاب «در ضیافت ضریح» آمده است.

حضرت مسلم بن عقیل در کوفه و نیز کنار قبر خواهر گرامی سید الشهداء علیه السلام عقیده بنی هاشم علیها السلام و هم چنین حرم با صفای حضرت رقیه علیها السلام در دمشق و نیز حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در قم، دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نباید مورد غفلت و فراموشی قرار بگیرد. در مرتبه بعد هر مکان مقدسی که بدن یکی از امام زادگان مدفون است یا کنار قبور علماء و بزرگان تشیع که آبرومندان درگاه اهل بیت علیهم السلام هستند، موقعیت های خوبی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام به شمار می آیند.

دعا در مساجد کوفه، سهله و ...

همه مساجد در روی کره خاکی، خانه های خداوند هستند که عبادت در آنها بسیار مطلوب و مؤثر است و یکی از بزرگترین عبادتها، دعاست، آن هم در حق تنها باقی مانده از اوصیای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در میان مساجد، برخی انتساب خاصی با امام عصر علیه السلام دارند که لزوم دعا برای ایشان در آن مساجد مؤکد می شود. مسجد کوفه و مسجد سهله از مساجدی هستند که افراد شایسته در آنها مکرر خدمت امام زمانشان مشرف شده اند. علاقه خاص امام علیه السلام به این دو مکان مقدس روشن و واضح است. از امیر المؤمنین علیه السلام در فضیلت مسجد کوفه نقل شده که فرمودند:

لیاتین علیه زمان یکون مصلی المهدی من ولدی و مصلی کل مؤمن ...

تقربوا الی الله عزوجل بالصلاة فیه و ارغبوا الیه فی قضاء حوائجکم... (1)

1-1. بحار الانوار، جلد 100، صفحه 390، حدیث 14، به نقل از امالی صدوق.

یقیناً خواهد آمد زمانی که مسجد کوفه مصلاهی (حضرت) مهدی از اولاد من و مصلاهی هر مؤمنی می شود... با نماز خواندن در آن به سوی خدای عزوجل تقرب جوید و برای برآورده شدن نیازهایتان به سوی آن رغبت نمایید.

مطابق احادیث ائمه علیهم السلام ادای هر نماز واجب در مسجد کوفه ثواب یک حج و هر نماز مستحبی ثواب یک عمره دارد. (1)

علاوه بر نماز، آن چه در بحث دعا اهمیت دارد، عمل به سفارش امیر المؤمنین علیه السلام است که مسجد کوفه را مکان مناسبی برای برآورده شدن حاجات دانستند. طبیعی است که بزرگترین حاجت دوستان امام عصر علیه السلام در دوران غیبت، تعجیل فرج ایشان است. بنابراین حق آن است که در پس ادای نمازهای مربوط به هر یک از مقامها و ستونهای مسجد کوفه، مهمترین حاجتی که از خدا درخواست می کنیم، سلامت و تعجیل فرج امامان باشد.

در فضیلت مسجد سهله نیز احادیث متعددی از ائمه طاهرین علیهم السلام نقل شده است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

یا ابا محمد کانی اری نزول القائم علیه السلام فی مسجد سهله باهله و عیاله.

ای ابا محمد گویی فرود آمدن قائم علیه السلام را در مسجد سهله همراه با اهل و عیال خود می بینم.

سپس تصریح فرمودند که این مسجد شریف منزل امام عصر علیه السلام پس از ظهور خواهد بود، همان طور که منزل حضرت ادریس و

1-1. بحار الانوار، جلد 100، صفحه 399، حدیث 45، به نقل از کامل الزیارات.

ابراهیم خلیل علیهما السلام بوده و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آن که در این مسجد نماز گزارده است. سپس فرمودند:

و ما صلی فیہ احد فدعا الله بنیة صادقة الا صرفه الله بقضاء حاجته. (1)

و هیچ کس در آن نماز نمی گزارد که خدا را صادقانه بخواند، مگر آن که خداوند او را با برآوردن حاجتش بر می گرداند.

منتظران امام عصر علیه السلام اگر روزی توفیق نماز خواندن در مسجد سهله را یافتند، مهمترین حاجت خود را که تعجیل در فرج مولایشان می باشد، فراموش نمی کنند و در آن مکان مقدس بر این خواسته خویش اصرار می ورزند.

دو مسجد دیگر هم در نزدیکی مسجد سهله وجود دارد که به نام دو برادر وفادار به امیر المؤمنین علیه السلام نامگذاری شده است. یکی از آنها مسجد صعصعة بن صوحان و دیگری مسجد زید بن صوحان است که دعا برای امام عصر علیه السلام در هر دو مکان بسیار مناسب و بجاست. اعمال مربوط به این مساجد را مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل فرموده است. علاوه بر این مساجد، مسجد جمکران در نزدیکی شهر مقدس قم می باشد که مورد عنایت خاص امام عصر علیه السلام بوده و هست. حق این است که اگر انسان موفق به ادای نمازهای این مسجد مقدس شد، مهمترین حاجت خود را رفع غم و غصه های اما زمان علیه السلام با اذن ظهورش از جانب خداوند، قرار دهد و برای آن حضرت مقدم بر دیگران دعا نماید.

درس بیستم: دیگر دعاهای مأثور

اشاره

تاکنون پنج عنوان از عناوین مربوط به معرفی دعاهای مأثور برای امام عصر علیه السلام را مطرح کردیم. در این درس دو عنوان دیگر را مطرح کرده، بحث خود را خاتمه می دهیم.

دعاهای غیرمقید به زمان یا مکان خاص

علاوه بر دعاهای مأثوری که در مناسبتهای خاص وارد شده، دعاهای بسیار دیگری هم درباره امام عصر علیه السلام وجود دارد که مقید به زمان یا مکان خاصی نیستند و در هر موقعیتی می توان با خواندن آنها تعجیل در فرج حضرت ولی عصر علیه السلام را از خدا درخواست نمود. ما در این مجال به سه نمونه از این دعاها اشاره می کنیم.

ذکر صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام

اولین مورد دعایی است که تحت عنوان صلوات بر حضرت صدیقه زهرا علیها السلام از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده و راوی، متن آن را با

املائی آن حضرت نوشته است. این صلوات مربوط به هر يك از چهارده معصوم عليهم السلام می باشد که متن هر يك در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» به طور کامل آمده است. در قسمتی از صلوات مربوط به حضرت فاطمه اطه عليها السلام چنین می خوانیم:

اللهم كن الطالب لها ممن ظلمها و استخف بحقها.

خدایا خودت طالب (خون) او از ستمکارانش و سبک شمارندگان حقش باش.

اللهم و كن الثائر لها بدم اولادها. (1)

خدایا خودت خونخواه او به سبب خون (به ناحق ریخته) فرزندانش باش.

روشن است که خونخواهی خداوند از کسانی که به حضرت زهرا عليها السلام و فرزندان پاکش ستم روا داشتند، جز با ظهور منتقم ایشان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء - محقق نمی شود. پس این دعاها در حقیقت دعا برای تعجیل در فرج منجی عالم می باشد.

دعای امام رضا علیه السلام در حق حضرت صاحب الزمان علیه السلام

دومین مورد دعایی است که «یونس بن عبدالرحمن» از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که ایشان به خواندن آن در حق حضرت صاحب الزمان علیه السلام سفارش فرموده اند. این دعا را مرحوم سید بن طاووس به دو صورت از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده (2)

و مرحوم محدث قمی هم

1-1. جمال الاسبوع، صفحه 297.

2-2. جمال الاسبوع، صفحه 307 تا 314.

در «مفاتیح الجنان» به نقل از «المصباح» شیخ آورده است. آن چه محدث قمی نقل فرموده، بیشتر با نقل اول مرحوم سید بن طاووس (در کتاب جمال الاسبوع) هماهنگی دارد، هر چند که مطابقت کامل با آن ندارد.

ضمناً این دعا در «مفاتیح الجنان» جزء اعمال روز جمعه آمده است، ولی در نقل مرحوم سید، دعا اختصاص به زمان خاصی ندارد و در هر موقعیتی خوانده می شود. به هر حال چون دعا بسیار دعای جامع و کاملی است، نباید از خیر خواندن آن گذشت و به هر کدام از روایاتی که نقل شده، می توان عمل کرد. مؤلف کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» در باب هفتم کتاب، هر دو نقل مرحوم سید را ذکر فرموده است. (1)

دعا با این عبارت آغاز می شود: «اللهم اذفع عن ولیک...»

صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی

سومین مورد دعایی است که به صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی معروف است. راوی حدیث می گوید:

در سال دویست و هشتاد و یک هجری قمری با عده ای از همشهری های اهل تسن عازم سفر حج شدیم. چون به مکه مشرفه رسیدیم، یکی از آنها پیشقدم شد و در کوچه ای - که میان بازار لیل بود - برای ما خانه ای اجاره نمود.

آن جا خانه حضرت خدیجه علیها السلام بود که به خانه امام رضا علیه السلام مشهور شده بود. در آن خانه پیرزن گندمگونی زندگی می کرد، چون فهمیدم که آن خانه معروف به دار الرضا علیه السلام است، از

1-1 مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 73 تا 80، نقل دوم دعا در کتاب «راز و نیاز منتظران» از صفحه 41 تا 46 هم آمده است.

پیرزن پرسیدم: تو چه نسبتی با صاحبان این خانه داری؟ و این خانه چرا دار الرضا علیه السلام نامیده شده؟

گفت: من از دوستان اهل بیت علیهم السلام هستم و این خانه، خانه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام است که امام حسن عسکر علیه السلام مرا در این خانه ساکن نموده است و من از خدمتگزاران آن حضرت بودم.

چون این سخن را از او شنیدم، با او مانوس شدم و این راز را از رفقای مخالف عقیده خودم پنهان کردم.

مدتی که در آن جا بودیم، برنامه ما چنین بود که موقعی که شب از طواف خانه خدا بر می گشتیم در ایوان خانه می خوابیدیم و درب خانه را می بستیم و پشت آن سنگ بزرگی - که از سنگینی آن را می غلتانیدیم - می گذاشتیم.

در آن ایوانی که ما می خوابیدیم، شبهای متعدد نوری را مثل نور مشعل می دیدم. نیز می دیدم که درب خانه باز می شد بدون این که کسی از ما درب را باز کند. شخصی متوسط القامه و گندمگون متمایل به زرد لاغر اندام را دیدم که در چهره او اثر سجده نمایان بود. دو پیراهن و عبای نازکی روی آن بر تن کرده و نعلینی قوس دار پوشیده بود. وارد می شد و به اتاقی که پیرزن در آن بود بالا می رفت و پیرزن به ما می گفت: دخترم در اتاق است و به کسی اجازه نمی داد که به طرف آن اتاق برود.

هنگامی که از پله ها بالا می رفت، نوری را می دیدم که بر ایوان می تابید، بعد همان نور را در اتاق می دیدم بدون این که چراغی ببینم.

همراهان من هم این نور را می دیدند و گمان می کردند که آن شخص شوهر موقت دختر پیرزن می باشد و می گفتند: این علویها ازدواج موقت را جایز می دانند و این به گمان خودشان حرام بود.

ما او را می دیدیم که از آن در داخل و خارج می شد ولی سنگ پشت در به همان حالتی بود که ما گذاشته بودیم و ما از ترس اسباب و اثاثیه خود، در را می بستیم و کسی نبود که در را باز کند یا ببندد، ولی آن شخص داخل می شد و خارج می شد و سنگ به همان صورت پشت در بود تا وقتی که می خواستم خارج شویم کنار می گذاشتیم.

چون این جریان را دیدم، قلبم به تپش افتاد و در وجودم هیبتی احساس کردم. به آن پیرزن ملاحظت نمودم و دوست داشتم قضیه آن شخص را بدانم. به او گفتم: فلانی! دوست دارم بدون اطلاع دوستانم و محرمانه سؤالی از شما بپرسم، اما نمی توانم.

چون دیدی رفقایم نیستند، بیا تا در مورد مسئله ای از تو سؤال کنم.

او در جواب من بلافاصله گفت: من هم می خواهم رازی را با تو در میان بگذارم، اما تا حال به خاطر رفقای تو فرصتی پیش نیامده است.

گفتم: می خواهی چه بگویی؟

گفت: به تو می گوید - و کسی را نام نبرد - با رفقا و شرکای خود خشونت و درشتی نکن و با آنان خصومت و نزاع مکن، زیرا آنها دشمنان تو هستند و با آنان مدارا کن.

گفتم: چه کس این سخن را می گوید: گفت: من می گویم.

از هیبتی که از او در دلم افتاده بود، جرأت نکردم دوباره سؤال را تکرار کنم. گفتم: منظورت کدام رفقای من است؟ خیال می کردم منظورش رفقای بود که با آنها به حج مشرف شده بودم.

گفت: شرکایی که در شهر تو (اصفهان) و با تو در يك خانه هستند.

البته میان من و آنها بگو مگویی در امر دین شده بود که از من سخن چینی و سعایت کرده بودند، و من به همین جهت فرار کردم و مدتی به صورت مخفیانه زندگی می کردم. متوجه شدم که منظور آن پیرزن، همانها بودند.

به پیرزن گفتم: تو چه ارتباطی با امام رضا علیه السلام داری؟

گفت: من خدمتگزار حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بودم.

چون به این مطلب یقین کردم، با خود گفتم: خوب است از حضرت غائب صلوات الله علیه از او سؤال کنم؟ و گفتم: تو را به خدا، آیا با چشمهای خودت او را دیده ای؟

گفت: ای برادر! من او را به چشم خود ندیده ام. من (از سامرا) خارج شدم در حالی که خواهرم باردار بود و امام حسن (عسکری) علیه السلام به من مژده داد که در آخر عمرم او را خواهم دید و فرمود: برای او چنان خواهی بود که برای من هستی... .

اکنون امام علیه السلام نامه ای همراه با سی دینار به دست يك مرد خراسانی - که زبان عربی را خوب نمی داند - برایم فرستاده اند و به من دستور داده اند که امسال به حج مشرف شوم. من به شوق دیدار امام عصر علیه السلام آمده ام.

در این لحظه به دلم افتاد که آن شخص که بعضی از شبها به آن خانه می آید، خود امام علیه السلام است. ده درهم سالم که يك سکه رضویه (به نام امام رضا علیه السلام) در بین آنها بود، همراه داشتم و نذر کرده بودم که آنها را در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم. آنها را بیرون آوردم و به آن پیرزن دادم و با خود گفتم: اگر اینها را به فرزندان حضرت زهرا علیها السلام بدهم، بهتر است از این که در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم و ثوابش بیشتر است.

به او گفتم: این پولها را به مستحقین از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام بده، و نیتم این بود که شخصی را که دیده ام، خود آفاست و این خانم پولها را به ایشان خواهد داد.

پولها را گرفت و به اتاق بالا رفت، پس از زمانی آمد و گفت: او می فرماید: ما در آنها حقی نداریم، در همان مکانی که نیت کرده ای (مقام ابراهیم) قرار بده، ولی این سکه رضویه نزد ما باشد و عوض آن را از ما بگیر و در آن مکانی که نذر کرده ای، بینداز.

همان طور که فرموده بود، انجام دادم و با خود گفتم: این همان است که مأمور بودم از طرف او انجام بدهم، یعنی حضرت حجت صلوات الله علیه است.

سپس نسخه ای از توقیعی که به سوی قاسمبن علاء در آذربایجان صادر شده بود همراه من بود، به او گفتم: این نسخه را به کسی که توقیعات حضرت امام غائب صلوات الله علیه را دیده، نشان می دهی؟ گفت: بده به من، من می شناسم.

نسخه را به او دادم گمان کردم که آن پیرزن می توان خوبخواهد.

گفت: اینجا نمی توانم بخوانم. رفت به اتاق سپس آمد و گفت: این تویع صحیح است و در آن تویع چنین نوشته شده بود: مژده می دهم شما را به مژده ای که به کسی نداده ام.

آن گاه گفت: او به تو می فرماید: هرگاه به پیامبرت صلوات بفرستی چگونه صلوات می فرستی؟ گفتم: می گویم:

اللهم صل علی محمد و آل محمد، و بارک علی محمد و آل محمد، کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم، انک حمید مجید.

گفت: نه، چون خواستی صلوات، بفرستی به همه آنها صلوات بفرست و هر کدام را نام ببر، گفتم: آری.

چون فردا شد آن پیرزن آمد همراه خود دفتر کوچکی داشت.

گفت: ایشان به تو می فرمایند: چون خواستی بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستی طبق این نسخه بر او و بر اوصیای او صلوات بفرست.

نسخه را گرفتم و اکنون به آن عمل می کنم.

چند شب دیدم که او از اتاق پایین می آید و نور چراغ هم چنان روشن است و من در را می گشودم و دنبال آن نور می رفتم، ولی کسی را نمی دیدم فقط آن نور را مشاهده می کردم، تا این که وارد مسجد (الحرام) می شد.

گروهی از مردم شهرهای مختلف را می دیدم که به در این خانه می آمدند، برخی نامه هایی به آن پیرزن می دادند و پیرزن نیز

نوشته هایی به آنها می داد و با همدیگر حرف می زدند، ولی من سخنان آنها را نمی فهمیدم و برخی از آنها را هنگام برگشت در راه دیدم، تا این که وارد بغداد شدم. (1)

این دعای زیبا که از ناحیه خود امام زمان علیه السلام می باشد، در کتاب «مفاتیح الجنان» ضمن اعمال روز جمعه ذکر شده، ولی چنان که مرحوم صاحب مکیال فرموده، شایسته است که در هر زمانی بر خواندن آن مراقبت و مداومت صورت گیرد. (2)

اما مرحوم سید بن طاووس در مورد این صلوات می فرماید:

اگر به خاطر عذری تعقیب عصر روز جمعه را ترك کردی، هرگز این صلوات را ترك مکن، به جهت چیزی که خداوند جل جلاله - ما را به آن آگاه نموده است. (3)

مرحوم صاحب مکیال در خصوص فرمایش سید می فرماید:

از سفارش سید استفاده می شود که از طرف مولای ما حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه امری در خصوص خواندن این صلوات به ایشان رسیده است و همین، نشانه صحت روایت آن است. (4)

با وجود این تأکیدها لزوم اهتمام دوستداران امام عصر علیه السلام به

1-1. صحیفه مهدیه با اعمال اصلاحات در ترجمه به نقل از مصباح المتهدجد، صفحه 460، و البلد الامین صفحه 120، و المصباح صفحه 725، و دلائل الامامة صفحه 549، و جمال الاسبوع، صفحه 301.

2-2. مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 73.

3-3. جمال الاسبوع، صفحه 301.

4-4. مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 73.

خواندن این دعای شریف روشن می شود، بهتر است حداقل در عصر روز جمعه، ذکر این صلوات ترك نشود.

7- دعای عهد با امام زمان علیه السلام

آخرین دعایی که در این فصل معرفی می کنیم، دعای مأثوری از امام محمد باقر علیه السلام است که به جابر بن یزید جعفی فرمودند:

هر کس در طول عمرش يك بار این دعا را بخواند، دعایش در جلد عبودیت نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم علیه السلام بالا می رود. پس هر زمان که قائم ما (اهل بیت علیهم السلام) قیام کند، او را به نام خودش و نام پدرش می خواند. سپس این نوشته به او داده می شود و به او گفته می شود: این نوشته - همان عهدی که در دنیا با ما بستی - را بگیر و این فرمایش خدای عزوجل است که:

«الامن اتخذ عند الرحمن عهداً» (1).

اللهم يا اله الالهة، يا واحد يا احد، يا آخر الاخيرين، يا قاهر القاهرين، يا على يا عظيم، انت العلى الاعلى، علوت فوق كل علو. هذا يا سيدى عهدى وانت منجز وعدى. فصل يا مولاي عهدى وانجز وعدى، امننت بك (و) اسالك بحجباك العربى وبحجباك العجمى و بحجباك العبرانى و بحجباك السريانى و بحجباك الرومى و بحجباك الهندى

و اثبت معرفتك بالعناية الاولى فانك انت الله لا ترى وانت بالمنتظر الاعلى.

و اتقرب اليك برسولك المنذر صلى الله عليه وآله، و بعلى امير المؤمنين صلوات الله عليه الهادى، و بالحسن السيد و بالحسين الشهيد سبطى نبيك، و بفاطمة البتول، و بعلى بن الحسين زين العابدين ذى الثغنات، و محمد بن على الباقر عن علمك، و بجعفر بن محمد الصادق الذى صدق بميثاقك و بميعادك، و بموسى بن جعفر الحصور القائم بعهدك، و بعلى بن موسى الرضا الراضى بحكمك، و بمحمد بن على الحبر الفاضل المرتضى هاى المسترشدين، و بالحسن على الطاهر الزكى خزانه الوصيين، و اتقرب اليك بالامام القائم العدل المنتظر المهدي امامنا و ابن امامنا صلوات الله عليهم اجمعين.

يا من جل فعظم و [هو] اهل ذلك فعفا و رحم، يا من قدر فلطف اشكو اليك ضعفى و ما قصر عنه املى من توحيدك

و كنه معرفتك، و اتوجه اليك بالتسمية البيضاء، و بالوحدانية الكبرى، التي قصر عنها من ادبر و تولى و امنت بحجابك الاعظم و بكلماتك التامة العليا التي خلقت منها دار البلاء و احللت من احببت جنة المأوى.

و امنت بالسابقين و الصديقين اصحاب اليمين من المؤمنين [و] خلطوا عملاً صالحاً و آخر سيئاً، الا توليني غيرهم و لا تفرق بيني و بينهم غداً، اذا قدت الرضا بفضل القضاء.

آمنت بسرهم و علانيتهم و خواتيم اعمالهم، فانك تحتهم عليها اذا شئت.

يا من اتحنى بالاقرار بالوحدانية و حياني بمعرفة الربوبية و خلصني من الشك و العمى، رضيت بك رباً و بالاصفياء حججاً و بالمحجوبين انبياء و بالرسل ادلاء و بالمتقين امراء و سامعاً لك مطيعاً. (1)

گفتگوی پایانی

سالهای سال است که وقتی یاد و خاطره اصحاب با وفای سید الشهداء علیه السلام را می خوانیم و می شنویم، آرزو می کنیم که: ای کاش همراه آنان بودیم و به رستگاری عظیم نائل می شدیم. فرمایش امام

هشتم علیه السلام را به ربان بن شیب خوانده ایم و باور کرده ایم که فرمود:

ان سرک ان یكون لك من الثواب مثل ما لمن استشهد مع الحسين عليه السلام فقل متی ما ذکرته: یا لیتنی كنت معهم فافوز فوزاً عظیماً. (1)

اگر خوشحال می شوی از این که پاداش کسانی را که در رکاب حسین علیه السلام به شهادت رسیده اند، ببری، هرگاه او را یاد کردی بگو: ای کاش من با آنان بودم، پس به رستگاری بزرگ می رسیدم.

هر بار که این جمله را به زبان آوردیم، وارث حسین علیه السلام در نظرمان مجسم شد که هم چون جد شریفش در زمان غیبت، غریب و تنها مانده و «هل من ناصر ینصرنی» سر می دهد. پیش خود گفتیم: آیا می شود جان ناقابل ما لیاقت فدا شدن در پیش روی نور آل محمد صلی الله علیه و آله را بیابد؟ آیا ممکن است آن عزیززها علیها السلام ما را در زمره فدائیانش بپذیرد؟ هر چه به خود می نگریم، هیچ گونه شایستگی برای آن که در درگاهش پذیرفته شویم، نمی بینیم. از خود ناامید می شویم، اما از کرم و بزرگواری مولایمان نه. به این دلخوشیم که مولایمان همان گونه که جدش با حر بن یزید ریاحی رفتار کرد، دست رد بر سینه ما نزند و توبه مان را بپذیرد. حر وقتی خود را میان بهشت و جهنم مخیر دید و تصمیم گرفت که خود را از جهنم نجات داده، بهشتی شود، در حالی که دستانش را بر سر گذارده بود، سوار بر اسب به سوی مولایش آمد و با دل شکسته و تائب عرضه داشت:

1-1. بحار الانوار، جلد 44، صفحه 286، حدیث 23، به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام.

اللهم اليك انبت فتب علي فقد اربعت قلوب اوليائك و اولاد بنت نبيك.

خدایا به سوی تو بازگشتم، پس توبه ام را بپذیر که من دل‌های دوستانت و فرزندان دختر پیامبرت را لرزاندم.

آن گاه به امام حسین علیه السلام عرضه داشت:

جعلت فداك انا صاحبك الذي حبسك عن الرجوع و جمع بك و ما ظننت ان القوم يبلغون منك ما اري و انا تائب الى الله تعالى فهل ترى لي من توبة؟

فدایت کردم، من همان کسی هستم که در کنارت قرار گرفت و مانع بازگشت شما شد و کار را بر شما تنگ کرد و من گمان نمی کردم که این قوم نسبت به شما به اینجا که می بینم، برسند (قصد جان شما را بکنند) و من اکنون به سوی خدا بازگشته ام، آیا جا توبه برای من می بینی؟!

حر چنان خود را شرم‌منده و سرافکنده می دید که با نگاه به گذشته اش، کاملاً از خود ناامید بود، لذا گفت من توبه کارم، اما آیا جای توبه رای من وجود دارد؟! این اظهار، نشانگر کمال ناامیدی او از خودش بود که دقیق ترین معنای توبه همین است. گاهی انسان به زبان توبه می کند، اما از خودش ناامید نیست و در برخی زوایای قلبش هنوز اتکای به خود وجود دارد، این توبه کامل نیست. توبه کامل وقتی است که انسان هیچ امیدی - بله واقعاً هیچ امیدی - به خودش و کارهایش نداشته باشد. در این حالت است که اتکای انسان فقط و فقط به فضل و لطف خدای متعال خواهد بود و در چنین حالی مشمول رحمت واسعه

الهی واقع می گردد، حر به همین نقطه رسیده بود که از همه چیز خود ناامید بود حتی توبه اش! پیش خود نمی گفت که چون توبه کرده ام، لذا به بهترین بیان به حضرت عرضه داشت که آیا جای توبه برای من می بینید؟

اینجا بود که آقای مولا- روح تازه ای در کالبد حر دمیده و او را برای جانفشانی در رکاب سرور جوانان بهشت مهیا نمود. حضرت پا مهربانی و رأفت تمام به او فرمودند:

نعم یتوب الله عليك.

آری، خداوند توبه تو را می پذیرد.

آن گاه حر اجازه خواست که چون نخستین کسی بود که راه بر امام علیه السلام بست، اولین شهید پیش روی آن حضرت باشد. حسین علیه السلام اجازه فرمودند و حر پس از جهادی زیبا که گروهی از شجاعان و پهلوانان دشمن را به هلاکت رساند، به شهادت رسید و بدن شریفش را خدمت ابی عبدالله علیه السلام آوردند. حضرت در حالی که خاک را از روی صورت او پاک می کردند، فرمودند:

انت الحر كما سمتك امك حراً في الدنيا و الآخرة. (1)

تو آزاد هستی همان طور که مادرت تو را حر نامید در دنیا و آخرت.

چنین بود که حر به آرزویش که فدا کردن جان به پیشگاه حجت

زمان بود، رسید ما هم با ناامیدی کامل از گذشته خود به امام زمانمان عرضه می داریم: آقا جان! ما هر چند که راه به روی شما نیستیم و در مقابل شما علناً جبهه نگرفتیم، اما می دانیم که با گناهان خود و ناشکریهایی که نسبت به همه نعمتهای الهی - و در صدر آنها نعمت وجود و معرفت خود شما - داشته ایم، دل پاک و مقدس شما را آزرده خاطر نمودیم و بر خلاف شما عمل کردیم. به همین جهت لیاقت فدا کردن جانهای خود را در رکاب شما نداریم. اما هر بار که خاطره شهدای کربلا را می خوانیم یا می شنویم و غربت و مظلومیت شما مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را می بینیم، دلمان به درد می آید و آرزو می کنیم که هم چون حر بتوانیم با فدا کردن جان ناقابل خود، مرهمی بر درد بی کسی و غربت شما باشیم و به این وسیله از شرمندگی گذشته های خود به در آییم. آیا شما ما را می پذیرید و اجازه دفاع از وجود مقدستان را به ما می دهید؟ آیا توبه ما به پیشگاه خداوند مقبول است؟ به زبان حال و مقال خدمتتان عرضه می داریم:

هل تری لی من توبه؟ و از حضورتان انتظار داریم که هم چون جد بزرگوارتان - که از گذشته حر صرف نظر کردند - اعمالی را که موجبات آزرده گی خاطر شما را در گذشته فراهم کرده است، به روی ما نیاورید و بزرگوارانه اجازه جانفشانی در پیشگاهتان را عطایمان فرمایید. این بزرگترین آرزوی ما در زندگی مان است.

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

پرسشهای مفهومی از درسهای 7 تا 20

1. در مقایسه دعای غیر مأثور و دعای مأثور به چه نکاتی باید توجه داشت؟
2. دعا‌های امام گذشته برای تعجیل فرج امام دوازدهم چه وجهی دارد؟
3. يك احتمال در معنای تعبیر «سابقهم» را که در مورد امام عصر علیه السلام و سبقت ایشان بر سایر اهل بیت علیهم السلام به کار رفته، بیان کنید.
4. روایاتی که عرضه اعمال بر اهل بیت علیهم السلام را در روزهای دوشنبه و پنجشنبه بیان کرده اند چگونه با روایاتی که آن را در هر صبح و شام دانسته اند، قابل جمع است؟
5. خواندن دعای ندبه در اعیاد اربعه چه مناسبتی با این اعیاد دارد؟
6. از این فرمایش امام رضا علیه السلام که: «هر کس در ماه رمضان مؤمنی را کمک کند، خدای متعال او را برای عبور از صراط کمک می کند» چه استفاده ای در بحث دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام دانسته شده اند؟
7. چه کسانی خونخواه امام حسین علیه السلام دانسته شده اند؟
8. آیا خون خواهی امام حسین علیه السلام به زمان ظهور امام عصر علیه السلام اختصاص دارد یا تحقق آن در زمان غیبت ایشان هم امکان پذیر است؟

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

